Vol. 10 | No. 2581 | Sat. Sep 9. 2023 | شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ | ۲۳ صفر ۱۴۴۵ | سال دهم | شماره ۲۵۸۱ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام سکه	شاخص بورس
--	--	۲۸۱۵۷۰۰۰	۲۱۵۰۹۷۵

از وعده ثبات در نرخ ارز تا تاکید بر گران نشدن کالاهای اساسی

تلاش دولت برای ارسال سیگنال‌های مثبت تورمی

صفحه ۲

فعالیت‌های ساختمانی در تابستان نوسان اندکی را تجربه کردند

تراز ساخت و ساز با شاغول ارز

صفحه ۵

احمد توکلی در نامه‌ای به نمایندگان مجلس خواستار رد کامل مصوبه مولدسازی اموال دولت شد

هشدار سه‌باره درباره مولدسازی

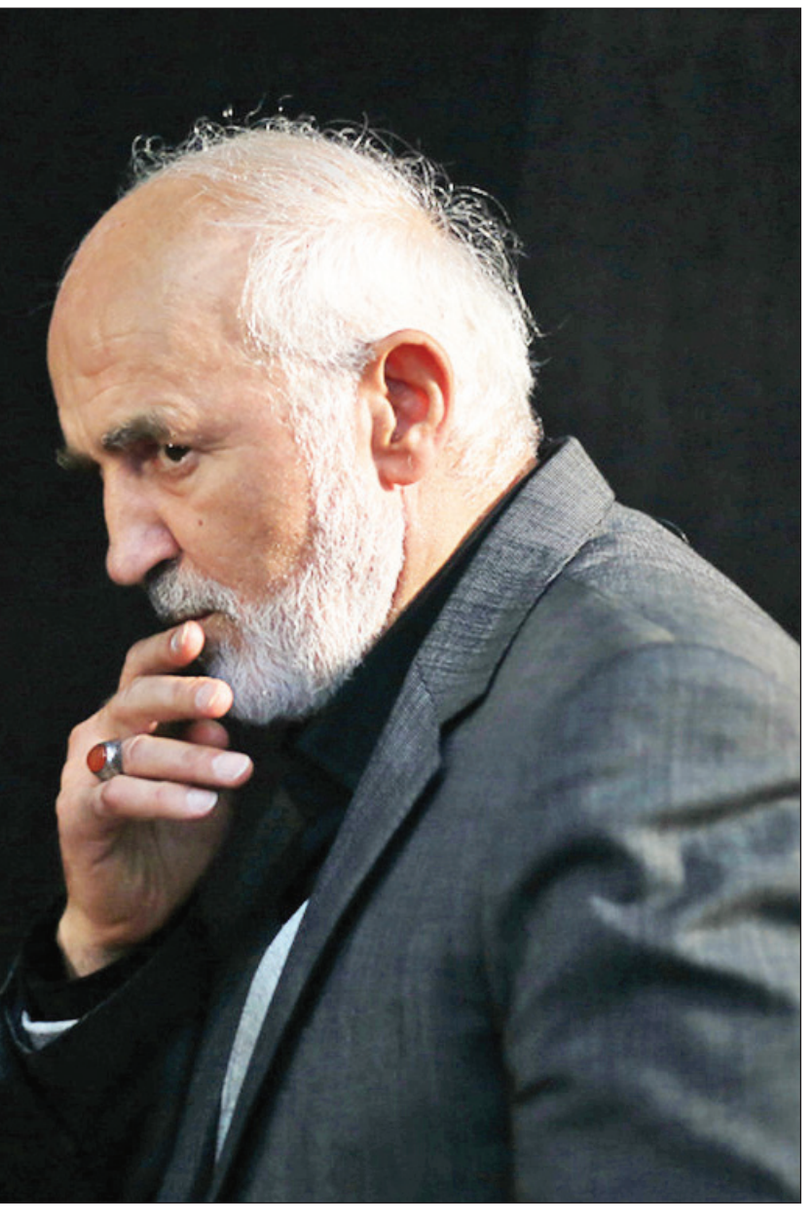

- شما امری که رهبری تاییدش را پس گرفته چگونه به رای می گذارید؟
- می خواهند مصوبه‌ای را بر مردم تحمیل کنند که بیش از یکصد اصل از قانون اساسی و احکام قوانین مالی مادر را نقض می کند
- بدترین دشمن مستضعفان و حکومت از جمله در خانه‌دار شدن مردم، فساد است
- زمین، دارایی طبیعی و منحصر به فرد است و رایگان در اختیار دولت قرار دارد. دولت تاجر نیست که آن را خریده باشد و آن را مال التجاره خود بداند و بخواهد آن را به بالاترین قیمت بفروشد

۴

فرانسوی‌ها برمی گردند؟

۲۳ برند خودرویی در راه ایران

واردات خودروهای دست دوم با توجه به وضعیت حاکم بر بازار خودرو در دستور کار سیاست گذار قرار گرفت. این لیست شامل ۲۳ برند خودروی سواری و سه برند خودروی تجاری است. دو برند خودروساز فرانسوی نیز در لیست خودروهای سواری دست دوم که امکان ورود به کشور را پیدا می کنند، قرار داشتند. ورود محصولات دست دوم پژو-سیتروئن و رنو به بازار را می توان به نوعی عقب‌نشینی سیاست گذار خودرویی درباره بازگشت این دو برند خودروساز اروپایی به کشور قلمداد کرد.

صفحه ۷ را بخوانید

حمید حاج اسماعیلی از نتایج نشست احتمالی تجدیدنظر در دستمزدها می گوید

نهادهای کارگری قدرت چانه‌زنی ندارند

زهرا سلیمانی | هر اندازه که نرخ رشد تورم و گرانی‌ها در کشور شتابنده‌تر شده و قدرت خرید خانواده‌ها بیشتر کاهش می‌یابد، تلاش تیم اقتصادی دولت برای فضاسازی‌های رسانه‌ای و ترسیم چشم‌اندازهای خوشایند از وضعیت معیشتی جامعه هم افزایش پیدا می کند. بر اساس آخرین آمارها، نرخ سبد معیشتی یک خانواده ۳،۵ نفره به صورت حداقلی به حدود ۲۰ میلیون تومان رسیده است. خط فقر هم به حول و حوش ۲۵ میلیون تومان در کلانشهرها رسیده است. این در حالی است که حداقل دستمزد ماهانه برای سال ۱۴۰۲ حول و حوش ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است. اعداد و ارقامی که نشان‌دهنده مصائب فراوان کارگران کارگران و حقوق‌بگیران برای گذران زندگی است. به دلیل این فشارها، نمایندگان کارگران بارها درخواست برگزاری نشست ویژه تجدیدنظر در دستمزدها را داشته‌اند، اما این درخواست‌ها با پاسخ منفی دولتی‌ها مواجه شده است. اما نهایتا فشار بر معیشت کارگران به اندازه‌ای شد که دولت با برگزاری یک چنین نشستی موافقت کرده است. اما تحلیلگران بازار کار از جمله حمید حاج اسماعیلی معتقدند نتیجه این نشست نهایتا کمکی به وضعیت معیشتی کارگران و حداقل‌بگیران نخواهد کرد و دولتی‌ها با استدلال‌هایی چون فقدان گزاره‌های قانونی، برخلاف مصلحت کشور بودن، کاهشی شدن نرخ تورم و... با این درخواست مخالفت می کنند.

■ اخیرا ارقام عجیبی درباره سبد معیشتی خانواده‌ها و فشار زایدالوصف بر دوش حداقل‌بگیران منتشر شده. آیا با این شرایط ممکن است که در دستمزد کارگران تجدیدنظر شود؟

ببینید، در بحث سبد معیشتی یا نیازهای معیشتی یک خانواده برای تعیین دستمزد، هرگز یک شاخص دقیق در اقتصاد ایران تعبیه نشده است. به‌رغم اینکه همواره به ماده ۴۱ قانون کار استناد می‌شود که در آن نرخ تورم و سبد معیشتی قرار داده شده، اما هرگز شاخص دقیقی که مورد توافق دولت و شرکای اجتماعی برای تعیین دستمزد باشد، وجود نداشته است. حتی مرجع مشخصی برای تایید این شاخص‌های اقتصادی هم وجود نداشته است. یا واقعا نرخ تورم یک شاخص اساسی در تعیین دستمزدهاست که در فرآیند تعیین دستمزدهای ایران مورد توجه قرار نگرفته است. نماد عینی یک چنین وضعیتی را در تعیین دستمزدها در پایان سال ۱۴۰۱ مشاهده شد؛ زمانی که نرخ تورم حدود ۵۰ درصد بود اما دستمزدها با رشد ۲۷ درصدی مواجه شدند. موضوع بعدی بحث سبد معیشتی است که مورد توافق نبوده است. سال قبل نرخ سبد معیشتی دولت با نرخ کارگران تفاوت داشت، اما حتی به سبد معیشتی خود دولت هم بی‌توجهی شد. بنابراین این شاخص‌ها همگی تقریبی است و هنوز تا رسیدن به اجماع در شاخص‌هایی مورد توافق همه طرف‌ها (دولت، کارفرمایان و کارگران) باشد، فاصله زیادی باقی مانده است. بر این اساس، معتقدم که ابتدا باید شاخص‌هایی به‌عنوان ملاک مدنظر قرار گرفته که اعداد آنها در تعیین دستمزدها به کار گرفته شوند. با وجود اینکه نرخ تورم و سبد معیشت در ماده ۴۱ آمده، حتما باید نرخ خط فقر هم در فرآیند تعیین دستمزدها مداخله پیدا کند تا به دستمزدهای واقعی در کشور نزدیک شویم. بنابراین مبنای دقیقی در تعیین سبد معیشت و خط فقر وجود ندارد. تنها تخمین‌ها و حدس‌هایی در نهادهای مختلف صورت می گیرد.

■ سال قبل اعداد و ارقامی درباره نرخ خط فقر مطرح شد، اما این اعداد در روند نهایی دستمزدها دخالتی نداشتند؛ چرا؟

در سال ۱۴۰۱، نرخ سبد معیشت بسیار بالاتر از نرخ اعلامی دولت بود، چرا که طی ۶ ماه ابتدایی سال ۱۴۰۲ قیمت‌ها به کرات با افزایش قیمت مواجه شدند. حتی برخی اقلام که ذیل اقلام اساسی قرار نمی گیرند اما مصرف بالایی دارند، چندین بار شاهد افزایش قیمت بودند. کالاهای اساسی هم با نظر دولت در چند مرحله افزایش یافتند، ضمن اینکه در برخی موارد فروشندگان و سوداگران هم قیمت‌ها را خودسرانه افزایش داده‌اند بدون اینکه نظارتی بر فعالیت‌های این گروه‌ها صورت گرفته باشد. بر این اساس، هم نرخ تورم و هم نرخ سبد معیشتی و هم نرخ خط فقر با افزایش‌های قابل توجهی مواجه بوده‌اند. بر اساس برخی بررسی‌ها، خط فقر نسبی در ایران به بالای ۲۰ میلیون تومان رسیده است.

■ اما به نظر می‌رسد، ارزیابی‌های دولت بر اساس خط فقر مطلق است. مثلا زمانی که دولت اعلام می کند، فقر را ریشه‌کن کرده، منظورش خط فقر مطلق است؟

به‌طور کلی دو نوع خط فقر داریم؛ یکی خط فقر مطلق و دومی خط فقر نسبی است. آنچه تحلیلگران به عنوان شاخص در تعیین دستمزدها نام می‌برند و علاقه‌مند هستند به عنوان شاخص از آن استفاده شود، خط فقر نسبی است. یعنی امکانات مورد نیاز و معاش لازم و مسکن حداقلی که بتواند نیازهای یک خانواده متوسط ۳،۵ تا ۴ نفره ایرانی را تامین کند. این عدد در کلان‌شهرها حدود ۲۴ تا ۲۵ میلیون است و در شهرهای کوچک اندکی پایین‌تر است. اما به طور متوسط این رنج در کشور کمتر از ۲۰ میلیون تومان نیست. اگر این اعداد و ارقام در کنار دستمزدها قرار داده شود، مشخص می‌شود چه فاصله‌ای میان معیشت مردم و دستمزدها وجود دارد. این روند ضرورت بازنگری در دستمزدها را یادآور می‌سازد.

■ به طور کلی، رسیدن به روند واقعی دستمزدها نیازمند همکاری و تعامل سه ضلع اصلی در روند تعیین دستمزدها است. چرا این هارمونی طی سال‌های اخیر شکل نگرفته است؟

به این موضوع ذیل عنوان سه جانبه‌گرایی یاد می‌شود که جزو اصول اساسی در سازمان بین‌المللی کار است. مبنای حل مشکلات حوزه کار، همکاری و تشریک مساعی است که باید بین دولت، کارگران و کارفرمایان ایجاد شود. ایران در این بخش مشکلات اساسی دارد. یکی از مشکلاتی که در روند تعیین دستمزدها اثرات جدی داشته، همین بی‌اعتنایی دولت نسبت به نظر شرکای اجتماعی است. در واقع دولت به جای همکاری به تکروی اعتقاد دارد و باوری به سه جانبه‌گرایی میان دولتمردان (به عنوان نماینده حاکمیت) وجود ندارد. این تکروی اولا غیرقانونی است؛ چرا که ترکیب شورای عالی کار مبتنی بر سه جانبه‌گرایی است. هر سه ضلع رای برابر دارند و باید از طریق مشارکت، مسائل و مشکلات را حل و فصل کنند. اما به‌رغم اینکه چند ماهی است نمایندگان کارگری درخواست کرده و اصرار می کنند که موضوع بازنگری دستمزدها در شورای عالی کار در دستور کار قرار گیرد، دولت سیزدهم اعتنایی به آن ندارد.

■ دلیل این بی‌اعتنایی از سوی دولت چیست؟ چرا دولت نسبت به درخواست کارگران برای تجدیدنظر دستمزدها توجهی ندارد؟

مهم‌ترین دلیل این بی‌اعتنایی عدم اعتقاد دولت به همکاری با کارگران است. دولت اعتقادی به سه جانبه‌گرایی ندارد و حقی برای چانه‌زنی کارگران قائل نیست. دولت به صدور بخشنامه‌های دستوری عادت دارد و در این بخش هم خواستار تحقق این روند دستوری است. تا زمانی که نهادها و تشکل‌های کارگری و کارفرمایی به رسمیت شناخته نشوند، قطعا توسعه بازار کار محقق نمی‌شود. چرا که بخشی از توسعه بازار کار مربوط به کارگران و کارفرمایان است و نادیده‌انگاشتن آنها چرخ این ماشین را دچار مشکل می کند و اجازه نمی‌دهد به صورت طبیعی حرکت کند.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت-۱

تناقض عدم تطابق هزینه‌ها با درآمدها

پیمان مولوی

طی روزهای اخیر اخباری در سطح رسانه‌ها منتشر شدند که با بررسی آنها می‌توان به سرنخی مهم از چرایی گسترش فقر در کشورمان رسید. یکی از مهم‌ترین اخبار اقتصادی طی روزهای اخیر، اعلام رشد خط فقر نسبی در شهرها و کلان‌شهرهای کشور است. نرخ خط فقر و سبد معیشتی یک خانواده ۳،۳ نفره، به بالای ۲۰ میلیون تومان رسیده است. زمانی که این نرخ را در کنار دستمزد حداقلی حقوق‌بگیران ایرانی (حدود ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان) می‌گذاریم، متوجه مصائب فراوان مردمی می‌شویم که در برابر یک تناقض بزرگ قرار گرفته‌اند. تناقضی با این معادله که چگونه می‌توان تناسبی میان درآمد و هزینه‌های یک خانواده ایجاد کرد؟ اما این تمام ماجرا نیست؛ موضوع مهم بعدی، آمارهای بانک مرکزی در خصوص رشد ۴۵ درصدی پایه پولی کشور است. در شرایطی که رییس جمهور و تیم اقتصادی‌اش به‌طور مستمر اعلام می‌کنند که کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی را از مسیرهای اقتصادی پوشش داده‌اند، اما آخرین آمارهای بانک مرکزی از جزییات کل‌های پولی در فروردین ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که رشد نقطه به نقطه پایه پولی در این ماه نسبت به سال گذشته به ۴۵ درصد رسیده که بر اساس اعلام رسانه‌ها «بیشترین میزان این متغیر در تمام ادوار است.» اعداد و ارقامی که نشان می‌دهد بر خلاف ادعاهای مطرح شده، هم چاپ پول و هم از بانک مرکزی و سیستم بانکی استقراض شده است. در کنار این گزاره، نسبت پول به‌نقدینگی که نشان‌دهنده میزان سیالیت نقدینگی است نیز به ۲۶ درصد رسیده که بیشترین میزان تاریخی خود را نشان می‌دهد. پایه پولی به‌طور کلی ۳ زیرمجموعه دارد که تحولات آن در رشد پایه پولی اثرگذار است؛ نخست «رشد بدهی دولت به بانک مرکزی»، دوم «رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی» و نهایتا «افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی» است. در هر ۳ مورد، وقتی رشد ۴۵ درصدی پایه پولی به چشم می‌خورد، با ضریب فزاینده‌ای که در برابر اعطای وام وجود دارد، دولت اعلام می‌کند که در برابر رشد نقدینگی مقاومت کرده و آن را کنترل می‌کند. پرسش اساسی آن است که با وجود توسعه پایه پولی این روند کاهش نقدینگی تا چه زمانی ادامه دارد؟ نکته نگران‌کننده آن است که با فریز کردن ضریب فزاینده (یعنی کاهش اعطای وام بنگاه‌ها) در چرخه‌های عملیاتی بنگاه‌های ایرانی خلل‌های جدی وارد شده است. به همین دلیل است که در نیمه دوم سال تقاضای شدیدی برای سرمایه در گردش بنگاه‌ها وجود دارد. از سوی دیگر وقتی پایه پولی با رشد مواجه می‌شود، نقدینگی هم با رشد مواجه می‌شود؛ (رشد نقدینگی در ایران بین ۲۸ تا ۳۰ درصد است) در این حالت تورم هم با رشد مواجه می‌شود.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت-۲

اقتصاد ایران و بانک‌محوری

مرتضی دلخوش

یکی از اصلی‌ترین مسائلی که در سال‌های گذشته اقتصاد ایران را به خود مشغول کرده، بحث تورم بزرگ و طولانی‌مدت است، در واقع جز در دوره‌هایی بسیار کوتاه، در تمام سال‌های گذشته اقتصاد ایران با یک تورم بزرگ و همه‌جانبه مواجه بوده است و با وجود تلاش‌هایی که تمام دولت‌ها به کار بسته‌اند، همچنان این چالش به جای خود باقی مانده است. در چنین فضایی احتمالا برای برون‌رفت از این شرایط ما باید به سمتی حرکت کنیم که اصلاحات ساختاری را در اقتصاد ایران به وجود بیاورد. در واقع اقتصاد ایران با یک چالش خاص و کم‌سابقه مواجه است. همانطور که ما رکود تورمی را پشت‌سر می‌گذاریم که در میان کشورهای مختلف دنیا، بسیار کم‌تکرار بوده است، وضعیتی که با مدیریت نقدینگی در کشور داریم نیز شرایطی اینچنینی دارد. اگر کشوری با مشکل نقدینگی مواجه باشد، باید رو به روش‌هایی از جمله جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیاورد و اگر حد قابل اتکایی از نقدینگی وجود داشته باشد، باید این منابع به سمت حرکات مولد و تولیدی حرکت کند. ما در ایران از سویی با مشکل رشد دایمی و خطرناک نقدینگی مواجه هستیم، یعنی هرچه کارشناسان سخن از لزوم کنترل نقدینگی گفته‌اند، همچنان شاهد آن هستیم که روزانه میلیاردها تومان نقدینگی جدید در اقتصاد ایران به جریان می‌افتد. در چنین شرایطی تنها فرصت موجود، ایجاد بسترهایی برای حرکت دادن این نقدینگی به حوزه‌های مولد و ثروت‌آفرینی برای کشور است. یکی از نتایج نگاه به پول نفت، وابستگی بیش از حد به بانک‌ها بوده است. ما در طول دهه‌های گذشته هر بار که نیاز به منابع مالی داشته‌ایم یا شرکت‌ها برای تامین منابع تولیدی‌شان به پول احتیاج داشته‌اند به سمت بانک‌ها حرکت کرده‌ایم و تسهیلات بانکی، بخش جدانشدنی از اقتصاد ما بوده است. این سیاست موجب شده که از یک‌سو، اتکا به بانک‌ها به حدی افزایش پیدا کند که با حذف آنها، چیزی از فرآیند تامین مالی در دیگر حوزه‌ها باقی نماند و از سوی دیگر فشار بر شبکه بانکی نیز افزایش یافته و میزان طلب‌های معوق بانک‌ها به‌شدت افزایش پیدا کرده است. اگر تنها بخشی از این تمرکز از شبکه بانکی به بورس و بازار سرمایه انجام می‌شد، امروز وضع ما اینگونه نبود. بازار سرمایه در بسیاری از کشورها، منبع اصلی جذب منابع مالی برای شرکت‌ها و موسسات اقتصادی است. به این ترتیب ما از سویی با فضایی مواجه هستیم که برای عبور از آن باید از بانک‌ها حساب‌کشی کنیم و از سوی دیگر خود بانک‌ها از زاویه‌ای قربانی این شرایط هستند. به این ترتیب اصلاحات ساختاری و تغییر زمین بازی بهترین راهبرد ما در این حوزه خواهد بود.

یادداشت-۳

لزوم تحول و کارآمدسازی نظام اجرایی شهرداری تهران

رضا پاکدامن

اداره شهر تهران به عنوان یک کلان‌شهر با جمعیتی حدود ۹ میلیون نفر ساکن و به عنوان مرکز استانی با ۱۸ میلیون نفر جمعیت ساکن و مرکزیت سیاسی کشور، از پیچیدگی و حساسیت خاصی برخوردار بوده که می‌بایست مورد توجه ویژه قرار گرفته و با علمی‌ترین روش‌ها مدیریت شود. تهران به عنوان پایتخت مورد توجه جهانی است. آلودگی شدید هوا، ترافیک اعصاب خردکن، نحوه جمع‌آوری زباله، بافت فرسوده، ساختمان‌های بدقواره و غیرشکیل، در کل سیمای مطلوبی از این شهر ایجاد نکرده است. ولی عوامل متعددی موجب گردیده، نه تنها تحول بلکه حتی عملکرد شهرداری کلان‌شهر تهران علیرغم گستردگی فعالیت و گردش بسیار بالای مالی، به میزان لازم تحت نظارت و کنترل نباشد. خصوصا بعد از انتصاب دکتر زاکانی به عنوان شهردار تهران در ۱۱ شهریور ۱۴۰۰، شهرداری تهران دوره متفاوتی را شروع کرده و نظارت شورای شهر تهران بر این نهاد عمومی به هر دلیلی بنظر کمرنگ‌تر می‌رسد.. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مورد بودجه سال ۱۴۰۲ شهرداری تهران، نکات بسیار حائز اهمیتی مطرح گردیده که به برخی از موارد آن اشاره می‌گردد.

۱. بودجه

بودجه عمومی شهرداری تهران در سال ۹۷ بالغ بر ۱۷ هزار میلیارد تومان و در سال ۹۸ بالغ بر، ۱۹ هزار میلیارد تومان و در سال ۱۳۹۹، کمتر از ۳۱ هزار میلیارد تومان بوده ولی در سال ۱۴۰۲ با جهشی ۵۱ درصدی نسبت به سال قبل بودجه آن به ۷۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. جهش چشمگیر و بیش از دو و نیم برابر شدن بودجه شهرداری از ۳۱ هزار میلیارد توان در سال ۱۳۹۹، به ۷۶ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ جالب توجه است مضافا اینکه تحول محسوسی در خدمات شهری و امور زیربنایی تهران طی دو سال اخیر مشاهده نمی‌گردد.

۲. درآمد

۶۰ درصد از درآمد شهرداری تهران، مربوط به «درآمدهای ناشی از توسعه شهر» شامل درآمدهای مرتبط با پروانه‌های ساختمانی، تراکم، عوارض ارزش افزوده ناشی از اجرای طرح‌های عمران و توسعه شهری بوده که حدودا ۴۰ درصد از درآمدهای ذیل این سرفصل از محل فروش تراکم (مازاد بر تراکم پایه) و حدود ۴۵ درصد از محل عوارض ارزش افزوده ناشی از اجرا، تعیین یا تغییر کاربری عرصه در طرح‌های عمران و توسعه شهری است. درآمد حاصل از «فروش تراکم» رقم بالایی را تشکیل می‌دهد که اساس این کار غلط بوده و بر خلاف عنوان انتخابی، «ضد توسعه شهری» است.

۳. مخارج هوشمندسازی

عمده مخارج شهرداری تهران در حوزه حمل‌ونقل و ترافیک (۴۳٪)، توسعه مدیریت و هوشمندسازی شهری (۱۵٪) و خدمات شهری و...

ادامه در صفحه ۶

یادداشت-۴

خط سبز برای بورس

رقیه ندایی

بورس از نیمه اردیبهشت ماه تا حدود سه هفته پیش روزهای تلخ و تاریکی را پشت سر گذاشت که این تلخی و تاریکی ناشی از تصمیمات یک‌شبه و دخالت‌ها از بین برود. داستان از این قرار بود که در اواسط تیرماه، نامه معاون اول رییس جمهور مربوط به ۱۷ اردیبهشت منتشر شد که در آن نرخ خوراک پتروشیمی به ۷ هزار تومان افزایش یافته بود که تقریبا ۵۱ روز این موضوع پنهان مانده بود و علت آن هنوز مشخص نشده است!

حدودا سه ماه طول کشید که نرخ خوراک پتروشیمی‌ها رسما مشخص شود و در این مدت بازار منفی بود و یک عده در حال کسب سود بودند و باز هم علت این تعلل مشخص نیست! به‌طور کلی از نیمه اردیبهشت ماه تا چند هفته پیش بورس در حال پرداخت رانت به یک عده خاص بود و در این بین تنها سهامداران بودند که زیان کردند. به هر ترتیب و پس از بالا و پایین‌های بسیار زیاد بالاخره نرخ خوراک پتروشیمی‌ها فرموله شد و همین موضوع باعث شد که بازار سرمایه واکنش مثبتی نشان دهد و شاهد ۱۰ روز سبزپوشی شاخص باشیم. البته شاخص کل بورس بخشی از مثبت بودن این خبر را پیشخور کرده بود و به همین خاطر روزهای مثبت زیادی روی تابلوی معاملات ثبت شد.

در هر حال شاهد افزایش ثبات در بازار سرمایه هستیم؛ این ثبات بدین معناست که دستکاری و دخالت در حال حاضر کاهش یافته و بازار سهام به یک ثبات نسبی رسیده است و این ثبات می‌تواند افزایش اعتماد و ورود نقدینگی را در پی داشته باشد. اما در اینجا یک شرط وجود دارد اینکه این شرایط ثبات نسبی یعنی عدم دخالت‌ها تا چندین ماه ادامه‌دار باشد و مسوولی بازار را دستکاری نکند (بازار سرمایه روند شفافی دارد و هر گونه دخالت و دستکاری شرایط بازار را بر هم می‌زند بنابراین دولت و مسوولان باید اجازه دهند که بازار راه خود را برود و دخالتی در معاملات نداشته باشند) آن زمان بازار می‌تواند با جذب اعتماد نقدینگی نیز جذب کند.

نتیجه اعتماد و نقدینگی در بازار سرمایه می‌تواند افزایش بهره‌وری و رشد واقعی شاخص باشد؛ اغلب شرکت‌های فعال در کشور بورسی هستند و اگر این شرکت‌ها به واسطه واقعی توسط بازار سرمایه رشد کنند اقتصاد کشور نیز در شرایط تحریم و تورم می‌تواند روزهای خوبی را سپری کند. به‌طور کلی عدم دخالت در بازار سهام و ایجاد شرایط باثبات برای این بازار می‌تواند شرایط اقتصادی کشور را نیز ترمیم کند و شاهد رشدهای خوبی در بورس و ترمیم اقتصاد کشور باشیم.

راهبرد

رهبر انقلاب:

اگر استقامت کردید، قله را فتح خواهید کرد

رهبر انقلاب اسلامی در مراسم عزاداری هیات‌های دانشجویی به مناسبت اربعین حسینی تاکید کردند: اگر استقامت کردید، قله را فتح خواهید کرد و به قله حاکمیت دین خدا و حاکمیت حق و عدل خواهید رسید.

همزمان با اربعین حسینی، مراسم عزاداری با حضور جمع زیادی از هیات‌های دانشجویی در حضور رهبر انقلاب اسلامی برگزار شد. در این مراسم در رثای حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و یاران باوفای ایشان مرثیه‌سرایی و زیارت اربعین نیز قرائت شد.

در این مراسم همچنین نماز جماعت ظهر و عصر به امامت رهبر انقلاب برگزار شد.

مشروح سخنان رهبر انقلاب اسلامی در پایان عزاداری دانشجویان در مراسم اربعین حضرت سیدالشّهدا(ع) به شرح زیر است:

نمازتان قبول! توسّل‌تان قبول! گریه‌ها و توجّهات‌تان و دعاهایتان مورد لطف و اجابت الهی؛ ان‌شاءالله. خوشا به حال شما جوانها! دل‌های روشن، ایینه‌های پاکیزه و آماده جذب و جلب عنایات الهی، توصیف واقعی شما جوان‌ها است. اوّلاً عذرخواهی می کنم که جا کم بود برای نماز و بعد از نماز اسباب زحمت برایتان درست شد.

هر یک از این مجالس توسّل، از این حالات توسّلی که شما دارید، یک اتّصال و ارتباطی است با نور معنویت لایزال حسینی (علیه الصّلاة و السّلام). شمع خاموش دل خودمان را در این توسّلات متّصل می کنیم به مشعل نورانی فراگیر انوار حسینی و دل‌هایتان را روشن می کنید. نام امام حسین، راه امام حسین، توجّه به امام حسین، توسّل به حسین‌بن‌علی سیدالشّهدا (سلام‌الله علیه) راهگشا است. به معنای واقعی کلمه «حُسینٌ مِصباحُ الهُدیٰ» حسین چراغ هدایت است. این هدایت را شما در ضمیر خودتان، در باطن خودتان هم حس می کنید. هر کسی در یک محفل حسینی بنشیند و برخیزد، بدون تردید بهره معنوی از این نشست و برخاست می‌برد؛ در این تردیدی نیست. هر کدام از ما ساعتی در این مجالس بنشینیم، دل‌های‌مان آخر آن ساعت از اوّل آن ساعت پاکیزه‌تر و نورانی‌تر می‌شود. مهم این است که این را نگه داریم؛ مهم این است که این نورانیت را بتوانیم حفظ کنیم.

در این سرود زیبایی که خودتان در اوّل این جلسه خواندید، گفتید که این راه، راه اراده است؛ بله، راه اراده است؛ باید با اراده حرکت کرد، باید با تصمیم حرکت کرد. جاذبه‌ها برای زاویه ایجاد کردن از این صراط مستقیم کم نیست. همیشه این زاویه‌ها بوده، و امروز بیشتر از همیشه است. اراده قوی لازم است تا در مقابل این جاذبه‌های شیطانی بتوانید مقاومت کنید. اگر مقاومت کردید، آن وقت قلّه را فتح خواهید کرد و به قلّه حاکمیت دین خدا، حاکمیت حق، حاکمیت عدل، به قلّه رسیدن به مقصود و غرض از خلقت انسانی که عبارت از تکامل انسان و کمال بشری باشد خواهید رسید؛ کاری که از بعد از زمان رسول خدا تا امروز انجام نگرفته. این کار، کار شما است. شما جوان‌های امروز می‌توانید مایه امید باشید، و مایه امیدید. بحثِ «می توانید» نیست؛ مایه امی دید. امروز هر کدام از شما می‌توانید یک مشعل نورانی باشید بر سر راه پیرامون خودتان و محیط پیرامونی خودتان. سعی کنید این را نگه دارید؛ تلاش کنید در این راه استقامت بورزید: فاستقِم کما اُمِرت و من تاب معک؛ استقامت مهم است، ایستادگیِ مهم اَست و این کار را شما می توانید بکنید و ان شاءالله به برکت توجّه و توسّل به حسین‌بن‌علی (علیه‌السّلام) خواهید کرد.

ان‌شاءالله همچنان که در این راهپیمایی‌های عظیمی که امروز و روزهای قبل بین نجف و کربلا و در راه کربلا وجود داشته یا در شهرستان‌ها به تبعیت از آن راهپیمایی، راهپیمایی وجود داشته، همچنان که در این راهپیمایی‌ها با اراده و با استحکام حرکت کردید، جوانانه راه رفتید، در همه کارها، در راه معنویت و حقیقت و حاکمیت توحید ان‌شاءالله خواهید توانست با همین استحکام حرکت کنید. این، امیدی است که به شما جوان‌های امروز هست، به شما جوان‌های دنیای اسلام هست و به خصوص به شما جوان‌های ایرانی عزیزمان هست.

من امیدوارم خدای متعال به شماها کمک کند، توفیقتان بدهد و در این راه استقامت بورزید و همیشه حسینی زندگی کنید و حسینی بمانید.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

بخش‌هایی از بیانات رهبر انقلاب در این دیدار:

این راه شما، اراده است. باید با اراده حرکت کرد. با تصمیم باید حرکت کرد. جاذبه‌ها برای زاویه ایجاد کردن از این صراط مستقیم کم نیست. همیشه بوده این زاویه‌ها امروز بیشتر از همیشه است.

اراده قوی لازم است تا در مقابل این جاذبه‌های شیطانی بتوانید مقاومت کنید. اگر مقاومت کردید آن وقت قله را فتح خواهید کرد. کاری که از بعد از زمان رسول خدا تا امروز انجام نگرفت. قله حاکمیت دین خدا، حاکمیت حق، حاکمیت عدل، قله رسیدن به مقصود و غرض از خلقت انسانی که عبارت باشد از تکامل انسان، کمال بشری، به این قله خواهید رسید. این کار، کار شماست.

شما جوان‌های امروز می‌توانید مایه امید باشید، مایه امیدید. بحث می‌توانید نیست. مایه امیدید. امروز هر کدام از شما یک مشعل نورانی می‌توانید باشید بر سر راه پیرامون خودتان و محیط پیرامونی خودتان. سعی کنید این را نگه دارید. تلاش کنید در این راه استقامت بورزید. فاستقم کما امرت و من تاب معک. استقامت مهم است.

ان‌شاءالله با همین اراده‌ای که شما جوانان در این راهپیمایی‌های عظیم اربعین با استحکام و جوانانه راه رفتید، در همه کارها خواهید توانست راه معنویت و حقیقت و حاکمیت توحید را ان‌شاءالله با همین استحکام حرکت کنید. این امیدی است که به شما جوان‌های امروز هست. به شما جوان‌های دنیای اسلام هست به خصوص به شما جوان‌های ایرانی عزیزمان هست. استقامت بورزید. در این راه، همیشه حسینی زندگی کنید و حسینی بمانید.

بر اساس این گزارش، در این مراسم همچنین حجت‌الاسلام‌والمسلمین رستمی رییس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در سخنانی به تبیین رمز ماندگاری حادثه کربلا و وظیفه اربعینی رهروان آن حضرت در عصر حاضر، به ایراد سخن پرداخت.

این مراسم دومین عزاداری حضوری هیات‌های دانشجویی در محضر رهبر انقلاب بعد از شیوع بیماری کروناست. این مراسم امسال نیز توسط جمعی از دانشجویان سراسر کشور روز (چهارشنبه) مصادف با روز اربعین حسینی از ساعت ۶ صبح با تجمع در مسجد دانشگاه تهران آغاز شد و به سمت حسینیه امام خمینی (ره) ادامه یافت. سال گذشته (۱۴۰۱) بعد از دو سال که امکان برگزاری مراسم عزاداری هیات‌های دانشجویی به دلیل شیوع بیماری کرونا در حسینیه امام خمینی(ره) فراهم نبود، این مراسم برگزار شد.

خبر

سکه و طلا دوباره ارزان شد

رییس اتحادیه طلا و جواهر تهران، با اشاره به روند ثبات و نوسان کاهشی ارز در بازار داخلی، افزایش پنج دلاری بهای طلا طی یک هفته اخیر را بی تاثیر در روند قیمت سکه و طلا در بازارهای داخلی دانسته و از کاهش مجدد قیمت‌ها در این بازار خبر داد.

نادر بذرافشان در رابطه با وضعیت یک هفته اخیر بازار سکه و طلای داخلی، اظهار کرد: در هفته‌ای که گذشت حدود پنج دلار در مجموع افزایش اونس جهانی طلا را داشتیم؛ اما در بازارهای داخلی روند کاهشی قیمت‌ها را مجدد شاهد بودیم.

رییس اتحادیه طلا و جواهر تهران، اعلام کرد: هر گرم طلای ۱۸ عیار در مجموع با ۱۱ هزار تومان کاهش نسبت به ابتدای هفته در آخرین معاملات هفته (در روز پنجشنبه) دو میلیون و ۳۶۷ هزار قیمت داشت. سکه تمام طرح جدید با ۱۵۰ هزار تومان کاهش به ۲۸ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان، سکه تمام طرح قدیم با ۱۰۰ هزار تومان کاهش به ۲۵ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان رسید.

وی افزود: هر قطعه نیم سکه با ۱۰۰ هزار تومان کاهش نسبت به ابتدای هفته، ۱۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان و ربع سکه با ۵۰ هزار تومان در مجموع کاهش هفتگی ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار در آخرین معاملات روز گذشته، تعیین قیمت شدند؛ سکه‌های یک گرمی بانک مرکزی، بدون تغییر شش میلیون تومان بها دارند.

بذرافشان تصریح کرد: حباب سکه نیز طی یک هفته اخیر با کاهش همراه شده و با تخلیه ۱۵۰ هزار تومانی، در حال حاضر هر قطعه سکه پنج میلیون و ۱۵۰ هزار تومان دارای حباب است.

رییس اتحادیه طلا و جواهر تهران، خاطرنشان کرد: با توجه به ایام ماه صفر و مصادف شدن هفته اخیر با اربعین حسینی، کاهش تقاضا و ثبات قیمت ارز بیشتر شد. بازار همچنان در رکود است. به نظر می‌رسد که این رکورد و کاهش تقاضا تا پایان ماه صفر نیز ادامه‌دار باشد؛ بنابراین پیش‌بینی ما این است که در هفته پیش‌رو نیز نوسان و تغییر خاصی در بازارهای داخلی نداشته باشیم و حتی کاهش طبیعی یک تا سه درصدی محتمل است.

وی در پایان ابراز امیدواری کرد که با پایان یافتن ماه صفر و ایام عزاداری، شرایط صنعت طلا و رکود و کاهش تقاضا در بازار سکه و طلا بهبود پیدا کند.

بهای هر اونس طلا تا ساعت ۸ و ۳۱ دقیقه صبح به وقت شرقی با ۲.۳ درصد افزایش به ۱۹۱۸ دلار و ۷۰ سنت رسید اما همچنان نزدیک به پایین‌ترین سطح خود از ۲۹ اگوست بود. قیمت طلای امریکا نیز با ۰.۱۲ درصد افزایش به ۱۹۱۹ دلار و ۷۰ سنت رسید.

دلار امریکا به بالاترین حد خود از ۱۶ مارس رسید و بازدهی خزانه داری امریکا افزایش یافت، زیرا داده‌های بخش خدمات ایالات متحده در روز چهارشنبه قوی‌تر از حد انتظار بود و نشان داد که فشارهای تورمی همچنان ادامه دارد.

کریستوفر وونگ، مدیر عامل بانک OCBC و استراتژیست FX گفت: چشم‌انداز کاهش فدرال رزرو در سال ۲۰۲۴ نامشخص است.

طلا ممکن است تا زمانی که محور اصلی فدرال رزرو نباشد، در رکود باقی بماند. نرخ‌های بهره بالاتر ایالات متحده هزینه فرصت نگهداری طلا را افزایش می‌دهد که هیچ سودی به همراه ندارد.

گزارش فدرال رزرو در روز چهارشنبه نشان داد که رشد اقتصادی ایالات متحده در بحبوحه سرد شدن بازار کار و کاهش فشارهای تورمی در ماه‌های جولای و آگوست، اندک بود. سیاست‌گذاران انتظار دارند که رشد دایمی آهسته‌تر در چین به عنوان مصرف کننده اصلی شمش باشد. داده‌های اولیه نشان داد که صادرات چین در ماه اگوست ۸.۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش یافته، در حالی که واردات ۷.۳ درصد کاهش یافته است.

طبق گزارش رویترز، اس‌پی‌دی‌آر گلد تراست، بزرگ‌ترین صندوق سرمایه‌گذاری تحت پشتوانه طلا در جهان اعلام کرد که دارایی‌های آن در روز چهارشنبه ۰.۴ درصد کاهش یافت.

در بازار سایر فلزات ارزشمند، بهای هر اونس نقره با ۰.۲ درصد کاهش به ۲۳.۱۲ دلار رسید، پلاتین ۰.۳ درصد افزایش یافت و به ۹۱۱.۳۵ دلار رسید و پالادیوم با ۰.۶ درصد کاهش به ۱۲۰۸ دلار و چهار سنت رسید.

از وعده ثبات در نرخ ارز تا تاکید بر گران نشدن کالاهای اساسی

تلاش دولت برای ارسال سیگنال‌های مثبت تورمی

در شرایطی که بر اساس آمارهای ارایه شده از سوی مرکز آمار، نرخ تورم در خرداد و تیر ماه امسال کاهشی شده بود، گزارشی که از تورم مرداد ماه منتشر شد، نشان از مقاومت تورم در برابر کاهش بیشتر داشت. در واقع هرچند آمار تورم سالانه، کاهشی کمتر از یک درصد را نشان می‌داد اما به‌طور همزمان، نرخ تورم ماهانه و نقطه به نقطه بار دیگر صعودی شدند و به این ترتیب یک بار دیگر این نگرانی به وجود آمد که شاید اقدامات دولت برای کاهش بیشتر نرخ تورم با چالش‌های جدید مواجه شده است.

در این چارچوب، یکی از مسائلی که بیشترین اهمیت را دارد، باقی ماندن نرخ تورم ایران در کانال بیش از ۴۰ درصد برای مدتی طولانی است، موضوعی که از یک سو دست دولت در اجرای سیاست‌های جدید اقتصادی را می‌بندد و از سوی دیگر فشار تورمی بر روی اقشار کم درآمد را همچنان باقی نگه می‌دارد. در طول هفته‌های گذشته دولت تلاش کرده با ارایه گزارش‌هایی مختلف این نگرانی را به نوعی کنترل کند و از سویی بر این موضوع تاکید کند که برنامه‌های اقتصادی گسترده‌ای را نهایی کرده و به این ترتیب در ماه‌های آینده مردم نشانه‌های جدیدی از کاهش تورم را مشاهده خواهند کرد و از سوی دیگر تاکید کرده که تصمیماتی همچون گرانی بنزین یا گرانی نان به هیچ‌عنوان در دستور کار نیست و نیازی نیست که مردم در این زمینه نگرانی داشته باشند.

با این وجود احسان خاندوزی وزیر اقتصاد و سخنگوی اقتصادی دولت سیزدهم در جدیدترین صحبت‌های خود بار دیگر تاکید کرده که کالاهای اساسی نیز بنا نیست گران شوند و دولت از کاهش تورم در ماه‌های آینده اطمینان دارد.

سید احسان خاندوزی در برنامه میز اقتصاد درباره جزییات تغییر نرخ خوراک گاز صنایع اظهار کرد: پیش از پرداختن به این موضوع باید به آسیب‌های گذشته این مساله بپردازیم و آن این است که حوالی ۱۰ سال گذشته یکی از موضوعات پر چالش بین دولت‌ها و مجالس که هر ساله در رسانه‌ها و فضای اقتصادی کشور محل مناقشه بود چگونگی تعیین تکلیف نرخ خوراک گاز برای صنایع مختلف بود و در این زمینه مخالفان و موافقان هر ساله در لایحه بودجه از آذر ماه تا اسفند ماه بحث‌های مختلفی را مطرح می‌کردند. نهایتا برای عبور از این کشمکش‌ها قانون دایمی به ما کمک کرد که بهترین روش که موجب پیش بینی پذیر شدن قیمت کالاها برای تولید کننده و سرمایه گذار ایرانی می‌شود این است که درباره نرخ خوراک گاز صنایع تعیین تکلیفی صورت بگیرد. وی افزود: نهایتا در سال ۱۳۹۴ همه دعواها در این زمینه خاتمه داده شد و وزارت نفت فرمولی را ارایه کرد که از آن به بعد هر کسی می‌خواست تولید یا سرمایه‌گذاری را انجام دهد می‌دانست که با فرمول ارایه شده می‌تواند محاسبات مربوط به قیمت خوراک گاز را انجام دهد و قرار بود تا ۱۰ سال این رویه ادامه داشته باشد. پس از این اتفاق تقریبا این موضوع از چالش‌ها عبور کرد و مشکلی در این زمینه وجود نداشت. وزیر اقتصاد ادامه داد: زمانیکه به جنگ اوکراین رسیدیم و با توجه به اینکه روسیه صادرات گاز خود را به کشورهای اروپایی دچار وقفه کرد شاهد افزایش شدید قیمت گاز به‌ویژه در کشورهای اروپایی بودیم و به‌طور عام نیز قیمت کالاهای خوراکی افزایش یافت. بنابراین دولت تصمیم گرفت که به موضوع جنگ اوکراین و تغییرات قیمتی به وجود آمده به صورت خاص نگاه کند. چرا که در فرمول مورد اشاره سه رکن اساسی برای تعیین نرخ وجود داشت که بر مبنای نرخ کشورهای اروپایی، نرخ امریکای شمالی و قیمت گاز در ایران بود. در این راستا دولت در سال ۱۴۰۰ تصمیم گرفت تا در شرایط خاص به وجود آمده و برای حمایت ویژه از صنایع مصوب کند تا قیمت‌ها تا سقف ۵۰۰۰ تومان بیشتر اجازه افزایش در هر متر مکعب گاز نداشته باشد.

خاندوزی با اشاره به اینکه پس از شرایط جنگ اوکراین و در قانون بودجه ۱۴۰۲ دولت تصمیم گرفت تا به فرمول سابق برای تعیین نرخ خوراک گاز صنایع برگردد، گفت: با توجه به اینکه دولت در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ مکلف شده بود درآمدی را برای تبصره ۱۴ که همان یارانه‌های واریزی به مردم است را در نظر بگیرد ۲۷۰ هزار میلیارد تومان درآمد را از محل قیمت خوراک گاز و امثالهم پیش بینی کردیم و در این زمینه بحث‌های بسیاری در دولت با ذینفعان این حوزه صورت گرفت و اجماع بین وزارتخانه‌های اقتصاد، صمت و نفت شکل گرفت که پایه مصوبه دولت برای تعیین نرخ خوراک گاز شد. وی اضافه کرد: نهایتا به این نتیجه رسیدیم که اجازه دهیم به فرمولی که سال‌ها خوب عمل کرده بود و پیش بینی پذیری آینده را برای اقتصاد به وجود می‌آورد برگردیم اما در این امور تغییراتی را انجام دادیم و آن این بود که با حفظ سه رکن اصلی تعیین کننده نرخ سقف قیمت صادراتی گاز ایران را نیز برای ثبات بیشتر در اقتصاد در نظر بگیریم تا دولت در هر شش ماه مجبور نباشد دوباره قانون بنویسد و رفت و برگشت‌ها در مجلس و دولت نااطمینانی‌های مکرر به تولید کننده وارد کند. البته با توجه به اینکه این مصوبه یکی از اجزای قانون بودجه امسال بود دولت در نظر داشت مصوبه تعیین نرخ خوراک گاز از ابتدای امسال قابلیت اجرایی داشته باشد اما هیات تطبیق در مجلس ایراد حقوقی به این موضوع گرفت و اعلام کرد که مصوبه مذکور در از تاریخ تصویب یعنی پایان خرداد ماه قابلیت اجرایی دارد و دولت با وجود مخالفت برای جلوگیری از رفت و برگشت‌های مکرر بین دولت و مجلس و جلوگیری از بهانه‌هایی برای ایجاد اختلاف بین قوا، این مساله را پذیرفت.

وزیر اقتصاد و امور دارایی با اشاره به جلسات مکرر و کارشناسی‌های بسیار بین دولت و ذی نفعان گفت: با توجه به بازخوردهای مطرح شده فعالان اقتصادی و تولید کنندگان که می‌خواستند برنامه خود را برای ماه‌ها و سال‌های آینده داشته باشند و با توجه به تاکید بر عدم تغییر این فرمول تا پایان برنامه هفتم توسعه، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای پیش روی خود می‌بینند. البته با وجود اینکه نمی‌خواستیم اصلاحات اساسی در فرمول صورت بگیرد دامنه‌ای برای قیمت در نظر گرفتیم تا برخی که برای کف و سقف قیمت خواهان امتیازات ویژه بودند نتوانند سوءاستفاده‌ای از این موضوع کنند. خاندوزی در پاسخ به انتقادات‌های مطرح شده از سوی متانولی‌ها برای در نظر گرفتن زنجیره ارزش در این میان گفت: در حوزه متانول با شرایط خاصی مواجه هستیم که دیگر صنایع با آن روبرو نیستند، چرا که بازار متانول بازاری بین‌المللی است و لازم بود تدبیر ویژه‌ای برای آنها با هدف اینکه این صنایع زیان ده نشوند، در نظر بگیریم که این اتفاق افتاد و حتی در مصوبه اول که پایان خرداد ماه بود بند جدایی برای متانولی‌ها در نظر گرفته شد اما شرایطی را در این زمینه فراهم کردیم که با توجه به قیمت‌های غلطی که علامت‌دهنده رانت برای برخی خریداران بود و برخی با خرید و فروش‌هایی با کارت‌های غیر رسمی و صادرات غیر رسمی انجام می‌دادند جلوی برخی سودجویی‌ها گرفته شد، چرا که در جلسات متعددی بانک مرکزی از این مساله ابراز نارضایتی می‌کرد که با توجه به اینکه برخی کشورها نمی‌توانند صادر کنند دلالانی در این میان هستند که صادرات را انجام می‌دهند اما به جهت اینکه ناشناخته هستند ارز آنها به کشور باز نمی‌گردد. این دلالان خودشان تقاضای کاذب ایجاد می‌کردند و با ایجاد تقاضای کاذب به دنبال سودجویی بودند که در مصوبه جدید این امکان از آنها گرفته شده است.

وی تاکید کرد: در واقع با مصوبه جدید شرایط خوبی برای مرکز مبادله ارز و طلای ایران به وجود خواهد آمد تا شرکت‌های بزرگ که می‌خواهند صادرات انجام دهند به عنوان مرجع به مرکز مبادله مراجعه کرده و تعهدات ارزی خود را انجام دهند. وزیر اقتصاد در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا آماری از صادرات غیر رسمی و سودجویی‌های صورت گرفته توسط کسانی که از آب گل آلود ماهی می‌گرفتند وجود دارد یا خیر؟ گفت: اعداد کارشناسی متفاوتی در این زمینه وجود دارد اما شرکت‌های حاکمیتی مانند شرکت ملی صنایع پتروشیمی می‌توانند صادرات رسمی و غیر رسمی یا همان شبه قاچاق را برآورد کنند اما سیاست در نظر گرفته شده با اعلام مصوبه جدید از یک سونگرانی‌های تولید کنندگان و سرمایه‌گذاران را در حوزه پیشگیری‌پذیر بودن اقتصاد را از بین خواهد برد و از سوی دیگر امکان تقاضای کاذب و دلالی را برای عده‌ای خاص از بین خواهد برد و نهایتا نگرانی برخی که تصور می‌کردند اعلام این مصوبه می‌تواند روی مصرف کننده نهایی و قیمت کالاهای مورد نیاز مردم اثر بگذارد را از بین خواهد برد.

خاندوزی گفت: برای اینکه این مصوبه و تغییر نرخ خوراک گاز صنایع روی کالاهای مورد نیاز مردم و سفره آنها اثر نگذارد سیاست‌هایی را اتخاذ کردیم. چرا که با توجه به نامگذاری امسال به نام رشد تولید و کنترل تورم باید به هر دو سوی این مساله دقت می‌کردیم و نمی‌توانستیم یک طرف آن یعنی رشد تولید را مد نظر قرار داده و تورم را رها کنیم. بنابراین به جهت مدیریت آثار تورمی و برای رفع همین دغدغه شناسایی خوبی از سوی وزارت صمت صورت گرفت و مقرر شد دولت برای کنترل قیمت در این زمینه آن دسته از صنایعی که با سفره مردم و کالاهای اساسی در ارتباط هستند به گونه‌ای مدیریت شوند که گویی با همان نرخ تسعیر ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی عرضه می‌کنند. بنابراین مجموعه دولت به دنبال راهی رفت تا شاهد جهش‌های قیمتی در این حوزه نباشیم. البته هم این تجربه در سال ۱۳۹۷ نیز وجود داشت و قیمت‌ها با وجود تغییر در روزهای نخست به سرعت روند معکوس پیدا کرد. در این زمینه نیز مقرر شد تا صنایع بزرگ عرضه خود را به گونه‌ای انجام دهند که التهابات قیمتی برای کالاهای سبد خانوار نداشته باشند. در این راستا مقرر شد تا آن بخشی که در سفره مردم تاثیر گذار است با همان فرمول قبلی مسیر خود را ادامه دهد و در واقع بر خلاف گذشته قبل از آنکه مصوبه را اعلام کنیم به جهت پیشگیری از تنش‌های قیمتی همه جوانب آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم. وی درباره تاثیر این مصوبه روی بورس و صادرات با توجه به حضور صنایع مورد نظر در بازار سرمایه گفت: صنایع بزرگ کشور سهم قابل توجهی در بازار سرمایه دارد و با توجه به چشم‌اندازهای موجود رشد در این صنایع بدون ایجاد رانت و بدون جهش‌های مصنوعی مبتنی بر متغیرهای واقعی اقتصاد ایران و مبتنی بر رشد تولید خواهد بود. صنایع بزرگ کشور نسبت به تصمیم دولت چشم‌انداز روشنی خواهند دید. وزیر اقتصاد در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه اجرای این مصوبه تا چه زمانی آثار خود را نشان خواهد داد، گفت: با توجه به اینکه سیاست‌های اقتصادی در وهله نخست تاثیرات و آثار انتظاری را از خود نشان خواهد داد، شاهد این هستیم که انتظارات فعالان اقتصادی خوش‌بینانه شده است و پس از شوک قیمتی چند روز نخست شاهد کاهش تقاضا و قیمت بودیم که این روند ادامه خواهد داشت. البته در سال ۱۳۹۷ حدود ۲۰ روز طول کشید تا تقاضای کاذب کاهش یابد و قیمت‌ها به روال سابق بازگردد و از سوی دیگر با توجه به تاکید بر مرکز مبادله ارز و طلا و با بازگشت ارز صادراتی و ارزهای بلوکه شدن ایران در کشورهای مختلف امکان خوبی برای مدیریت بازار ارز فراهم خواهد شد. خاندوزی در پاسخ به سوال دیگری درباره اینکه آیا سیاست تثبیت دولت در آینده ادامه پیدا خواهد کرد یا خیر؟ اعلام کرد: آنچه تاکنون درباره آن صحبت کردیم مربوط به نرخ خوراک گاز صنایع بود اما درباره نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای صادرات نفت و واردات کالاهای اساسی هیچ تغییری به وجود نخواهد آمد و دولت همچنان ارز نفت را با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان در اختیار بانک مرکزی می‌گذارد و همچنان آن نرخ برای کالاهای اساسی بدون تغییر خواهد ماند.

این صحبت‌ها پس از آن مطرح شد که گمانه زنی‌هایی در روزهای اخیر منتشر شد که حکایت از این می‌کرد که شاید ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برخی کالاها حذف شود و از این رو این نگرانی به وجود آمد که شاید باز هم موج جدیدی از گرانی کالاهای اساسی در راه باشد، موضوعی که لااقل فعلا بر اساس صحبت‌های وزیر اقتصاد تکذیب شده و باید دید که در عمل چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد.

رییس جمهور:

کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیاردی را بدون چاپ پول برطرف کردیم

رییس جمهور گفت: دولت مردمی تلاش کرده در عمل امیدآفرینی کند و دشمن این نکته را به خوبی دریافته است و در مقابله با اقدامات و فتنه‌های متنوع و متعدد تلاش کرده این روند را کند و حتی متوقف کند که با حمایت مردم، همت دولت و از همه مهم‌تر هدایت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی موفق نشده است. سید ابراهیم رییسی در جریان سفر به استان خراسان جنوبی در دیدار جمعی از علما، ائمه جمعه و جماعت استان، علما و روحانیان را پیشتازان عدالتخواهی و مبارزه با ظلم و تعلیم و تربیت نفوس مستعده دانست و گفت: علما در این مسیر با سختی‌ها و مشکلات فراوانی مواجه بوده‌اند، اما رمز اینکه همچنان در دل مردم جا دارند این است که در این مسیر از مشکلات نهراسیده و آماده خطرپذیری بوده‌اند.

وی با تاکید بر اینکه «امروز نیز علما و روحانیون در انجام این ماموریت‌ها و رسالت‌های خود مسوولیت سنگینی بر عهده دارند و نباید ملامت‌ها آنها را از میدان خارج کند»، افزود: شبکه هیئات و مساجد یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های اجتماعی در کشورمان است که روحانیون و علما نقش مهم و موثری در آن برای پیشبرد اصلاح اجتماعی و ایجاد تحول دارند. وی با بیان اینکه «دشمنان در دوره‌های تاسیس، تثبیت و توسعه جمهوری اسلامی تلاش زیادی برای ممانعت از پیشبرد اهداف این نظام مقدس کردند»، اظهار داشت: دشمنان پس از اینکه مشاهده کردند با وجود همه مانع‌تراشی‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها جمهوری اسلامی الگوی دیگر ملت‌ها شده و تحریم‌ها و فشارها را تبدیل به فرصت کرده و در عرصه‌های مختلف در حال پیشرفت است، به اغتشاش‌آفرینی رو آوردند.

رییس جمهور با تاکید بر اینکه «امروز به جرات می‌توانیم جمهوری اسلامی را کشوری فناور و پیشرفته بنامیم»، تصریح کرد: کشور همچنین در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به سرعت در حال پیشرفت است. در دولت مردمی علاوه بر اینکه توانستیم کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی را بدون چاپ پول یا استقراض از بانک مرکزی و با ایجاد منابع درآمدی جدید برطرف کنیم، توانستیم ۵ هزار کارخانه تعطیل و نیمه تعطیل را احیا کرده، تولید کالاهای اساسی را ۲۲ درصد افزایش دهیم و شاخص‌های اقتصادی مثل نرخ رشد را مثبت کنیم. جنگ امروز جنگ اراده‌هاست و دشمن به دنبال آن است که با ادراک‌سازی در عرصه رسانه‌ای اراده خود را بر ما تحمیل کند، اما ملت ایران همان گونه که تاکنون در برابر توطئه‌های متعدد دشمن پیروز بوده، باز هم پیروز قطعی این میدان خواهد بود. وی با بیان اینکه «با توکل بر خدا، اعتماد به نفس و تکیه بر داشته‌های کشور در مسیر تقویت ایمان و ایجاد امید حرکت می‌کنیم»، گفت: به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی به فتح قله‌ها نزدیک هستیم و هیچ کس اجازه ندارد خسته و ناامید باشد. ما به دشمن ثابت کردیم که می‌توانیم بر مشکلات غلبه کرده و کشور را اداره کنیم و باز هم این کار را خواهیم کرد. نکته مهم در این مسیر این است که قبل از هر اقدامی برای اصلاح و ایجاد تحول، باید خودمان به امکان اصلاح و تحول امید و ایمان داشته باشیم تا بتوانیم امید را به جامعه تزریق کرده و ایمان‌ها را تقویت کنیم. وی با اشاره به مشکلاتی نظیر ناترازی در عرصه‌های تامین برق، گاز، بانک، بودجه، صندوق‌های بازنشستگی و تنش‌های آبی، برخی اقدامات دولت برای رفع این مشکلات را تشریح کرد و گفت: باور داریم که راه‌حل مشکلات در داخل کشور است و برای حل آنها چشم به دست بیگانگان نداریم. در حالی که برخی توسعه روابط خارجی را در گرو پذیرفتن برخی شروط و تعهدات عنوان می‌کردند در این دولت در عرصه توسعه روابط خارجی موفق عمل کرده و در زمینه مبادلات تجاری رکوردشکنی کرده‌ایم. رییسی با بیان اینکه «البته منکر مشکلات نیستیم»، افزود: در حدود ۲ سال گذشته متوسط تورم مواد غذایی در کشورهای اروپایی ۱۹ و در کشورهای منطقه بین ۲۸ تا ۲۹ درصد بوده است، اما با این وصف با توجه به برنامه‌ریزی‌های انجام شده و تدابیر اتخاذ شده حتما مشکلات حل شده و تورم نیز کاهشی خواهد شد. وی اظهار داشت: دولت مردمی تلاش کرده در عمل امیدآفرینی کند و دشمن این نکته به خوبی دریافته است و در مقابل با اقدامات و فتنه‌های متنوع و متعدد تلاش کرده این روند را کند و حتی متوقف کند که با حمایت مردم، همت دولت و از همه مهم‌تر هدایت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی موفق نشده است. سید ابراهیم رییسی هم‌زمان با اربعین حسینی، در جریان سفر به استان خراسان جنوبی، در اجتماع پرشور مردم شهرستان فردوس، اربعین را نماد و نمود عاشورای حسینی توصیف کرد که همچون نشانه و پرچمی عاشورا را معرفی می‌کند و گفت: امام حسین (ع) الگوی همه کسانی است که به انسان و نجات انسان و تشکیل جامعه حسینی و قرآنی می‌اندیشند. رییس جمهور با بیان اینکه خون امام حسین (ع) ریخته شد تا از جامعه جهل‌زدایی کند، افزود: اباعبدالله‌الحسین (ع) به دنبال آن بود که جامعه را از جهل نجات دهد تا مردم اهل تعقل، تدبر و اندیشه شوند، در حالی که بدخواهان و مستکبران در طول تاریخ به دنبال آن بوده‌اند که بر جهل جوامع سوار شوند، لذا همواره در نقطه مقابل جهل‌زدایی از جامعه ایستاده‌اند. رییسی اظهار کرد: گسترش فضا و ابزار ارتباطات در جهان امروز نباید ما را فریب دهد که مستکبران و سلطه‌طلبان به دنبال گسترش تعقل و تدبر و تجهیز مردم به تحلیل و تشخیص درست و جهل‌زدایی از جوامع بشری هستند تا دوست را از دشمن و راه را از بیراهه بشناسند؛ مستکبران عالم با هر تلاشی برای بصیرت‌آفرینی در هر نقطه‌ای از عالم برخورد می‌کنند و هر رسانه‌ای را که در این مسیر گام بردارد، به سرعت تعطیل می‌کنند. رییس جمهور تصریح کرد: سلطه‌طلبان با وجود اینکه ادعای اعتقاد به آزادی و اطلاع‌رسانی آزاد دارند، اما به کسانی که افکار و اندیشه‌های آنان برخلاف باورها و اعتقادات خودشان است، اجازه نمی‌دهند که آزادانه این افکار را ترویج کنند. البته آنها به کسانی که بخواهند به قرآن و ارزش‌های ادیان اهانت کنند، آزادی عمل داده و حتی از آنان حمایت می‌کنند و نام این کار را هم آزادی می‌گذارند، اما نام این کار آزادی نیست، بلکه توهین به فهم انسان‌ها و ارزش‌های الهی و انسانی است. رییسی با بیان اینکه امروز با چنین نگاه و رویکردی در عالم مواجهیم که به انسان‌ها اجازه تعقل و تدبر آزادانه را نمی‌دهد، خاطرنشان کرد: همان گونه که عاشورا در طول تاریخ امتداد یافته و پس از این نیز ادامه دارد، جریان دشمنی با عاشورا و روشنگری آن نیز همواره در طول تاریخ جریان داشته و پس از این نیز تداوم خواهد داشت. رییس جمهور اضافه کرد: حضور امروز آحاد مردم ایران در مراسم گرامیداشت اربعین حسینی، نوعی تجلیل از خط عاشوراست، اما این تجلیل باید با تحلیل همراه باشد، چرا که عاشورا واقعه‌ای صرفا مربوط به سال ۶۱ هجری قمری نیست و برای همه عصرها و نسل‌ها درس‌آموز و الگو است. رییسی گفت: ما تلاش می‌کنیم خودمان را در عداد لشکریان امام حسین (ع) تعریف کنیم، اما باید بدانیم که این رویکرد با دشواری‌ها و دشمنان و فتنه‌های بی‌شمار روبروست. دشمنان همان گونه که در سال ۶۱

تحلیل

هشدار بانک امریکایی درباره صعود قیمت نفت به ۱۰۷ دلار

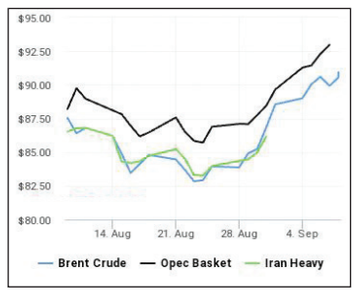

بانک امریکایی گلدمن ساکس هشدار داد اگر عربستان سعودی و روسیه، کاهش تولید خود را حفظ کنند، قیمت نفت در سال میلادی آینده ممکن است به مرز ۱۰۷ دلار در هر بشکه صعود کند. به گزارش ایسنا، عربستان سعودی سه شنبه هفته جاری اعلام کرد با هدف تقویت اقدامات احتیاطی که از سوی تولیدکنندگان اوپک پلاس به منظور حمایت از ثبات و توازن بازارهای نفت انجام شده است، کاهش تولید روزانه یک میلیون بشکه‌ای خود را تا دسامبر سال ۲۰۲۳ تمدید می‌کند. این کاهش که سطح تولید نفت عربستان سعودی را تا پایان سال میلادی جاری، به ۹ میلیون بشکه در روز می‌رساند، به صورت ماهانه بازبینی خواهد شد تا در صورت لزوم و بر اساس شرایط بازار، افزایش یا کاهش بیشتری پیدا کند. روسیه هم صادرات نفت خود را تا پایان دسامبر سال ۲۰۲۳، به میزان ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش خواهد داد و این کاهش را هر ماه بازبینی می‌کند تا در صورت لزوم، تغییرات لازم را اعمال کند. این اقدامات عربستان سعودی، قیمت نفت برنت را به بالای ۹۰ دلار در هر بشکه و نفت وست تگزاس اینترمدیت امریکا را به حدود ۸۸ دلار در هر بشکه رساند. در پی اعلام این تصمیم، واحد تحقیقات کالای گلدمن ساکس در یادداشتی نوشت: تداوم کاهش تولید نفت، ریسکهای صعودی برای قیمت نفت را افزایش می‌دهد. سناریویی را در نظر بگیرید که در آن، اوپک پلاس به کاهش تولید سال ۲۰۲۳، تا پایان سال ۲۰۲۴ ادامه می‌دهد و عربستان سعودی، تولید خود را به تدریج افزایش می‌دهد. در چنین سناریویی، قیمت نفت در دسامبر سال ۲۰۲۴، به ۱۰۷ دلار در هر بشکه صعود خواهد کرد اما این سناریوی اصلی این بانک وال استریت نیست. به گفته تحلیلگران گلدمن ساکس، این دیدگاه پایه گلدمن ساکس نیست زیرا با توجه به عرضه قوی، واکنش سرمایه‌گذاری به بحران انرژی سال ۲۰۲۲، رشد عرضه نفت شیل امریکا و اهمیت سیاسی قیمت بنزین در این کشور، بعید به نظر می‌رسد اوپک پلاس بخواهد قیمت نفت در بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه را دنبال کند. بر اساس گزارش اویل پرایس، تحلیلگران دیگر می‌گویند تمدید کاهش عرضه از سوی عربستان سعودی و روسیه، نفت ۱۰۰ دلاری را تضمین نمی‌کند، به خصوص با توجه به استمرار مشکلات اقتصادی و نگرانی‌هایی که نسبت به تقاضا برای نفت وجود دارد.

خبر کوتاه

توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر در دو سال گذشته شتاب گرفته است

تسریع در احداث و بهره‌برداری از نیروگاه‌های تجدیدپذیر از جمله اقدام‌های دولت سیزدهم است که سبب شده اکنون ظرفیت نیروگاهی این بخش از یک هزار مگاوات فراتر رود. به گزارش ایرنا، توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر که یکی از راهکارهای موثر در رفع ناترازی برق می‌تواند باشد، در دولت‌های قبل مورد توجه جدی نبود و همین بی‌توجهی کشور را از داشتن برقی مطمئن و پایدار محروم کرده بود. این روند ادامه داشت تا آنکه دولت مردمی سیزدهم سکان امور را به دست گرفت و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در دستور کار وزارت نیرو قرار گرفت. همان ایام آغاز به کار دولت سیزدهم «علی‌اکبر محرابیان» وزیر نیرو از تلاش برای افزایش ۳۵ هزار مگاواتی ظرفیت تولید برق نیروگاه‌ها خبر داد که ۱۰ هزار مگاوات آن از محل انرژی‌های تجدیدپذیر باشد. وی با بیان اینکه دولت برنامه‌ای چهارساله برای افزایش ۱۰ هزار مگاواتی انرژی‌های تجدیدپذیر دارد، خاطرنشان کرد: بازار توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر ایران، با اتکا به قابلیت بالای منابع انرژی‌های تجدیدپذیر اعم از خورشیدی، بادی، زیست‌توده و زمین گرمایی، از طریق امکان عقد قراردادهای بلندمدت با نرخ‌های تشویقی، بازار بسیار جذابی برای سرمایه‌گذاران است. وزیر نیرو تاکید کرده بود که ایران از قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی برخوردار بوده و فرصت اقتصادی مناسبی برای سرمایه‌گذاران حوزه تجدیدپذیر برای ایجاد مزارع تجدیدپذیر فراهم کرده است. پس از آن بود که رییس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری برق ایران گفت: ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر با کمک سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ساخته می‌شود. «محمود کمانی» افزود: این میزان نیروگاه انرژی‌های تجدیدپذیر در بازه زمانی چهارساله ساخته خواهد شد. در همین رابطه «علی شب‌نورد» مدیر کل دفتر نظارت بر احداث و تولید نیروگاه‌های سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری برق ایران (ساتبا) در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایرنا گفت: توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر در دولت سیزدهم شتاب بیشتری گرفته است. وی ادامه داد: پیش از این دولت ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر چندان مورد اعتنا نبود اما اقدام‌های دولت سیزدهم به خصوص وزارت نیروی این دولت فرایند احداث تجدیدپذیرها را شتاب داد. شب‌نورد خاطرنشان کرد: طراحی مدل‌های مختلف سرمایه‌گذاری در دولت سیزدهم مشوق خوبی برای سرمایه‌گذاری در این بخش است. مجموع اقدام‌های انجام شده سبب شد تا ظرفیت منصوبه نیروگاه‌های تجدیدپذیر به یک هزار و ۸۵ مگاوات برسد که ظرفیت‌سازی بسیار خوبی است. شب‌نورد ادامه داد: فرایند احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر به سرعت در حال افزایش است.

عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در گفت‌وگو با «تعادل»:

باید در حوزه گاز سرمایه‌گذاری بیشتری داشته باشیم

هفته گذشته بعد از سال‌ها فاز ۱۱ پارس جنوبی به عنوان پیچیده‌ترین و مهم‌ترین و مرزی‌ترین لایه گازی مشترک بین ایران و قطر در میدان گازی پارس جنوبی به بهره‌برداری رسید. ابتکار مهم ایران در بهره‌برداری از یکی از پیچیده‌ترین لایه‌های گازی جهان، گواه توانایی بالای کشور در استخراج گاز از میادین مشترک گازی است. این قابلیت برای ایران قابل توجه است زیرا فرصتی بی‌بدیل برای این کشور برای پیشتازی در غرب آسیا و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد می‌کند. به گزارش خبرنگار «تعادل»، توسعه این فاز گازی با کمک پیمانکاران ایرانی، بدون اتکا به قدرت‌های بلوک شرق و غرب، دستاورد قابل توجهی است. این دستاورد ایران را قادر ساخت تا ظرفیت تولید خود در میدان گازی پارس جنوبی را سه سال زودتر از موعد مقرر توسعه دهد. در همین رابطه با حسینعلی حاجی دلیگانی، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه خواهید خواند. حسینعلی حاجی دلیگانی عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار «تعادل»، درباره تاثیر به بهره‌برداری رسیدن فاز ۱۱ پارس جنوبی گفت: بهره‌برداری از این میادین مشترک از جمله پارس جنوبی باعث می‌شود ما هم‌مثل قطر از این میادین مشترک همانند قطر استخراج گاز داشته باشیم. وی با تاکید بر اینکه بهره‌برداری از فاز ۱۱ از هر جهت به نفع کشور است، افزود: شرایط در میادین مشترک گاز تفاوت دارد و بهره‌برداری نکردن یک کشور باعث نمی‌شود که سهم آن کشور محفوظ بماند بلکه هر کشوری توان بیشتری داشته باشد بهره‌برداری و سهم بیشتری از گاز آن خواهد داشت.

وی در ادامه بیان کرد: به همین دلیل هم قطر در این میدان گازی سرمایه‌گذاری و پیشرفت‌هایی را داشته است و بیشتر از سهم خودشان در حال استخراج گاز هستند و ما در این جهت لازم است که بیشتر از گذشته تلاش کنیم. فاز ۱۱ تنها بخش میدان مشترک پارس جنوبی بود که توسعه پیدا نکرده بود و هر روز که دیرتر برداشت می‌کردیم، طرف مقابل برداشت گاز داشت. این نماینده مجلس یازدهم توضیح داد: برای بهره‌برداری از فاز ۱۱ پارس جنوبی این بار همانند سنوات قبل منتظر خارجی‌ها ننشستیم که آنها بیایند و این فاز را به بهره‌برداری برسانند. شرکت‌های خارجی با وجود تعهدی که داده بودند این فاز را نیمه کاره رها کردند و رفتند. حاجی دلیگانی گفت: این بهره‌برداری اثر مثبت بر درآمدهای ارزی در سال «مهار تورم و رشد تولید» خواهد داشت. نکته مهم آن است که این پروژه در شرایط تحریم انجام شد و نشان داد می‌توانیم، و عیدی خوبی هم به مردم بود. این عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ادامه داد: درآمد بهره‌برداری زودتر از موعد از این فاز کلیدی در پارس جنوبی حداقل ۴ الی ۵ میلیارد دلار است و تولیدش به کاهش ناترازی گاز کمک می‌کند. عدم برداشت از این فاز به همین میزان درآمدزایی برای ما ضرر دارد. این نماینده مجلس یازدهم خاطرنشان کرد: انتقال سکوی ۳ هزار و ۲۰۰ تنی فاز ۱۲ که بلااستفاده مانده بود به فاز ۱۱ ابتکاری بود که در دنیا بی‌نظیر است. البته در حوزه گاز باید سرمایه‌گذاری بیشتری داشته باشیم زیرا اگر سرمایه‌گذاری کلانی نداشته باشیم و مصرف بهینه هم نداشته باشیم ما با ناترازی گاز مواجه می‌شویم.

بورس

«تعادل» گزارش می‌دهد

صعود بورس روی اخبار مثبت

دومین هفته معاملاتی است که بازار سرمایه روندی مثبت دارد و توانسته در یک هفته بازدهی بیش از دو درصدی را ثبت کند. به عقیده بسیاری از کارشناسان این موضوع مثبت شدن بازار ناشی از اخبار مثبت است. به جز نرخ خوراک پتروشیمی‌ها مهم‌ترین خبر هفته اخیر را می‌توان شکست بانک مرکزی در خصوص تغییر نرخ تسعیر ارز محصولات پالایشی و پتروشیمی دانست که اکنون نرخ ارز در بازار مبادله اول معیار تعیین بهای پایه این محصولات در بازار فیزیکی بورس کالا است.

نرخ تسعیر ارز تغییر کرد

پس از نامه وزارت نفت، نرخ تسعیر ارز پتروشیمی‌ها از نیمه شهریور ماه تغییر کرد؛ بانک مرکزی در مکاتبه با وزارت نفت، نرخ فروش حواله مرکز مبادله ارز و طلای ایران را مبنای نرخ تسعیر قیمت خوراک و قیمت پایه محصولات پالایشی و پتروشیمی در بورس کالا اعلام کرد. در این نامه آمده است؛ ترتیبی اتخاذ کنند تا نرخ فروش حواله مرکز مبادله ارز و طلای ایران مبنای نرخ تسعیر قیمت خوراک و قیمت پایه بورس کالا قرار گیرد. این تصمیم مورد تایید بانک مرکزی و لازم‌الاجرا است. این تغییر در حالی است که محمدرضا فرزین، رییس کل بانک مرکزی نیمه دی ماه سال گذشته و با افزایش نرخ ارز از تثبیت نرخ ارز نیمایی در محدوده ۲۸ هزار تومان خبر داده بود و پس از این تاریخ نرخ تسعیر ارز در تعیین قیمت پایه محصولات پتروشیمی و پالایشی نیز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان بود. تثبیت نرخ تسعیر ارز محصولات پتروشیمی و پالایشی برای عرضه در بورس کالا با هدف جلوگیری از رشد نرخ این محصولات و در واقع کنترل تورم در این بخش انجام شد. البته تورم و انتظارات تورمی همواره به معاملات کالایی جهت می‌دهد و لزوما تعیین قیمت پایه کمتر از انتظارات تورمی به فروش محصول ارزان از رینگ فیزیکی بورس کالا و در نهایت تحویل کالای ارزان به دست مصرف کننده نهایی منجر نمی‌شود. چندی پیش بود که مهدوی ابهر دبیر انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی، عنوان کرد که نتیجه جلسه مشترک وزیر صمت، اقتصاد و نفت با معاون اول رییس جمهور، فرموله شدن قیمت گذاری خوراک و گاز صنایع بود و همین ادعا در کنار تایید یه خاندوزی، وزیر اقتصاد، در رابطه با تصمیمات جدید دولت برای صنایع، جرقه برگشت بورس به مسیر صعودی را ایجاد کرد. در این نامه ذکر شده که با وجود برگشت نرخ خوراک به فرمول ۸ سال قبل، کف نرخ هاب‌های خارجی نباید زیر ۵ هزار تومان باشد و سقف آن نیز نباید از میانگین نرخ گاز صادراتی در ماه گذشته پیشی بگیرد که بعضا نرخ ۳۰ سنتی را برای آن در نظر می‌گیرند. در این میان برخی شنیده‌ها از احتمال آزادسازی نرخ دلار پتروشیمی‌ها طی روزها و هفته‌های آتی خبر دادند که در روز دوشنبه با تایید این موضوع از سمت امیرمهدی صبایی، سخنگوی سازمان بورس و همچنین ابلاغیه بانک مرکزی رسمیت یافت و اتفاق مثبتی را برای این گروه و کلیت بازار رقم زد. با این حال همچنان برخی کارشناسان اعتقاد دارند که با نرخ گاز در هاب‌های اروپایی و نرخ گاز صادراتی ایران، هم‌اکنون نرخ خوراک پتروشیمی‌ها عددی مابین ۵۷۰۰ تا ۶۰۰۰ تومان خواهد بود که با احتساب مالیات و ارزش افزوده به بالای ۶۰۰۰ تومان می‌رود و با وجود بهتر شدن نسبت به نرخ ثابت ۷۰۰۰ تومانی، فعلا جذابیت بالایی کسب نکرده است که همین موضوع یکی از دلایل عدم واکنش جدی گروه پالایشی به این خبر است. در این میان عدم شفاف‌سازی شرکت‌های پتروشیمی و اطلاع‌رسانی در رابطه با یک نرخ گاز مشخص، بر ابهام‌های این موضوع افزوده است.

نفت صعودی شد!

قیمت نفت نیز تاثیر بسزایی روی بازار سرمایه دارد و می‌تواند شرایط صنایع را تغییر دهد. عربستان سعودی سه شنبه هفته جاری اعلام کرد با هدف تقویت اقدامات احتیاطی که از سوی تولیدکنندگان اوپک پلاس به منظور حمایت از ثبات و توازن بازارهای نفت انجام شده است، کاهش تولید نفت عربستان سعودی را تا پایان سال میلادی جاری، به ۹ میلیون بشکه در روز می‌رساند، به صورت ماهانه بازبینی خواهد شد تا در صورت لزوم و بر اساس شرایط بازار، افزایش یا کاهش بیشتری پیدا کند. روسیه هم صادرات نفت خود را تا پایان دسامبر سال ۲۰۲۳، به میزان ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش خواهد داد و این کاهش را هر ماه بازبینی می‌کند تا در صورت لزوم، تغییرات لازم را اعمال کند. این اقدامات عربستان سعودی، قیمت نفت برنت را به بالای ۹۰ دلار در هر بشکه و نفت وست تگزاس اینترمدیت امریکا را به حدود ۸۸ دلار در هر بشکه رساند. در پی اعلام این تصمیم، واحد تحقیقات کالای گلدمن ساکس در یادداشتی نوشت: تداوم کاهش تولید نفت، ریسک‌های صعودی برای قیمت نفت را افزایش می‌دهد. سناریویی را در نظر بگیرید که در آن، اوپک پلاس به کاهش تولید سال ۲۰۲۳، تا پایان سال ۲۰۲۴ ادامه می‌دهد و عربستان سعودی، تولید خود را به تدریج افزایش می‌دهد. در چنین سناریویی، قیمت نفت در دسامبر سال ۲۰۲۴، به ۱۰۷ دلار در هر بشکه صعود خواهد کرد اما این سناریوی اصلی این بانک وال استریت نیست. به گفته تحلیلگران گلدمن ساکس، این دیدگاه پایه گلدمن ساکس نیست زیرا با توجه به عرضه قوی، واکنش سرمایه‌گذاری به بحران انرژی سال ۲۰۲۲، رشد عرضه نفت شیل امریکا و اهمیت سیاسی قیمت بنزین در این کشور، بعید به نظر می‌رسد اوپک پلاس بخواهد قیمت نفت در بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه را دنبال کند.

بازار از دریچه معاملات

شاخص کل در آخرین روز کاری هفته به رقم ۲ میلیون و ۱۵۰ هزار و ۹۸۴ واحد رسید و نسبت به آخرین روز معاملاتی هفته قبل ۴۶ هزار و ۱۶۴ واحد بالاتر ایستاد و بازدهی هفته شاخص بورس مثبت ۲،۲ درصد شد. شاخص هم وزن نیز در پایان هفته نسبت به هفته پیشین ۱۵ هزار و ۹۰۱ واحد بالاتر ایستاد و بازدهی مثبت ۲،۲ درصدی را ثبت کرد. در هفته اخیر، شاخص کل بورس تهران در روز شنبه افزایش هزار و ۱۸ واحدی داشت و روز یکشنبه شاخص ۶ هزار و ۲۲۰ واحد رشد پیدا کرد. روز دوشنبه شاخص ۲۴ هزار و ۴۹۳ واحد رشد کرد. روز سه‌شنبه نیز شاخص برای دهمین روز متوالی صعود کرد و ۱۴ هزار و ۸۳۹ واحد بالا آمد. در این هفته، میانگین ارزش معاملات بازار سهام ۶۸ هزار و ۳۹۱ میلیارد تومان بود که نسبت به هفته پیشین ۱۸ درصد افزایش یافته است. میانگین ارزش معاملات خرد بورس نیز ۶ هزار و ۱۳۰ میلیارد تومان بود که نسبت به رقم ۶ هزار و ۶۹۳ میلیاردی هفته پیشین، کاهش ۸ درصدی داشته است. میانگین ارزش صف‌های فروش در هفته اخیر ۳۳۰ میلیارد تومان بود که از میانگین هفته پیشین ۵۶ میلیارد تومان کمتر بود و افت ۱۴ درصدی داشته است. بالاترین رقم هفته ۳۸۲ میلیارد تومان بود که در روز شنبه ثبت شد و کمترین رقم ۲۸۷ میلیارد تومان بود که در روز سه‌شنبه ثبت شد. میانگین ارزش صف‌های خرید در هفته اخیر ۳۰۸ میلیارد تومان بود که از میانگین هفته گذشته یک میلیارد تومان بیشتر بود. در این هفته، میانگین ارزش صف‌های خرید ۰،۳ درصد افزایش یافته است. بالاترین رقم هفته ۳۵۹ میلیارد تومان بود و در روز دوشنبه ثبت شد، پایین‌ترین رقم به روز سه‌شنبه برمی‌گردد که ۲۱۸ میلیارد تومان بود. در اولین روز معاملاتی هفته، پول حقیقی از بازار خارج شد که ارزش آن ۵۱۷ میلیارد تومان بود. روز یکشنبه نیز ۱۶۳ میلیارد تومان خارج شد. اما روز دوشنبه ۲۱۴ میلیارد تومان وارد شد. روز سه‌شنبه نیز ۱۱۸ میلیارد تومان خارج شد. در مجموع کل هفته ۵۸۴ میلیارد تومان پول حقیقی از بورس خارج شد و میانگین روزانه خروج پول حقیقی ۱۴۶ میلیارد تومان بود.

سرمایه‌گذاری‌های جدید در خط تولید

شرکت ایران خودرو دیزل در مرداد ماه سال گذشته محصولات جدیدی همچون کشنده H5 فوتون را که مدل ارتقا یافته و اتوماتیک H4 فوتون می‌باشد؛ وارد خط تولید خود کرد. سهام خاور در اسفند ماه سال قبل به بازار اول فرابورس ایران منتقل شد و در روزهای گذشته ارزش بازاری ۳۰،۸ هزار میلیارد تومانی داشته است. ایران خودرو دیزل تا انتهای مرداد ماه امسال بخش اصلی (نزدیک به ۷۰ درصد) درآمدهای عملیاتی خود را از طریق فروش کامیون‌های سنگین خود به دست آورده و دومین محصول اصلی این شرکت در این ۵ ماهه ون و پیکاپ بوده است. شرکت ایران خودرو دیزل در مرداد ماه امسال ۳۲۷ میلیارد تومان کمتر از مرداد ماه سال قبل فروش داشت. خاور در سال ۱۴۰۰ توانست ۱۱ هزار و ۱۰۲ میلیارد تومان فروش به ثبت برساند. درآمدهای عملیاتی ایران خودرو دیزل در سال ۱۴۰۱ افزایش ۲۱۹ درصدی داشت و به ۳۵ هزار و ۴۲۳ میلیارد تومان رسید. این شرکت بیشترین فروش ماهانه سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ خود را به ترتیب در ماه‌های دی و آذر به ثبت رساند. فروش دی ماه خاور در سال ۱۴۰۰ به ۲ هزار و یک میلیارد تومان رسید و در آذرماه سال ۱۴۰۱ تا ۵ هزار و ۸ میلیارد تومان افزایش یافت. ایران خودرو دیزل بیشترین رشد فروش ماهانه خود را در سال ۱۴۰۱ به نسبت ماه مشابه در سال قبل از آن با ۱۳۱۶ درصد رشد درآمدزایی در مهر ماه به ثبت رساند. فروش خاور در ۵ ماهه طی شده از سال ۱۴۰۲ بیش از دو برابر ۵ ماهه ابتدایی سال قبل بوده است. ایران خودرو دیزل در فروردین ماه امسال ۲۰۷ میلیارد بیشتر از فروردین سال گذشته فروش داشت و در اردیبهشت ماه امسال، این مجموعه با ثبت ۴ هزار و ۷ میلیارد تومان فروش، رشد درآمدزایی ۱۸۷ درصدی به نسبت اردیبهشت ۱۴۰۱ به ثبت رساند. فروش خرداد ماه خاور ۵ هزار میلیارد تومان بود که ۲۶۱ درصد بیشتر از خرداد ماه سال قبل بود. ایران خودرو دیزل در تیر ماه نیز عملکرد بهتری به نسبت تیر ۱۴۰۱ داشت و با ۳ هزار و ۴ میلیارد تومان فروش، ۵۸ درصد بیشتر از تیر ماه ۱۴۰۱ فروش کرد. خاور در مرداد ماه امسال ۱۷ درصد به نسبت ماه مشابه در سال قبل کمتر درآمدزایی کرد. عملکرد ۵ ماهه امسال این شرکت نشان می‌دهد که ایران خودرو دیزل با ۱۰۹ درصد رشد عملکرد، فروشی بیش از دو برابر سال قبل خود داشته که البته به نسبت فروش ۵ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰ افزایش ۴۵۳ درصدی داشته است. شرکت ایران خودرو دیزل در بهار امسال به نسبت بهار سال ۱۴۰۰ بیش از ۵۵۹ درصد افزایش فروش و به نسبت بهار ۱۴۰۱ بیش از ۲۹۲ درصد رشد درآمدزایی داشته است. سود ناخالص خاور در بهار امسال ۲ هزار و ۳۲۲ میلیارد تومان بوده که به نسبت بهار سال گذشته ۱۵۸ درصد و به نسبت بهار ۱۴۰۰ بیش از ۴۵۳ درصد رشد کرده است. سود خالص خاور نیز در بهار امسال هزار و ۵۵۶ میلیارد تومان بود که ۱۸۰ درصد بیشتر از سود خالص ۱۴۰۱ و بیش از ۳۷۵۲ درصد بیشتر از سود خالص بهار ۱۴۰۰ این مجموعه بوده است. خاور بهار امسال را با حاشیه سود ناخالص ۲۵ درصدی و حاشیه سود خالص ۱۷ درصدی پشت سر گذاشته است؛ در حالی که حاشیه سود خالص این مجموعه در بهار ۱۴۰۱ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۲۰ درصد و ۳ درصد بوده است.

تحلیل سهام کچاد

سهام شرکت صنعتی و معدنی چادرملو با نماد کچاد در تابلو اصلی بازار اول بورس تهران معامله می‌شود. ارزش بازاری سهام چادرملو در حال حاضر بیش از ۱۶۲ هزار میلیارد تومان است که این مجموعه را به یکی از ۱۰ شرکت بزرگ بورس تهران بدیل کرده است. محصول اصلی شرکت صنعتی و معدنی چادرملو کنسانتره آهن است. چادرملو با وجود تولیدات و فروش محصولات فولادی، به دلیل سهم بالای کنسانتره و گندله آهن در سبد محصولاتش، در صنعت استخراج کانه‌های فلزی دسته‌بندی شده است. چادرملو در آخرین افشای اطلاعات با اهمیت خود در سامانه کدال، اعلام کرده که در پروژه احداث و مدیریت بهره‌برداری خط نورد میلگرد شاخه و کلاف با ظرفیت تقریبی ۳۰۰ هزار تن در سال سرمایه‌گذاری کرده است. این قرارداد ما بین شرکت صنعتی و معدنی چادرملو و فولاد میبد منعقد شده و هنوز با شروع احداث فاصله دارد. چادرملو حدوداً سالانه ۸۰۰ هزار تن فولاد تولید می‌کند که با بهره‌برداری از این پروژه می‌تواند فروش فولادی خود را به بیش از یک میلیون تن برساند. با این اوصاف سیاست‌های سرمایه‌گذاری چادرملو نشان می‌دهد که این مجموعه سعی دارد تا با تبدیل سنگ آهن به فولاد، از حاشیه سود صنعت فلزات اساسی بیشتر بهره‌مند شود. اکوایران نوشت که شرکت چادرملو در سال ۱۴۰۰ به‌طور متوسط، ماهانه ۳ هزار و ۷۳۵ میلیارد تومان فروش داشت و در انتهای این سال ۴۴ هزار و ۸۲۴ میلیارد تومان درآمد عملیاتی به ثبت رساند. متوسط فروش ماهانه چادرملو در سال ۱۴۰۱ تا ۳ هزار و ۶۰۶ میلیارد تومان (۳،۴۵ درصد) کاهش داشت که بخشی از این افت فروش در اوایل تابستان ۱۴۰۱ به دلیل افت شدید قیمت‌های جهانی به واسطه افزایش عرضه فولاد روسیه بود و بخشی از آن نیز در دوماهه ابتدایی زمستان سال قبل به دلیل قطعی گاز صنایع ایجاد شده بود. بیشترین میزان درآمدزایی ماهانه چادرملو در سال ۱۴۰۰ به اسفند ماه با ۵ هزار و ۱۹۱ میلیارد تومان تعلق داشت. در سال ۱۴۰۱ بیشترین فروش ماهانه در اسفند با ۶ هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان به ثبت رسید و بالاترین رشد فروش به نسبت ماه مشابه در سال ۱۴۰۰ به فروردین ۱۴۰۱ با ۵۳ درصد رشد فروش تعلق گرفت. فروش ۵ ماهه ابتدایی امسال کچاد ۲۱ هزار و ۱۳ میلیارد تومان بوده است. کچاد در ۵ ماهه ابتدایی امسال ۱۸ درصد بیشتر از ۵ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۱ و ۳۰ درصد بیشتر از ۵ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰ فروش داشته است. کچاد تا به این جای کار، بیشترین میزان فروش ماهانه امسال خود را در اردیبهشت ماه با ۴ هزار و ۹۷۳ میلیارد تومان به ثبت رسانده است. بیشترین رشد فروش به نسبت ماه مشابه در سال قبل نیز به اردیبهشت ماه با ۳۹ درصد رشد به نسبت فروش ۳ هزار و ۵۷۱ میلیارد تومانی اردیبهشت ۱۴۰۱ این مجموعه به ثبت رسیده است. شرکت صنعتی و معدنی چادرملو در صورت‌های مالی فصل بهار امسال خود از رشد ۱۲ درصدی درآمدهای عملیاتی خود در کنار افزایش ۶۳ درصدی بهای تمام شده درآمدهای عملیاتی این فصل به نسبت بهار ۱۴۰۱ پرده‌برداری کرده است. سود ناخالص بهار امسال چادرملو به نسبت بهار سال قبل ۲۴ درصد و سود خالص کچاد ۱۵ درصد ریزش داشته است. چادرملو در بهار ۱۴۰۰ حاشیه سود ناخالص ۶۷ درصدی و حاشیه سود خالص ۶۱ درصدی داشت. در بهار ۱۴۰۱ حاشیه سود ناخالص کچاد به ۵۸ درصد و حاشیه سود خالص این مجموعه به ۵۶ درصد رسید. بهار امسال، حاشیه سود ناخالص کچاد با ۲۸ درصد افت به نسبت بهار سال گذشته در سطح ۳۹ درصدی قرار گرفت. حاشیه سود خالص بهار امسال کچاد نیز با ۱۹،۶ درصد ریزش به نسبت بهار ۱۴۰۱ به ۴۲ درصد رسید. بیشترین میزان حاشیه سود ناخالص و خالص فصلی کچاد از ابتدای سال ۱۴۰۰ در اسفند ماه همان سال با حاشیه سود ناخالص ۷۶ درصدی و حاشیه سود خالص ۷۲ درصدی به ثبت رسیده است. کمترین میزان این دو معیار سود زیانی برای چادرملو در تابستان ۱۴۰۱ که عرضه شدید محصولات فولادی و معدنی روسیه موجب ریزش قیمت‌ها در بازارهای غیر رسمی شد، به ثبت رسیده است. چادرملو در تابستان سال گذشته حاشیه سود ناخالص فصلی ۳۳ درصدی و حاشیه سود خالص ۳۰ درصدی داشته است.

اخبار

قیمت بنزین در امریکا به بالاترین سطح فصلی در یک دهه اخیر رسید

قیمت بنزین در امریکا اندکی از بالاترین رکورد امسال، کاهش پیدا کرده است اما همچنان در بالاترین سطح تابستانی در بیش از یک دهه گذشته قرار دارد. میانگین قیمت ملی بنزین در امریکا در حال حاضر به ۳،۸۰۳ دلار در هر گالن رسیده که کمتر از ۳،۸۲۹ دلار در یک ماه پیش است اما بالاتر از قیمت ۳،۷۶۴ دلار سال گذشته است. تقاضای فصلی قوی و سلسله اختلالات پیش آمده در فعالیت پالایشگاه‌ها، عامل افزایش اخیر قیمت بنزین بوده است. همزمان، محدودتر شدن عرضه نفت هم قیمت نفت خام را بالا برده است. پالایشگاه دلتا با ظرفیت ۱۸۵ هزار بشکه در روز در ترینر و همچنین پالایشگاه نفت ایروینگ اویل با ظرفیت ۳۲۰ هزار بشکه در روز در نیو برونزویک کانادا در طول سپتامبر و بخشی از اکتبر تعطیل خواهند بود که بر حدود ۹ درصد از سوخت عرضه شده در این مناطق، تاثیر می‌گذارد. قیمت نفت پس از اینکه تحت تاثیر تصمیم عربستان سعودی و روسیه برای تمدید کاهش داوطلبانه عرضه تا پایان سال ۲۰۲۳، به بالاترین رکورد از نوامبر صعود کرد، اندکی عقب‌نشینی کرد. بهای نفت وست تگزاس اینترمدیت امریکا در اواسط معاملات روز پنجشنبه، با ۰،۲ درصد کاهش، به ۸۷ دلار و ۳۴ سنت در هر بشکه رسید. اما قیمت بالای سوخت، تنها بخشی از چالش‌های انرژی پیش روی مصرف کننده امریکایی است، گرمای بی‌سابقه تابستانی، مصرف برق امریکایی‌ها را افزایش داده و آنها را با صورتحسابهای سرسام آور برق روبرو کرده است. بر اساس گزارش اویل پرایس، طبق اعلام اداره اطلاعات انرژی امریکا، یک خانواده متوسط امریکایی حدود ۲۶۲ دلار در سال برای سرمایش هزینه می‌کند که در منطقه گرم و مرطوب جنوب شرقی، این هزینه به ۵۲۵ دلار هم می‌رسد.

افزایش تولید هزار و ۲۵۰ لیتر در ثانیه آب تهران

معاون بهره‌برداری شرکت تامین و تصفیه آب و فاضلاب تهران گفت: یک هزار و ۲۵۰ لیتر در ثانیه بر ظرفیت تولید آب شرب تهران از طریق تصفیه‌خانه ششم افزوده خواهد شد. به گزارش وزارت نیرو، محمدحسین خانجانی معاون بهره‌برداری شرکت تأمین و تصفیه آب و فاضلاب تهران با اشاره به کمبود حجم ذخایر سدهای سامانه شرقی تهران (لار و لتیان) نسبت به سد امیرکبیر، گفت: بخشی از کسری آب سامانه‌های شرقی استان تهران، از طریق افزایش ظرفیت تصفیه‌خانه ششم آب تهران جبران خواهد شد. معاون بهره‌برداری شرکت تأمین و تصفیه آب و فاضلاب تهران در ادامه تصریح کرد: این میزان آب از طریق خطوط انتقال داخلی و پیرامونی که بخشی از رینگ آبرسانی شهر تهران هستند به سامانه‌های شرقی و جنوب شرقی استان انتقال خواهد یافت. وی با اشاره ارتقای فنی و تجهیزاتی این تصفیه‌خانه ادامه داد: با تجهیز یک واحد زلال‌ساز، پنج واحد فیلتراسیون، اصلاح سیستم تزریق مواد شیمیایی، نصب تجهیزات آنلاین پایش کیفیت و ایجاد سیستم برگشت پساب، امکان افزایش ظرفیت تولید و تصفیه آب در تصفیه‌خانه ششم آب تهران فراهم شده است. وی با بیان اینکه تصفیه‌خانه ششم آب تهران در حال حاضر با ظرفیت ۲ هزار و ۵۰۰ لیتر بر ثانیه در مدار بهره‌برداری قرار دارد گفت: با اقدامات انجام شده ظرفیت این تصفیه‌خانه به سه هزار و ۷۵۰ لیتر در ثانیه ارتقا پیدا می‌کند. تصفیه‌خانه ششم آب تهران با ظرفیت تصفیه اسمی هفت هزار و ۵۰۰ لیتر آب در ثانیه در شمال غرب تهران واقع شده و مرحله نخست آن در آبان ماه سال ۱۴۰۰ بهره‌برداری رسید. این تصفیه‌خانه برای بهره‌گیری موثر از ظرفیت منابع آبی غرب تهران به ویژه سد امیرکبیر طراحی شده است.

رشد مصرف برق در نیمه دوم شهریور

میزان مصرف برق در چهاردهمین روز شهریور نصاب ۶۹ هزار و ۱۹۳ مگاوات را ثبت کرده که در مقایسه با مدت مشابه افزایش ۸ هزار مگاواتی مصرف برق و رشد ۱۳ درصدی را نشان می‌دهد که بی‌سابقه بود. به گزارش وزارت نیرو، آمارها همچنین حاکی است که میزان تقاضای مصرف برق در روز چهارشنبه پانزدهم شهریور به ۶۱ هزار مگاوات رسیده که برای نیمه دوم آخرین ماه تابستان و روز تعطیل (اربعین حسینی) عدد بزرگی محسوب می‌شود. این گزارش حاکی است دمای هوا در هفته جاری و در بیشتر نقاط ایران کماکان افزایشی بوده و میزان مصرف برق به رغم نزدیک شدن به پایان تابستان و تعطیلات آخر هفته کماکان با افزایش غیرقابل تصوری روبرو است. سخنگوی صنعت برق با اشاره به اف

احمد توکلی در نامه‌ای به نمایندگان مجلس خواستار رد کامل مصوبه مولدسازی اموال دولت شد

هشدار سه‌باره درباره مولدسازی

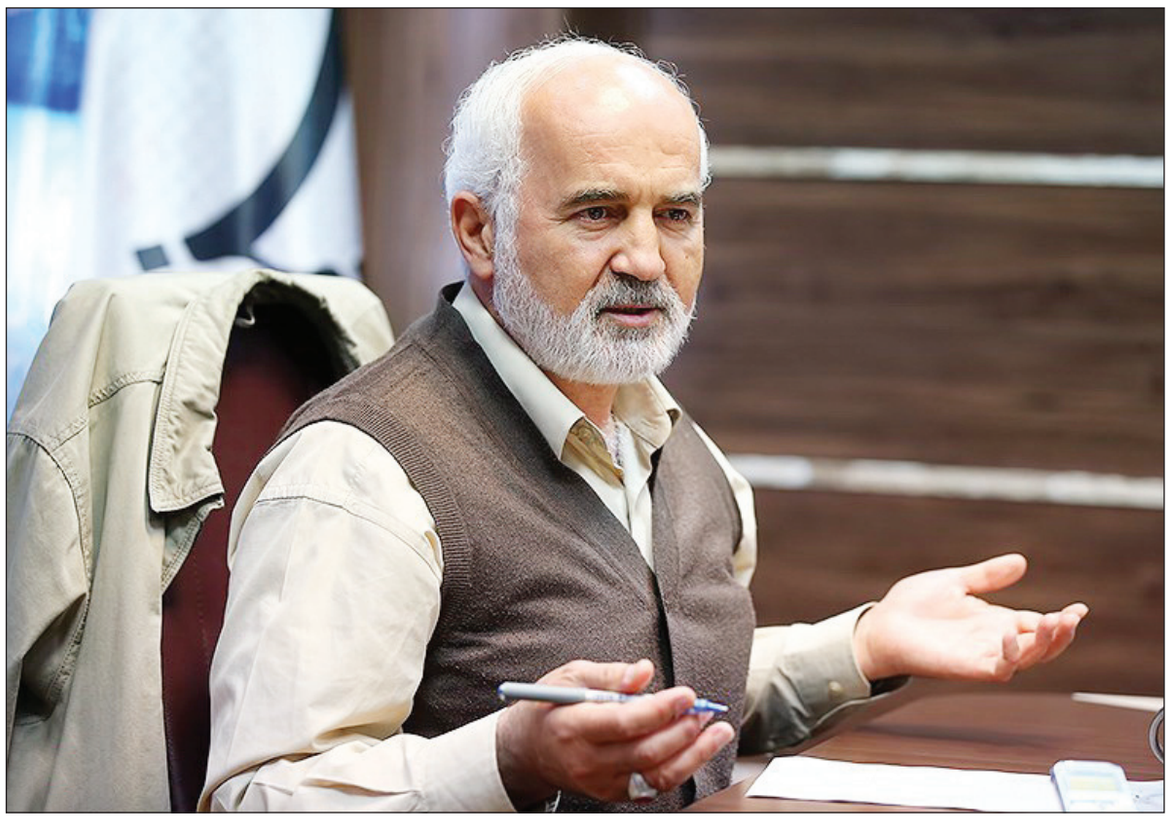

احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس هیات‌مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت در نامه‌ای به نمایندگان مجلس، خواستار رد کامل مصوبه مولدسازی اموال دولت شد و نوشت: «شما امری که رهبری تاییدش را پس گرفته باشد چگونه به رای می‌گذارید؟» به گزارش پایگاه خبری الف، این سومین نامه توکلی است که خطاب به مسوولان امر با این موضوع نگاشته می‌شود و آنان را از حمایت و اجرای آن برحذر می‌دارد. در بخشی دیگر از این نامه که بیشتر بر مساله مسکن مردم تاکید دارد، به اوضاع اسفناک کنونی وضعیت مسکن و التهاب بیشتر آن در صورت تصویب مصوبه، اشاره شده و آمده است: «امروز به اینجا رسیده‌ایم که اگر فردی با حداقل حقوق، بتواند یک‌سوم حقوق خود را ماهیانه پس‌انداز کند، دوره انتظار او برای خانه‌دار شدن ۱۳۵ سال به درازا می‌کشد. اگر دولت زیر بار اجرای این مصوبه برود، خود را در جنگ با بی‌خانمانی، خلع سلاح ساخته و شاید مجبور شود فاتحه خانه‌دار شدن مردم و خدای ناخواسته، فاتحه خودش را یکجا بخواند!» متن کامل این نامه خطاب به «سران محترم قوا و اعضای محترم هیات عالی مولدسازی»، «سران محترم قوا و اعضای محترم هیات عالی مولدسازی»، «هیات رییسه محترم کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه در مجلس» و «نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی» بدین شرح است:

در چند ماه اخیر، اینجانب احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس هیات‌مدیره سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت، دو نامه سرگشاده نوشتم. در اولی سران قوا مخاطب بودند و در دومی، علاوه بر آنها، خطاب به شما نیز مطالب مهمی تقدیم شده بود. این نامه‌ها پیرامون مصوبه موسوم به مولدسازی اموال دولت (ازاین‌پس، مصوبه) بود که از آن، لطمات و خطرات سنگینی متوجه جمهوری اسلامی می‌گردد. نقض گسترده حقوق ملت و حقوق نمایندگان، حقوقی که نمایندگان، خودشان نیز حق چشم‌پوشی از آنها را ندارند؛ لگدکوب کردن اصیل‌ترین حق در قضای اسلام و همه نظام‌های حقوقی امروز جهان، یعنی حق دادخواهی؛ سلب حق نظارت مردم و منع حق و تکلیف نظارت نمایندگان و تمامی سازمان‌های نظارتی؛ لگدمال کردن بیش از یک‌صد اصل و حکم از اصول قانون اساسی و از احکام قوانین مالی مادر و ایجاد بستر فساد قانونی گسترده. متأسفانه آن دو نامه در روند غیرقانونی و معارض با سلامت سیستم، تأثیری نگذاشت و همان‌ها را در موادی از لایحه برنامه هفتم گنجانده‌اند.

در نامه سوم که همین نوشته است، توجه شما را به وضعیت بحرانی مسکن و ارتباطش با این مصوبه جلب می‌کنم. در این چند سال تحت تأثیر سیاست‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول، از جمله: سیاست شکست‌خورده و مهلک ارزی آن؛ رها ساختن سیاست‌گذاری در امر زمین و مسکن و سپردن آن به بازار غیررقابتی با عوامل آزمند و بی‌رحم؛ و سیاست‌های نادرست و نامتعادل مالیاتی، به زیان مصرف‌کنندگان مسکن و به نفع سوداگران بازار زمین و مسکن؛ امروز وضعیت چنان شده که اکثریت قریب‌به‌اتفاق مستأجران را مستأصل و زمین‌گیر کرده و خرید مسکن را تقریباً برای اکثریت قاطع جوانان و خانواده‌های متوسط و مستضعف ناممکن ساخته است. گرچه ارز نقطه آغاز... است که من در نامه قبل به آن اشاره کرده‌ام ولی اهمیت آن در حدی است که نباید به‌صورت حاشیه به آن بپردازیم و بزودی ویرایش سوم این موضوع که حاصل مطالعات جدید است به اطلاع عموم عرضه خواهد شد. کانون توجه این نامه این است که به نمایندگان محترم هشدار داده شود که نگذارید فرصت تاریخی برای حل مشکل مسکن را از دست دهیم و درصدد ارایه طرح جامعی برای حل این مشکل و مشکلات دیگر نیستیم. این بدان معنا نیست که ما در نامه خود پیشنهاد نمی‌دهیم ولی کانون تمام پیشنهادها حفظ آن فرصت است و اینکه نشان دهیم بدترین دشمن مستضعفان و حکومت از جمله در خانه‌دار شدن مردم، فساد است.

تورم وحشتناک زمین و مسکن

تورم در بخش زمین و مسکن به طرز وحشتناکی از تحمل مردم خارج شده است. بر اساس گزارش بانک مرکزی بحران ارزی سال‌های ۹۸-۹۷ میانگین قیمت یک متر مربع واحد مسکونی در تهران را ۹۱ درصد افزایش داد. مشابه این اتفاق در سال ۱۴۰۱ پس از جهش قیمت ارز افتاد و متوسط قیمت هر مترمربع مسکن در تهران را از ۳۵ میلیون تومان با افزایش ۸۸ درصدی به ۶۶ میلیون تومان رساند! میانگین سهم ارزش زمین در قیمت مسکن در دوره ۱۴۰۰-۱۳۷۲ تقریباً ۶۰ درصد بوده است که بیشترین سهم با ۸۱ درصد مربوط به ۱۳۸۲ و کمترین با ۴۳ درصد متعلق به سال ۱۳۹۲ بوده است. به نظر می‌رسد علت سیر نزولی این متغیر در آن ده سال، اجرای سیاست مسکن مهر و عرضه گسترده و بسیار ارزان زمین بوده است.[۱] حذف ارزش زمین از قیمت مسکن توصیه‌ای علمی متکی بر پژوهشی در دانشگاه علم و صنعت با راهنمایی دکتر محمد خوش‌چهره، صورت گرفت و مبنای تصمیم رییس‌جمهور احمدی‌نژاد در طرح مسکن مهر بود. طبیعی بود این طرح درمانگر نباشد؛ ولی توانست التیامی در امر مسکن باشد. اگر در اجرای مسکن مهر تصمیمات شتاب‌زده در کار نبود، موفقیت بیشتر می‌شد.

افزایش دوره انتظار به ۱۳۵ سال!

ارقام فوق‌الذکر وضعیت وخیم مسکن را منعکس می‌کند. امروز به اینجا رسیده‌ایم که اگر فردی با حداقل حقوق، بتواند یک‌سوم حقوق خود را ماهیانه پس‌انداز کند، دوره انتظار او برای خانه‌دار شدن ۱۳۵ سال به درازا می‌کشد. اشتباه نخوانده‌اید: یک‌صدوسی‌وپنج سال...! یعنی جز اغنیا، امید خانه‌دار شدن برای کسی باقی نمی‌ماند. این در حالی است که مدت انتظار در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۹۴ به ترتیب ۱۲ و ۳۱ سال بود. در چنین وضعیتی، مصوبه، با محور زمین فروشی، ساخته‌وپرداخته می‌شود. دعوی این نامه، این است که اگر دولت زیر بار اجرای مصوبه برود، خود را در جنگ با بی‌خانمانی، خلع سلاح ساخته و شاید مجبور شود فاتحه خانه‌دار شدن مردم و خدای ناخواسته، فاتحه خودش را یکجا بخواند! این بدان معنی نیست که راه‌حلی وجود ندارد. هنوز راه انجام‌وظیفه دولت در تأمین مسکن، با بسته‌ای از سیاست‌های سازگار، گشودنی است. البته همه‌چیز به تغییر بینش و منش حکمرانان و برخی از روش‌های حکمرانی بستگی دارد. عنصر محوری بسته سیاستی حل این معضل خانمان‌سوز، آن است که بپذیرند زمین ابزار سیاست‌گذاری است، نه مال‌التجاره. مال‌التجاره کردن زمین، علاوه بر اینکه اهداف مصوبه را تأمین نمی‌کند؛ بلکه گران‌فروشی زمین، چه دولتی، چه خصوصی را برمی‌انگیزد. و این یعنی تعمیق ناامیدی. گرانی وحشتناک هر مترمربع ساختمان، و در پی آن گران شدن هزینه ساخت و اجاره‌بها، بیش از همه، از گرانی زمین و سهم بالای آن در قیمت تمام‌شده مسکن متأثر است. درست همان چیزی که می‌تواند نقطه قوت دولت باشد. هرچه سهم زمین، بالاتر و قیمت هر واحد آن، افزون‌تر باشد، حذف ارزش آن از قیمت تمام‌شده، در کاهش قیمت هر واحد مسکن عرضه‌شده در بازار، بیشتر خواهد بود. دولت چه ابزاری جز زمین خدادادی رایگان و اجازه دخالت در بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها، در اختیار دارد که بتواند به‌وسیله آن قیمت تمام‌شده مسکن را کاهش دهد و مردم را از بی‌خانمانی برهاند؟ زمین، دارایی طبیعی و منحصربه‌فرد است و رایگان در اختیار دولت قرار دارد. دولت تاجر نیست که آن را خریده باشد و آن را مال‌التجاره خود بداند و بخواهد آن را به بالاترین قیمت بفروشد. وقتی قانون اساسی تأمین مسکن را از ضروریات قطعی هر زندگی معمولی می‌شمارد؛ علی‌القاعده باید ابزار تعقیب این هدف را هم در اختیار دولت قرار داده باشد؛ این ابزار موثر و کارا در اختیار داشتن زمین رایگان و اختیار مداخله در بازار است. این مداخله نیز پایه علمی دارد که در اقتصاد بخش عمومی و فقه از آن سخن گفته می‌شود. این حقیقت به‌طور گسترده‌ای شناخته شده است که بازار زمین به‌خودیِ‌خود کارا عمل نمی‌کند، عمدتاً به این دلیل که ذاتاً ناقص است. این نقص‌ها، اساس مداخله دولت را فراهم می‌کند.[۲] و[۳] و[۴] به دلیل این ناکارآمدی‌ها و کم بودنِ خریدار و فروشنده، بازار از تعیین قیمت رقابتی کاملاً عاجز است و در چنین محیطی همه نحله‌های اقتصاد بخش عمومی درباره حضور و دخالتِ دولت در بازار زمین تردید ندارند. این مداخله مثلاً در بازار اجاره، تعیین شرایط قرارداد، دوره قرارداد، مبلغ اجاره، شرایط تمدید یا فسخ قرارداد است. در بسیاری از کشورها، من‌جمله فرانسه و مجارستان، دولت در همه اینها دخالت دارد؛ گرچه میزان دخالت در کشورهای مختلف متفاوت است. به‌محض فزونی تقاضای مسکن بر عرضه، کمتر دولتی از دخالت صرف‌نظر می‌کند. این دخالت برای جبران ناکارایی بازار در تولید و عرضه و حفظ مصالح مردم ضعیف در مصرف صورت می‌گیرد. مقصود ما از دولت در اینجا، فقط قوه مجریه نیست؛ بلکه تمامی نهادهای بخش عمومی باید در این فعالیت مشارکت داشته باشند؛ از جمله شهرداری‌ها، ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد، ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و... البته رعایت نیازهای بلندمدت دولت برای ارائه خدمات عمومی ضروری است. مشارکت نیروهای مسلح در تملیک زمین به دولت، باید با احتیاط بیشتر در لحاظ نیازهای دفاعی-امنیتی صورت گیرد؛ و صرفاً برای تأمین مسکن شاغلان و بازنشسته‌های همین نیروها به کار رود، تا هر عضو آنها پس از ۴۰-۳۰ سال خدمت خطیر و سخت، با رسیدن به بازنشستگی که ملزم به ترک خانه سازمانی می‌گردد، آلاخون‌والاخون نشود، تا منزلت نظامیان فرونیفتد. فرد نظامی بی‌منزلت، توان دفاع از وطن و هم‌وطن را ندارد! عوامل دیگری در این طرح دخیل‌اند که گرچه به اشاره، باید از آنها یاد کرد. تا چنین تصور نشود، که تنگناهای معیشتی مردم و معضلات و بحران‌های اقتصاد ملی را می‌توان جدا از هم دید و برایشان، بی‌ارتباط باهم، چاره جست. دلسوزان عاقل، که در پیروی از پیامبر رحمت از رنج مردم در رنجند[۵] و دغدغه معیشت، منزلت، حریت و هدایت مردم را دارند، باید با بهره‌گیری از جهت‌گیری ارزشی اسلام و آخرین دستاوردهای علوم انسانی به‌ویژه علم اقتصاد، با نزدیک‌ترین مدل(ها) و رفع نارسایی‌های احتمالی آنها، به فکر بسته سیاستی با اجزایی سازگار با یکدیگر و متناسب با مقتضیات کشور، به میدان بیایند.

رد دعاوی اصحاب مصوبه

حامیان مصوبه به گزاف برای آن آثار و اهدافی شمرده‌اند، اما مصوبه چنان که خواهید دید به اهدافش نمی‌رسد.

الف) رد دعوی اصلاح ساختار بودجه

ساختار بودجه چیست که فروش زمین می‌تواند آن را اصلاح کند؟ ساختار بودجه به ویژگی‌هایی از بودجه برمی‌گردد که بدون وجود آنها بودجه دیگر بودجه نیست. بودجه منعکس‌کننده اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های یک‌ساله دولت است که در لباس اعداد و ارقام و جداول تنظیم و ارایه می‌شود. به‌طوری که نمایندگان باید ترجیحات دولت را در کسب درآمد و صرف هزینه با همین مولفه‌ها کمّی تشخیص دهند، بپذیرند، رد کنند یا اصلاح و تصویب نمایند. دقت در این مولفه‌ها به فرد آشنا و علاقه‌مند نشان می‌دهد که دولت امسال کدام وظیفه را اولی می‌داند، کدام‌ها را کمتر اهمیت می‌دهد و چه وظایفی را در برنامه یک‌ساله، تعطیل می‌کند. ولی مجلس بجای پرداختن به بودجه (به همین معنی علمی و قانونی) وقتش را برای تغییر، تضییق، توسعه، تعدیل و توقف قوانین دایمی صرف می‌کند. این روش بودجه‌نویسی، با متزلزل کردن قانون، که علی‌القاعده عامل ثبات است، ریسک و نااطمینانی را بالا می‌برد، نتیجتاً کاهش سرمایه‌گذاری را در پی دارد. دوسوم بودجه سالانه کل کشور را بودجه بانک‌ها، شرکت‌ها و موسسات دولتی است و مجلس تقریباً هیچ تصمیمی درباره آن نمی‌گیرد. یک‌سوم بقیه به‌اصطلاح بودجه کل کشور را، بودجه عمومی دولت تشکیل می‌دهد که طرز رسیدگی به آن را دیدید. اظهارنظر درباره دوسوم را نیز انجام نمی‌دهد! در پایان جلسه آخر، از جلسات جانکاه و طاقت‌فرسای (به جد می‌گویم، نه به شوخی) رسیدگی بودجه در صحن، این پدیده مخل شکل گرفتن بودجه‌ای مطابق اصول بودجه‌ریزی و اقتصاد بخش عمومی، فسادزا و فسادافزا می‌گردد. با یک قیام و قعود پرونده‌اش را می‌بندند! الحمدلله تکلیف بودجه کل کشور معلوم شد!! بودجه نفتی، مشکل ساختاری دیگری است که بودجه دولت و اقتصاد ملی را تابع متغیرهای برون‌زا می‌کند و هنگام حدوث بیماری هلندی (Dutch Disease) رکود تورمی را بر اقتصاد تحمیل می‌کند. و امان از دروغ نویسی و بیش‌نمایی درآمد و کم برآوردی هزینه‌ها که عامدانه و آگاهانه صورت می‌گیرد و به‌طور قطع کسری بودجه را پایدار می‌سازد. کدام‌یک از این بیماری‌های ساختاری را فروش زمین و طرح‌های عمرانی چاره می‌کند؟!

ب) رد دعوی افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی

ادعای بعدی، کمک مصوبه به افزایش بهره‌وری است. باید پرسید: آیا فروش زمین با سازوکار غیرکارشناسی و اختصاص منابع به دست‌آمده، و اختصاص به بودجه جاری، سبب افزایش بهره‌وری می‌شود؟ بهره‌وری تابع اعدادی نیست که ما فرض می‌کنیم؛ بلکه تابع نهادهایی است که در این موضوع اثر می‌گذارند تا از مجموعه‌ای از عوامل بتوانیم بیش از گذشته بهره‌برداری کنیم. ولی واقعیت این است که ما اقتصاد نابهره‌وری داریم.

نه ۵ برابر شدن قیمت نفت در سال ۱۹۷۳، شامل چهار سال پایانی تفاخر آمیز رژیم شاه، همچنین چند برابر شدن بودجه جاری و عمرانی در سال ۱۳۵۴، نتوانست از سقوط حیرت‌آور بهره‌وری کل عوامل جلوگیری کند. به‌طور مشابه، نه درآمد ارزی هنگفت سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، دوره آقای احمدی‌نژاد (منعکس‌شده در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳) همراه با افزایش ۴۳ درصدی بودجه جاری و ۵۷ درصدی بودجه عمرانی در سال نخست صدارت آقای احمدی‌نژاد نیز نتوانست روند کاهنده بهره‌وری کل عوامل را تغییر دهد. در حالی که آقای احمدی‌نژاد ۱۱۹ هزار میلیارد تومان شرکت دولتی را نیز فروخت و صرف بودجه کرد! در شرایط فعلی نیز سرازیر کردن ارز و ریال در چاه ویل بودجه پیش از اصلاحات واقعی ساختار بودجه دردی را دوا نمی‌کند. شاخص بهره‌وری کل عوامل در پایان دهه ۱۹۶۰ میلادی سقوط خود را آغاز کرد. با پیروزی انقلاب بهبود اندکی رخ داد ولی جنگ و سوء تدابیر و مدل‌های نامناسب اقتصادی و فساد و تحریم به‌اثر خود برای کاهش شاخص بهره‌وری کل ادامه داد گرچه با شیب خیلی ملایم. موانع رشد اقتصادی نیز سخت‌تر و سنگین‌تر از آنند که بتوان با واگذاری چند قطعه زمین و طرح نیمه‌تمام، رشد پایدار را شاهد باشیم. چنان که بارها آزمودیم و نشد. پذیرش ادعای ما که مصوبه، فساد، به‌ویژه فساد قانونی را گسترش می‌دهد چندان مشکل نیست زیرا: ۱) اگر مصوبه‌ای، با نقض مکرر در مکرر قانون شکل بگیرد، پس عام‌ترین ویژگی فساد خیزی (یعنی قانون‌شکنی) را دارد؛ ۲) اگر در اجرای آن، اصرار غریبی دیده شود که تمام اصول مالی قانون اساسی و مواد ذی‌ربط قوانین مالی مادر - که از اساس برای پرهیز از فساد وضع شده‌اند - به بهانه‌های بی‌اساس کنار گذاشته شوند، ۳) تنها اصول و احکام قانونی زیر پا گذاشته نمی‌شود؛ بلکه قواعد علمی نیز به‌سخره گرفته می‌شود، مثال: شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درباره تصمیمات وزارت اقتصاد در تغییر کاربری، حق اظهارنظر دارد، ولی نظرش نباید مخالف باشد! مثال دیگر: مصوبه به هفت روئین‌تن اجازه داده است تعیین قیمت کارشناسی را نادیده بگیرند و اگر دلشان خواست، خود قیمت بگذارند! ۴) وقتی متصدیان آن مصوبه برای تصمیم‌گیری حدومرزی نداشته باشند، ۵) اگر از هیات عالی هفت‌نفره مولدسازی (معاون اول، وزرای اقتصاد، کشور و راه، رییس سازمان برنامه، نماینده رییس مجلس و نماینده رییس قوه قضاییه) هر تخلف، جرم یا خیانتی سر بزند، هیچ مرجعی، مجاز به هیچ نوع بازخواستی از آنان نباشد، ۵) در عوض مخالفت با این هفت روئین‌تن جرم‌انگاری شود، ۷) تمام مقررات حافظ سلامت سیستم، اگر مزاحم تلقی شوند تعطیل می‌گردند، ۸) فرآیندهای فسادساز و فسادافزا لباس قانون دربر کنند، ۹) هر اصلی از قانون اساسی یا حکمی از قوانین عادی را مانع کار خویش، یا حتی فقط موجب طولانی شدن اجرای منویات خویش تلقی کنند، مجاز باشند آنها را متوقف سازند ولی شورای نگهبان مجاز نباشد لب باز کند، ۱۰) اگر هرچه دلشان خواست، به نام آیین‌نامه وضع کنند، رییس مجلس، دیوان عدالت اداری و بازرسی کل کشور، حق انجام‌وظیفه نظارتی خود را ندارند! با این اوصاف اگر من بگویم روئین‌تنان هفتگانه در دژ مستحکم کاپیتولاسیون، بناشده در مصوبه، غنوده‌اند و هر کار صلاح ببینند، می‌کنند، گزافه گفته‌ام؟! باز کسی هست، که بتواند مدعی شود از این سازوکار خیر و صلاح برای ملت زاییده می‌شود، نه شر و فساد؟!

شگفت‌آور آنکه مصوبه، برای زحمات طاقت فرسایی که در پایمال کردن اصول قانون اساسی، سلب حقوق اساسی ملت و بی‌اعتنایی به مقامات و نهادهای کشور و شکایت از همه منتقدان خود، برای خود دستخوشی در نظر می‌گیرند. مصوبه این حق‌الزحمه را تا ۵ درصد از منابع حاصل از زمین فروشی تعیین کرده است. مثلاً امسال که طبق قانون بودجه قرار است ۱۰۸ هزار میلیارد تومان از زمین فروشی حاصل شود، هیات می‌تواند برای خود و امربران خود تا ۵۴۰۰ میلیارد تومان حق‌الزحمه تعیین کند! فرض را بر این می‌گذاریم که روئین‌تنان، مدیران ضعیف‌نواز هستند و ۹۰ درصد این حق‌الزحمه را به امربران می‌دهند و خود فقط ۱۰ درصد آن را می‌گیرند. در این صورت؛ به هر یک از ۷ صاحب‌منصب عضو هیات برای ۲۴ جلسه در کل سال ۱۴۰۲، مبلغ ۸ میلیارد تومان حق‌الزحمه می‌دهند!! به نظر شما اندکی زیاد نیست؟! از این هفت نفر می‌پرسم، چگونه می‌خواهید نزد مردمی که برای پول پیش خانه این در و آن در می‌زنند و ناامید بازمی‌گردند از این تصمیمات بی‌اساس و غیرعلمی و ظالمانه که فقیران را فقیرتر و اغنیا را غنی‌تر می‌سازد دفاع کنید؟ چنانچه گفتیم چون هدف، جبران کسری بودجه اعلام شده است، پس هرچه گران‌تر بفروشند، بهتر است. به‌ویژه آنکه هیات هفت نفره، و مجریان اوامرشان، حق‌الزحمه خود را به‌صورت درصدی از منابع حاصل از فروش زمین دریافت می‌کنند، دچار تعارض منافع هستند. طبیعی است که قیمت زمین افزایش پیدا کند و از دسترس افراد بی‌پس‌انداز دورتر می‌گردد این فرآیند تورم شدیدتر و بیشتر را در پی دارد. تورم بر پرهزینه‌ترین شخص اقتصادی، موثرتر است تا دیگران و دولت عیال‌وارترین واحد اقتصادی و پرهزینه‌ترین شخص اقتصادی است. بنابراین باید انتظار داشت که دوره مالی بعد اگر دولت بخواهد کالا و خدمات بیشتری را بخرد باید بیشتر هزینه کند این فرآیند کسری بودجه را ناپایدار و تشدید می‌کند. حالا که تمام اصول مالی قانون اساسی و قوانین مادر مالی در مصوبه خط می‌خورد اژدهای هفت‌سر، چند سر می‌شود؟ مطالعات اقتصادسنجی از ۱۳۴ کشور طی دو دهه نشان می‌دهد که فساد سهم فعالیت‌های اجتماعی از بودجه را کاهش می‌دهد.[۶] فساد همچنین هزینه‌های عمومی را از بهداشت و آموزش به بخش‌هایی با شفافیت کمتر در مخارج سوق می‌دهد.[۷] و اثرات منفی بلندمدت قابل توجهی بر تولید دارد.[۸]

سهم فساد از بودجه؟

طبق آمارهای بین‌المللی فساد به‌طور متوسط، باعث اتلاف ۲۰ تا ۲۵ درصد بودجه دولت می‌شود. با توجه به میزان بودجه کشور در سال ۱۴۰۲ به مبلغ ۵۰۰۰ هزار میلیارد تومان اگر ۲۰ درصدش را در نظر بگیریم، می‌شود ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان. چرا به‌جای ابزارفروشی و خلع سلاح دولت، با فساد مبارزه نمی‌کنیم؟ اگر مبارزه با فساد رواج یابد و توفیق ما در مبارزه با فساد ۵۰ درصد باشد ما ۵۰۰ هزار میلیارد تومان را از حلقوم مفسدان بیرون می‌کشیم. مبلغی که تقریباً پنج برابر منبع حاصل شده از فروش زمین در سال ۱۴۰۲ خواهد بود. فساد یک معضل بسیار مهم در همه جوامع است. اقتصاددانان و محققان در سال‌های اخیر علاقه فزاینده‌ای به مطالعه پدیده فساد و تأثیر آن بر رشد اقتصادی نشان می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که فساد سرمایه‌گذاری خارجی را می‌راند، آن مقدار هزینه‌های عمومی که پس از اتلاف مستقیم بخشی از بودجه که از بین می‌برد، بقیه هزینه عمومی را نابهره‌ور می‌سازد تخصیص منابع را به نفع پروژه‌های سنگین که از شفافیت کمتری برخوردارند و به ضرر بخش هزینه‌های عمومی (آموزش و بهداشت) تغییر می‌دهد و عامل رشد نرخ اقتصادی پایین است. اینها نتایج حاصل از ۲۲ کشور طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ است. پس اگر طرحی مستلزم افزایش فساد باشد، رشد و بهره‌وری را کاهش می‌دهد.

نمایندگان محترم، خواهران و برادران عزیز!

سرپناه حتی نان نیست که بشود سر در ظرف خاکروبه کرد و آن را از میان آشغال‌ها جست و بچه‌ها را از گرسنگی رهاند. شما یک‌شب هم نمی‌توانید با همسر و فرزندان خود در خیابان بیتوته کنید. و اگر مانند مردم مجبور می‌شدید تأثیر سوء بعضی منش‌های حکمرانان و بعضی روش‌های حکمرانی را بر دوش داشته باشید فریاد شما هم به آسمان می‌رسید. با توجه به تورم شدید اخیر، عامه مردم توانایی خرید زمین عرضه‌شده دولتی را ندارند. ثروتمندان، مشتری هستند. با توجه به اینکه چهاردهم درصد (۰/۴ درصد) حساب‌های سپرده‌های بانکی ۵۸ درصد موجودی سپرده‌ها را در بر دارد و ۹۹.۶٪ حساب‌های سپرده اشخاص حقیقی ۴۲ درصد (این آمار سال ۱۳۹۷ بانک مرکزی) است، پس اغنیا با تملک عامل تولید کمیاب، در بازار حاکم می‌گردند و همه متوسطان و ضعیفان را از دایره متقاضیان موثر بیرون می‌کنند پیش از آنها دولت را خلع سلاح و از بازار خارج کرده‌اند. شما فکر می‌کنید مردم تا کجا این فشار باورنکردنی و ستم کوبنده را تحمل می‌کنند؟ حضرت امیر فرمود: اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ، وَاحْذَرِ الْعَسْفَ وَالْحَيْفَ؛ فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَالْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ. به دادگری حکومت کنید و از سختگیری و تندی بر مردم حذر کنید و از ستمگری نیز بپرهیزید چرا که سختگیری مردم را به مهاجرت وامی‌دارد و ستمگری پای شمشیر را به میان می‌آورد. شما که در صحت قول علی تردید ندارید، آیا نشانه‌های آن را نمی‌بینید؟

با درج مصوبه در لابه‌لای لایحه برنامه هفتم، همه اقدامات فسادخیز و فسادآلود لباس قانون خواهند پوشید. آن هم قانونی که اصلاحش به دوسوم رأی نمایندگان حاضر در مجلس محتاج است. معاذالله! سلمان فارسی را هم در این جایگاه قرار دهید معلوم نیست چند هفته طول بکشد تا وی را در اوین ملاقات کنیم!!

نمایندگان محترم!

موضوع مصوبه زمین فروشی باید تغییر ویژه‌ای کرده باشد که آن را تصویب ناشده تلقی کرده‌اید و برای استفاده از آن به تصویب مجلس نیازمند شده‌اید. کار شما دچار تناقض است. برای روشن شدن مطلب باید به این دو سوال دیده‌بان شفافیت و عدالت پاسخ بدهید تا تفاهم آسان‌تر شود.

۱-اگر رهبری بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جوازی صادر کند هر چند با بعضی از اصول سازگار نباشد. آیا مجلس می‌تواند این جواز را به رأی بگذارد؟ با استناد به همان اصل ۱۱۰ جواب قطعاً منفی است.

۲-اگر حکمی از اصول قانون اساسی در لایحه یا طرحی بیاید یا در پیشنهادی ذکر شود آیا مجلس می‌تواند آن را به رأی بگذارد؟ جواب قطعاً منفی است. چرا شما این مصوبه را در جوف موادی از برنامه هفتم گنجاندید؟ یا این مصوبه هنوز اعتبار دارد. با این وجود رأیی که گرفته شده است چه در دولت و چه در کمیسیون تلفیق، نامشروع و غیرقانونی است. اگر اعتبار ندارد علی‌القاعده باید رهبری تأیید خود را پس گرفته باشد در این صورت شما امری که رهبری تاییدش را پس گرفته باشد چگونه به رای می‌گذارید. بر فرض استمرار اعتبار جواز مدت آن را حتی یک روز نمی‌توانید اضافه کنید و مثلاً آن را به دوسال و یک روز برسانید چه برسد که به آن ۵ سال بیفزایید و با گنجاندن آن در برنامه پنج‌ساله اصلاح آن را نیز در سخت‌ترین حالت یعنی کسب دوسوم آرای نمایندگان حاضر منوط کنید.

پس در هر دو حالت، دولت و مجلس در واقع آقای رییسی نمی‌بایست این مصوبه ویرانگر که به نهادهای جامعه ضربه مهلک می‌زند را در لایحه ذکر می‌نمود. و آقای عزیزی رییس کمیسیون نیز که آدم با سابقه‌ای در این زمینه است باید مواد مربوط به این مصوبه را از لایحه خارج کند.

به یاد داشته باشید که برای تنظیم و تأدیب مالی حکامی که با روش‌های استبدادی مأنوس‌تر بودند تا با روش‌های مردم‌سالار، صدها انسان شریف به خاک و خون غلتیدند. حالا می‌خواهند مصوبه‌ای را بر مردم تحمیل کنند که بیش از یکصد اصل از قانون اساسی و احکام قوانین مالی مادر را نقض می‌کند. می‌خواهند بر تن ناهمگون فساد لباس قانون بپوشانند. ما می‌گوییم فساد رسواتر از آن است که اگر چنین لباسی هم بر تنش بکنند، کسانی نباشند که آن را بشناسند و آن را افشا کنند و شما برادران و خواهران عزیز در موقعیت تاریخی بسیار حساسی قرار گرفته‌اید. شما می‌توانید با تصمیم تاریخی خود در رد کامل مصوبه مذکور و ملحقات آن، برگ زرینی در تاریخ تقنین جمهوری اسلامی بیفزایید. برادران و خواهران عزیز اگر شما این وظیفه را به‌درستی انجام دهید فرصت گرانقدری را برای مستضعفان حفظ می‌کنید و نشان می‌دهید که هم مستضعفان را می‌شناسید و هم مستکبران را.

احمد توکلی
رییس هیات‌مدیره سازمان مردم نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت

پاورقی
[۱] سجاد خسروآبادی کارشناس حوزه زمین و مسکن در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس کد خبر 14011005000478
[2] Tian، L.، & Ma، W. (2009) . Government intervention in city development of China: A tool of land supply. Land Use Policy، 26، 599-609. https: //doi.org/10.1016/J.LANDUSEPOL.2008.08.012.
(3) توکلی، احمد (1380)، «بازار، دولت، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها»، تهران، انتشارات سمت، این کتاب در سال 1382 به عنوان کتاب سال درسی اقتصاد در دانشگاه تهران برگزیده شد.
[4] توکلی، احمد (1382)، «مالیه عمومی»، تهران، انتشارات سمت
[5] «لقدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عزيزٌ عليْهِ ما عنِتُّمْ حريصٌ عليْكُمْ بِالْمُومِنِينَ رءُوفٌ رحِيمٌ» (قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مومنان دلسوز مهربان است) سوره 9، آیه 128
[6] Swaleheen، M.، Ali، M.، & Temimi، A. (2019) . Corruption and public spending on education and health. Applied Economics Letters، 26، 321-325. https://doi.org/10.108013504/851.2018.1468549.
[7] Schneider، F. (2015) . Does corruption promote emigration. The IZA World of Labor، 192192-. https: //doi.org/10.15185/IZAWOL.192.
[8] d'Agostino، G.، Dunne، J.، Lorusso، M.، & Pieroni، L. (2020) . Military Spending، Corruption، Persistence and Long Run Growth. Defence and Peace Economics، 31، 423-433. https: //doi.org/10.108010242694.2020./1751503.

در شهر

نشانه‌ای دیگر از ضعف ناوگان تاکسیرانی پایتخت

مدیرعامل سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران از اختصاص ۲۲ هزار تاکسی اینترنتی به سرویس مدارس در پایتخت خبر داد. البته او نگفته است که با توجه به ساز و کار تاکسی‌های اینترنتی چگونه این نوع تاکسی به سرویس مدارس اختصاص می‌یابد. به نظر می‌رسد، او کل تاکسی‌های اینترنتی موجود در شهر تهران را کاندیدای سرویس مدارس قلمداد کرده است، این در حالی است که سرویس مدارس همواره از میان رانندگان دارای جواز تاکسیرانی و دارای شرایطی همچون عدم اعتیاد و... انتخاب می‌شدند، حال آنکه چنین ویژگی‌هایی از سوی شرکت‌های تاکسی اینترنتی بررسی نمی‌شود. همزمان این مساله نشان می‌دهد که ناوگان حمل و نقل عمومی به ویژه ناوگان تاکسیرانی به‌شدت تضعیف شده به گونه‌ای که نمی‌تواند در ساعاتی از روز، خودروهای مورد نیاز مدارس را تامین کند. به گفته مسوولان شهری، ۷۰ هزار تاکسی در تهران فرسوده است و نوسازی ۱۰ هزار دستگاه از این تعداد به تازگی شروع شده است. به گزارش ایلنا، سید مجتبی شفیعی با اعلام خبر اختصاص ۲۲ هزار تاکسی اینترنتی به سرویس مدارس گفت: تخفیف ۳۰ درصدی برای کارت بلیت الکترونیکی همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید ارایه خواهد شد. وی همچنین تصریح کرد: این تخفیف به منظور خرید مجازی بلیت الکترونیکی ناوگان حمل و نقل عمومی، رایگان شدن ناوگان برای دانش آموزان در مهرماه و اختصاص ۲۲ هزار تاکسی اینترنتی به سرویس مدارس از مصوبات هفتاد و هشتمین جلسه شورای حمل و نقل و ترافیک شهر تهران بوده است.

بازگشت ۱۴۱ هزار زائر اربعین از مرزهای ۶ گانه به پایتخت

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار تهران در تشریح جزییات وضعیت و آمار سرویس‌های برگشت زائرین اربعین به استان از بازگشت ۱۴۱ هزار و ۱۳۹ زائر اربعین از مرزهای شش گانه به پایتخت خبر داد. به گزارش ایرنا، میرمحمد غراوی روز جمعه با اشاره به اینکه تمام تلاش‌ها در کمیته حمل و نقل استانداری تهران، ارایه بهترین خدمات در جهت جابه‌جایی زائران بوده است، اظهار داشت: با یاری خدا و همت همه دست اندرکاران تاکنون بازگشت و انتقال ۱۴۱ هزار و ۱۳۹ زائر اربعین از مرزهای شش گانه به پایتخت ثبت شده است. وی از استقرار شبانه‌روزی راهداران در پایانه برکت برای جابه‌جایی زائران خبر داد و عنوان داشت: تمام دستگاه‌های دارای مجوز حمل و نقل و اتوبوسی برای انتقال زائران به محل سکونتشان فعال هستند و در این زمینه نظارت‌های کامل انجام می‌شود تا بهترین خدمات به عزیزان ارایه شود.

رنگ قرمز برج میلاد و پل طبیعت در روز جهانی بیماری دیستروفی

برج میلاد و پل طبیعت همزمان با روز جهانی آگاهی از بیماری دیستروفی به رنگ قرمز درآمد. به گزارش ایرنا، شامگاه ۱۶ شهریور، همزمان با روز جهانی بیماری دیستروفی ششمین برج مخابراتی دنیا با هدف آگاهی از این بیماری در میان شهروندان به رنگ قرمز درآمد. همچنین همزمان با روز جهانی آگاهی از بیماری دوشن در ۱۶ شهریور ماه، پل طبیعت به رنگ قرمز درآمد. هفتم سپتامبر از سال ۲۰۱۴ به عنوان روز آگاهی از بیماری دوشن انتخاب شده و نماد این روز رنگ قرمز است. هر ساله فعالیت‌هایی در راستای آگاهی بخشی درباره این بیماری انجام می‌شود به‌طوری که به بهبود زندگی بسیاری از مبتلایان به این بیماری کمک کرده است. دیستروفی موجب تضعیف و تحلیل تدریجی بافت‌های عضلانی بدن می‌شود. به همین دلیل در این روز موضوعات ضروری جهت بهبود مراقبت از بیماران دوشن بررسی می‌شود.

انفجار در آرادکوه و فوت ۳ نفر

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند جزییات حادثه رخ داده هفته گذشته در مجتمع پردازش و دفع آرادکوه را تشریح کرد. به گزارش ایسنا، رضا محمدی با اشاره به حادثه ترکیدگی لوله بخار کارخانه زباله‌سوز مجتمع آرادکوه اظهار کرد: ساعت ۲۱:۳۰ سه‌شنبه هفتم شهریورماه حجم زیادی از بخار از خط ۲ نیروگاه به سمت بیرون متصاعد و باعث شد چهار نفر از کارگران دچار سوختگی ناشی از بخار شوند. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند با بیان اینکه بلافاصله هماهنگی‌ها برای انتقال کارگران به مراکز درمانی انجام شد، خاطرنشان کرد: یک دستگاه آمبولانس مجتمع و یک دستگاه آمبولانس اورژانس به محل اعزام و مصدومان برای انجام مراقبت‌های اولیه به بیمارستان شهدای هفتم تیر منتقل شدند. وی افزود: متأسفانه با وجود مراقبت‌های انجام شده، سه نفر از کارگران به دلیل شدت سوختگی جان خود را از دست دادند و یک کارگر نیز که در بیمارستان شهدای یافت‌آباد بستری بود پس از طی مراحل درمانی از بیمارستان ترخیص شد. محمدی تصریح کرد: همزمان با پیگیری مراحل درمانی این افراد، کمیته فنی متشکل از چهار گروه به همراه کارشناسان خبره که از سوی شرکت تدبیر توسعه سلامت به عنوان سرمایه‌گذار و پیمانکار زباله‌سوز دعوت به همکاری شده‌اند در حال بررسی دقیق علل این اتفاق هستند. وی تاکید کرد: حادثه آتش‌سوزی نبوده بلکه بر اثر نشت بخار از لوله بویلر رخ داده، این در حالی است که طبق اعلام پیمانکار تعمیرات اساسی سامانه‌ها به تازگی انجام شده است. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با ابراز تأسف و تاثر عمیق از این حادثه تأکید کرد: ما از ابتدای وقوع حادثه پیگیر مراحل درمانی سانحه‌دیدگان بوده و اقدامات لازم برای هر چهار کارگر آسیب‌دیده انجام شده است. همچنین به موازات بررسی علل حادثه پیگیری حقوقی ابعاد موضوع در دستور کار سازمان قرار گرفته است.

فعالیت‌های ساختمانی در تابستان نوسان اندکی را تجربه کردند

تراز ساخت و ساز با شاغول ارز

گروه راه و شهرسازی |
اعمال سیاست‌های تثبیتی نرخ ارز اگر چه سایه رکود را بر سر بازار دارایی‌ها گسترش داده و این بازارها را از تب و تاب رشد قیمت‌ها انداخته است، اما فعالیت‌های ساختمانی را طی چهار ماهه اخیر تا حدی رونق داده و تحولات اندک اما مثبتی را در این بازار ایجاد کرده است.

در این شرایط و در پی ۴ ماه رونق اندک ساخت و ساز، فعالان صنعت ساختمان کاهش رونق نسبی این حوزه را برای شهریور ماه پیش بینی کردند.

از آنجا که تیراژ ساخت و ساز طی سال‌های اخیر به‌شدت افت کرده و به در فاز رکود قرار گرفته است و به‌طور مشخص، میزان فعالیت‌های ساختمانی طی ماه‌های اخیر در قیاس با دوره مشابه سال گذشته، کمتر است، فعالان ساختمانی از عبارت «رونق نسبی» استفاده می‌کنند که نشان می‌دهد، بهبود فعالیت‌های ساختمانی صرفا در قیاس با ماه‌های زمستان سال گذشته است و گرنه همچنان میزان ساخت و سازها اندک است.

تازه‌ترین اظهارات فعالان ساختمانی ۹۱ شرکت بزرگ در گروه‌های ساخت بنا، مهندسی عمران و فعالیت‌های ساخت و ساز تخصصی ساختمان حاکی از این است که شاخص کل در مردادماه با رقم ۵۵،۴۹ با افزایش جزیی نسبت به تیرماه با عدد ۵۳،۲۶ بیانگر استمرار وضعیت رونق فعالیت‌های ساختمان و ساخت و ساز در سه دوره اخیر است. کاهش قابل توجه مولفه‌های «قیمت خرید مواد اولیه یا لوازم مورد نیاز» و «قیمت محصولات تولید شده و خدمات ارایه شده» متاثر از اعمال سیاست‌های تثبیتی نرخ ارز در سه ماه گذشته است. افزایش نسبی مولفه‌های «میزان فعالیت‌های انجام شده»، «میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» و «مصرف حامل‌های انرژی» عامل موثر در افزایش قابل توجه مولفه «سرعت انجام و تحویل سفارش یا فرآیند کار» در این دوره است. اما همچنان قطعی دوره‌ای برق در شهرک‌های صنعتی یکی از بزرگ‌ترین موانع فعالیت در فصل تابستان به شمار می‌رود. مولفه «انتظارات تولید در ماه آینده» با ثبت رقم ۵۳،۳۰ علی‌رغم کاهش نسبی بیانگر پیش بینی فعالین اقتصادی مبنی بر استمرار وضعیت رونق فعالیت‌های ساختمانی در شهریور ماه است. به گزارش «تعادل»، در طرح شامخ، از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود به ۱۲ پرسش مطرح شده در قالب سه معیار وضعیت نسبت به ماه پیش (بهتر شده، بدتر شده یا تغییری نکرده است) پاسخ دهند. در صورت انتخاب گزینه بیشتر از ماه قبل: عدد ۱، گزینه بدون تغییر: عدد ۰.۵ و گزینه کمتر از ماه قبل: عدد صفر برای آن پرسش ثبت می‌شود. مجموع حاصل ضرب درصد پاسخگویان به هر یک از گزینه‌های در عدد همان گزینه، مبین عدد شامخ در آن پرسش است. در نهایت، معیار سنجش این شاخص عددی بین صفر و ۱۰۰ است که به ترتیب به معنای آن است که ۱۰۰ درصد پاسخگویان گزینه «بدتر شده است» و «بهتر شده است» را انتخاب کرده‌اند. عدد ۵۰ نشان دهنده عدم تغییر وضعیت نسبت به ماه قبل، بالای ۵۰ نشانه بهبود وضعیت نسبت به ماه قبل و زیر ۵۰ به معنای بدتر شدن وضعیت نسبت به ماه قبل است.

کاهش قیمت مسکن در شهرها؟

در حالی که آمار رسمی از تحولات بازار مسکن در دسترس نیست، مسوولان دولتی و در برخی موارد نمایندگان مجلس مدعی کاهش قیمت مسکن هستند. در همین چهارچوب، مجتبی یوسفی، عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفت: اکنون در برخی از شهرها با اقدامات دولت، شاهد ثبات و حتی کاهش قیمت مسکن هستیم، این به معنی تلاش دولت برای حل مشکل مردم است. یوسفی در گفت‌وگو با فارس ضمن تاکید بر لزوم نگاه جامع برای راه‌حل معضل مسکن در کلان شهرها، اظهار داشت: به مولفه‌هایی که به حوزه مسکن و سبد خانوار مرتبط هستند، نمی‌توان تک وجهی نگاه کرد؛ بلکه باید یک بسته جامع برای حل این معضل پیشنهاد داد که به مولفه‌های مختلف در آن توجه شود.

عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفت: وضعیت حوزه مسکن خوب نیست و اعتراض مردم بحق است ولی بیشترین دلیل این معضل، مجموعه‌ای از مولفه‌های کلان اقتصادی است، وقتی بازارهای موازی و کاهش ارزش پول ملی اتفاق افتاده، برخی‌ها به این بازار می‌آیند تا سرمایه آنها آب نرود. وی افزود: بخشی از معضل مسکن به دلیل سوداگری‌ها است و بخشی از آن هم به تورم، کاهش ارزش پول ملی در مقابل ارز و موارد دیگر باز می‌گردد، وقتی این شرایط به وجود می‌آیند عده‌ای برای حفظ ارزش پول خود وارد حوزه خرید سکه و طلا و کالاهای سرمایه‌ای می‌شوند که سوداگری است و ما با آن مخالف هستیم اما مردم هم حق دارند؛ چرا که خواهان حفظ سرمایه خود هستند. برای حل معضل مسکن اولین مساله رسیدن به ثبات اقتصادی است.

رکود عمیق در بازار مسکن

دولت مدعی است که با ساماندهی مشاوران املاک متخلف و قلع و قمع مشاوران قیمت‌ساز، توانسته قیمت‌ها را در بازار مسکن تعدیل کند اما منتقدان می‌گویند ثبات نرخ به دلیل رکود عمیق این بازار است. به گزارش ایلنا، وزارت راه و شهرسازی از ابتدای امسال برنامه کنترل و ساماندهی بازار مسکن را با تمرکز بر مشاوران املاک متخلف و قیمت ساز آغاز کرد و در جریان این سیاست تاکنون بیش از ۳ هزار مشاور املاک متخلف و بدون پروانه و مجوز پلمب شده و دولت مدعی است که این اقدام در مناطقی از جمله پردیس و پرند منجر به تعدیل قیمت‌ها شد. پیش از این نایب رییس اتحادیه مشاوران املاک استان تهران گفته بود که تعدادی از مشاوران املاک بدون پروانه و به صورت سازمان یافته در بازار مسکن تخلف می‌کنند. بنابراین در کنار رشد تورم مسکن و عقب‌ماندگی فاصله قدرت خرید مردم با افزایش قابل توجه قیمت مسکن در طول چند سال گذشته باعث شد که انجام معاملات مسکن به حداقل‌ترین حالت ممکن برسد و هر سال بر جمعیت مستاجران اضافه شود به‌طوریکه بیش از نیمی از جمعیت خانوار تهران مستاجران هستند. از سوی دیگر علیرغم وعده رییس جمهوری واحدی از نهضت ملی مسکن در موعد مقرر تحویل داده نشد و همچنان دولت در گیر و بند تامین اراضی مورد نیاز است و این پروژه هم نتوانست به داد مستاجران برسد. همانطور که گفته شد، دولت مدعی است که توانسته با این کنترل‌ها و قلع و قمع مشاوران املاک قیمت‌ساز، قیمت‌ها را کنترل کند. البته باید توجه داشت که بازار مسکن در گیر رکود است و در شرایط رکود اساسا قیمت‌ها ثابت باقی می‌مانند و این بازار چندین بار این تجربه را تکرار کرده است. ضمن اینکه با توجه به سیاست‌های کنترل رشد نقدینگی برای کنترل تورم و به‌دنبال آن عدم تامین منابع صنایع و انواع کسب و کارها، سایر بازارهای موازی هم در حال حاضر در دوره رکود به سر می‌برند. از دو ماه گذشته دولت اعلام کرده که قیمت‌ها در مناطقی بیش از ۸۰۰ میلیون تومان کاهش پیدا کرده و قدرت خرید مردم ترمیم شده است.

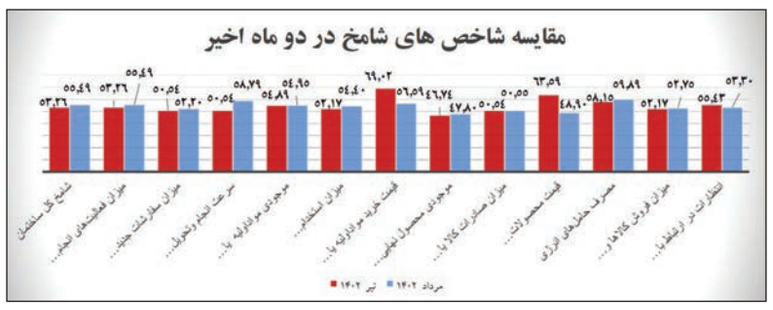

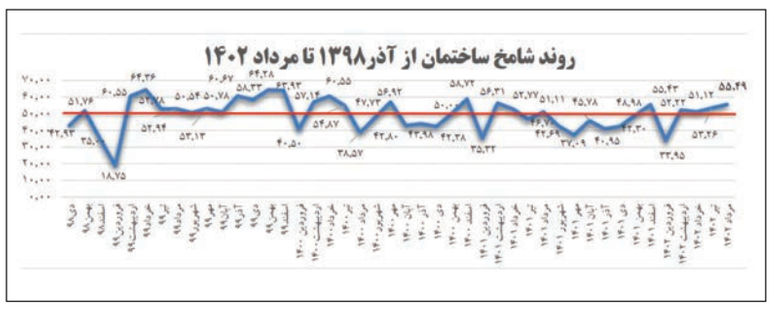

آیا انتقال دبیرخانه کمیسیون ماده ۵ به وزارت راه منتفی شد؟

جای خالی مدیریت شهری در لایحه برنامه هفتم توسعه

مرکز پژوهش‌های مجلس طی گزارشی به بررسی مدیریت شهری در لایحه برنامه هفتم توسعه، پرداخت و گزارش کرد که جای مباحث مربوط به مدیریت شهری در این لایحه خالی است. این در حالی است که در اوایل سال جاری، مهدی چمران، رییس شورای شهر تهران نسبت به انتقال دبیرخانه کمیسیون ماده ۵ از شهرداری به وزارت راه و شهرسازی در لایحه برنامه هفتم توسعه انتقاد کرد و در پی آن، در میانه خرداد سال جاری، علیرضا زاکانی شهردار تهران در یک کنفرانس مطبوعاتی ویژه به این مساله پرداخت و به‌طور تلویحی دولت سیزدهم را به دنباله روی از سیاست‌ها و رویکردهای دولت‌های پیشین و «گران‌سازی» زندگی در تهران متهم کرد. شهردار تهران در آن نشست خبری تاکید کرد: در ادوار پس از جنگ اگر بررسی انجام دهیم در دوره سازندگی با تورم سالانه ۲۲ درصد قیمت مسکن ۳.۹ برابر شده و یک میلیون و ۳۰۰ هزار واحد مسکونی به بازار عرضه شده است. البته از سال ۶۸ تا ۶۹ آماری وجود نداشته و این آمار مربوط به سال ۷۰ تا ۷۴ است. در دوره اصلاحات نیز تورم سالانه ۱۹ درصد قیمت مسکن ۳.۷ برابر رشد پیدا کرد و دو میلیون و ۱۰۰ واحد مسکونی عرضه شد و ۳۱۶ درصد رشد قیمت در این دوره را شاهد بودیم. وی افزود: در دولت آقای احمدی‌نژاد ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار واحد مسکونی عرضه شد و قیمت ۴.۷ برابر شد. این در حالی بود که تورم سالانه نیز ۲۵ درصد بود و در دولت تدبیر و امید هم با تورم سالانه ۳۳ درصد قیمت مسکن ۸.۷ برابر شده و بدترین وضعیت در ادوار دولت‌ها را شاهد بودیم به شکلی که ۶۹۰ درصد رشد قیمت داشته‌ایم. در انتهای این دوره قیمت مسکن به متری ۳۰ میلیون تومان رسید. در دولت اخیر نیز ۷۰ درصد رشد قیمت داریم که علت آن ادامه مسیر گذشته و استمرار رکود در این حوزه است.

جای خالی!!

از آنجا که مرکز پژوهش‌های مجلس مساله‌ای با این اهمیت را از قلم انداخته است، این سوال پیش می‌آید که واگذاری و انتقال دبیرخانه کمیسیون ماده ۵ به وزارت راه و شهرسازی منتفی شده است؟ به گزارش روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات زیربنایی این مرکز در گزارشی با عنوان «بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه: (۷۸) مدیریت شهری» تصریح کرده است که در میان انبوه اقداماتی که هر مجلس در دوره قانونی خود انجام می‌دهد، شاید بتوان بررسی و تصویب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور را مهم‌ترین آنها بر شمرد. برنامه‌های تاکتیکی که مهم‌ترین سند هم‌افزایی و هم‌گرایی برنامه‌های عملیاتی هستند و به عنوان مفصلی بین راهبردهای آرمانی اسناد فرادست و فنون پیاده‌شده در برنامه‌های کوتاه‌مدت نقش ایفا می‌کنند. همچنین اهمیت برنامه‌های توسعه به‌دلیل فراگیری و جامعیت موضوعی از یک‌سو و سنجش‌پذیری ماهوی آنها از سوی دیگر است. از این رو شایسته است برنامه‌های توسعه، تمامی حوزه‌های کاری را در همه انواع و سطوح حکمرانی در بر گرفته و برای تخمین تعالی آتی در هر یک از آنها، شاخص‌ها و معیارهای کیفی و کمّی تعریف شود که قابلیت محاسبه دارد. اکنون که برنامه هفتم توسعه در حالی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده که افزون بر ۲ سال از موعد تدوین و ارایه آن گذشته، اما همچنان سخنی از مباحث مربوط به مدیریت شهری در آن به چشم نمی‌خورد؛ این در شرایطی است که رویکرد صحیح به مقوله توسعه شهری همانا نگاهی راهبردی، جامع‌نگر، آمایشی و مکان‌محور با هدف مردمی‌سازی حکمرانی و سپردن امور محلی به مدیریت‌های محلی برای شکل دادن به بهترین روند توسعه ممکن است. از این رو در این نوشتار سعی شده است تا ضمن خوانش سیر احکام ارایه شده در برنامه‌های پیشین توسعه، ملاحظات و الزامات خط‌مشی گذاری در حوزه مدیریت شهری تبیین شده و در ادامه پیشنهادهایی برای نیل به وضعیت مطلوب ارایه گردد. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس می‌افزاید: با وجود چالش‌های عدیده در اداره شهرهای کشور و به‌هنگام نبودن قوانین و مقررات ملاک عمل، همچنان ضرورت و لزوم بازنگری اساسی در نظام مدیریت شهری محسوس نبوده و در دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی و همچنین روی کار آمدن دولت‌های متفاوت، با وجود اینکه مفاهیمی همچون مدیریت واحد شهری، مدیریت جامع شهری و مدیریت یکپارچه شهری مورد بحث قرار داشته و احکام مختلفی در این خصوص در برنامه‌های توسعه پیشین تبیین شده است؛ اما همچنان اصلاح جزئی ماده‌ها و تبصره‌ها و حتی بندهای قانون شهرداری، اصلاح مکرر قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و در دوره اخیر تنقیح و تنسیخ قوانین پیشین در دستور کار قرار گرفته است؛ در حالی که از رویکردهایی همچون بازنگری در جایگاه دولت و تحول ساختاری آن در ارتباط با مدیریت شهری، تبدیل شهرداری‌ها به یک نهاد فرابخشی، تقویت و توسعه شوراهای اسلامی شهر، افزایش نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و گسترش دایره فعالیت نهادهای محلی و تحصیل واقعی منابع پایدار درآمدی، چشم‌پوشی شده است. بر اساس این گزارش و با عنایت به اینکه شایسته است در راستای نیل به الگوی حکمروایی مطلوب شهری ضمن پرهیز از تکرار احکام پیشین که زمینه تحقق آنها با توجه به شرایط موجود فراهم نیست و از سوی دیگر برخی از تنگناها و مشکلات به سبب تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی و همچنین زیست‌محیطی از اهمیت بالاتری نسبت به گذشته برخوردار هستند، راهکارهایی در مقوله مصرف انرژی در ساختمان، توسعه فضای سبز و کمربند سبز، تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری و بهبود فرآیندهای ساخت‌وساز با ایجاد پنجره واحد صدور مجوزهای احداث و عرضه ساختمان و مسکن و تدقیق شرایط و مقررات اداری و استخدامی در راستای واگذاری بخشی از امور تصدی گری به شهرداری‌ها ارایه گردد.

ایرانشهر

پیش‌بینی تخریب ۶۰ درصد ساختمان‌ها با زلزله ۷ ریشتری

«تخریب ۶۰ درصد ساختمان‌های کشور با زلزله ۷ ریشتری» و «آسیب‌پذیری جدی بیش از ۲ میلیون واحد مسکونی و در معرض قرارگیری بیش از ۶ میلیون جمعیت در محدوده تهران-کرج» از جمله تازه‌ترین نتایج بررسی و مطالعات زلزله‌شناسی در کشور است. علی بیت‌الهی رییس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی خبر داده است که به‌طور متوسط در کشور با رخداد زلزله‌ای به بزرگی ۷ ریشتر حدود ۶۰ درصد ساختمان‌ها تخریب می‌شود. به گزارش تسنیم، رییس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی اظهار کرد: سناریوی زلزله‌ای به بزرگی ۷ ریشتر در مراکز استانی بر اساس اطلاعات آمار سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، مدل کاهیدگی دکتر قدرتی، روابط شکنندگی ناصراسدی و همکاران و زلزله‌های مرکز لرزه‌نگاری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران انجام شده است. وی افزود: در این ارزیابی پسلرزه‌ها از داده‌های اصلی حذف نشده‌اند. اثر ساختگاه به‌دلیل کمبود اطلاعات لحاظ نشده است، ساختمان‌های اسکلت‌دار بتنی و فولادی یکسان فرض شده است (به‌دلیل اختلاف ناچیز در fragility curves). لازم به‌ذکر و پر واضح است که برآوردها تقریبی و تخمینی و با هدف ارایه تصویری کلی از ابعاد حادثه در سناریوی بدتر برای هر کدام از مراکز استان‌هاست. وی بیان کرد: بدیهی است احتمالاً رخداد در نواحی مختلف یکسان نیست. اما برآورد حاضر با توجه به درصد آسیب‌پذیری‌ها، واحدهای فاقد اسکلت، جمعیت اطراف و مرکز زلزله فرضی با بزرگی ۷ و مواردی از این قبیل می‌تواند سیمای ملموس از ابعاد حادثه فرضی را در استان‌ها نشان دهد.

۱- محدوده تهران-کرج و اطراف آن، گستره‌ای با ریسک به‌مراتب بالاتر در پهنه ایران زمین است. برآورد اولیه خسارت برای زلزله ۷ در این محدوده نشان از آسیب‌پذیری جدی بیش از ۲ میلیون واحد مسکونی و در معرض قرارگیری بیش از ۶ میلیون جمعیت دارد. مجاورت این دو کلان شهر به هم، ابعاد ریسک را چند برابر سایر گستره‌های مراکز استانی دیگر کرده است.

۲- با توجه به آمار ۱۳۹۵ و تعداد واحدهای مسکونی فاقد اسکلت، درصد آسیب‌پذیری واحدهای مسکونی (با فرض وقوع زلزله با بزرگی ۷)، در شهرهای یزد و زاهدان بالای ۷۰ درصد و درصد آسیب‌پذیری واحدهای مسکونی کرج و تهران کمتر از سایر مراکز استانی است. هرچند که تعداد به‌مراتب بالای واحدهای مسکونی در این دو شهر (تهران و کرج و اطراف آن) ابعاد آسیب‌پذیری را بیشتر نشان می‌دهد.

۳- مراکز استانی تهران، کرج، مشهد، اصفهان و شیراز و اطراف آنها تعداد واحدهای مسکونی فاقد اسکلت بالاتری را نسبت به سایر نواحی دارند.

۴- نواحی تهران، کرج، اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز، جمعیت به‌مراتب بیشتری را در معرض خطر زلزله فرضی با بزرگی ۷ (در نقطه وسط مراکز استانی) خواهند داشت.

۵- این تحقیق، ۱۴ پارامتر در معرض ریسک از نوع جمعیتی و ساختمانی را مدنظر قرار داده که در این نوشتار به ۶ مورد آن اشاره شد.

۶- مولف برای برآورد تعداد ساختمان‌های آسیب‌دیده، به‌طور تقریبی، سه واحد مسکونی را یک ساختمان فرض کرده است.

۷- تلفات جانی زلزله‌ها در شب به‌طور تقریبی و میانگین ۳ برابر زلزله‌های روز است. مفهوم جمعیت در معرض خطر به‌معنی تلفات جانی زلزله‌ها نیست.

۸- آشنایی با ابعاد حادثه، الزاما باید منجر به اقدامات کاهش ریسک شود، علاوه بر آن آمادگی در حین رخداد و بعد آن نیز از دستاوردهای مهم سناریوهای مختلف زلزله خواهد بود.

۹- بر پایه این مطالعه، نشان داده می‌شود که به‌طور متوسط در کشور، با رخداد زلزله‌ای به بزرگی ۷ حدود ۶۰ ساختمان‌ها تخریب می‌شود.

فراخوان اتوبوس‌ها برای حضور در مرز مهران

رییس ستاد اربعین گفت: ۶۵۰ اتوبوس از استان‌های مختلف برای حضور در مرز مهران فراخوانده شدند. به گزارش، سیدمجید میراحمدی رییس ستاد مرکزی اربعین گفت: سال‌های گذشته وضعیت حاکم بر این پایانه مهران بسیار نامناسب بود به‌طوری که زائران تا ۱۵ ساعت هم در این مرز معطل می‌شدند که خوشبختانه این معضل برطرف شده است. رییس ستاد اربعین در ادامه تصریح کرد: با دستور معاون اول رییس جمهوری، فراخوان اتوبوس‌ها انجام شده و در حال ایجاد آمادگی برای بازگشت زائران خواهیم بود. این مقام مسوول تاکید کرد: موکب‌های ایرانی و عراقی در حال جمع‌آوری هستند و به همین دلیل پیش بینی می‌کنیم فردا بخش زیادی از زائرانی که هنوز در عراق هستند به کشور بازگردند. وی گفت: ۶۵۰ اتوبوس از استان‌های مختلف فراخوانده شدند که تا ساعاتی دیگر به مهران خواهند رسید ضمن اینکه ۷۰۰ اتوبوس ایرانی دیگر هم از خاک عراق به مهران باز می‌گردند و جای نگرانی نیست. میراحمدی در پایان افزود: از زائران می‌خواهیم صبور باشند و در صورت نیاز از امکانات و استراحتگاه‌های موجود در پایانه مرزی مهران استفاده کنند و مطمئن باشند در سریع‌ترین زمان ممکن به مقاصد خود اعزام خواهند شد. زائران برخی استان‌ها از جمله تهران، مازندران و آذربایجان شرقی در پایانه مهران معطل هستند، اما زائران بقیه استان‌ها طبق روال در حال تخلیه و اعزام هستند.

ادامه از صفحه اول

لزوم تحول و کارآمدسازی نظام اجرایی شهرداری تهران

محیط زیست (۱۵٪) پیش‌بینی شده است.
ولی آثار محسوسی از «خدمات مدیریت و هوشمندسازی شهری» با ۱۵ درصد از مخارج شهرداری که رقم قابل توجهی است، مشاهده نمی‌گردد.

۴.بودجه سازمان‌ها شرکت‌های تابعه

برای سال ۱۴۰۲، مجموع منابع و مصارف سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه در حدود ۶۳ هزار میلیارد تومان برآورد شده که بودجه مجموعه سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه بیش از ۷۰ درصد به منابع دریافتی از بودجه عمومی شهرداری است.
بودجه خالص منابع و مصارف سازمان‌ها و شرکتها در حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان (۲۰ درصد از کل بودجه شهرداری) برآورد شده است. هزینه‌های سنگینی برای شهر است.

۵.حقوق و دستمزد

در شهرداری تهران بالغ بر ۱۸ هزار نفر در مناطق ۲۲ گانه و بیش از ۵ هزار نفر در واحدهای ستادی اشتغال دارند.
بابت حقوق و مزایای کارکنان شهرداری ۲۰ هزار میلیارد تومان در سال پرداخت صورت می‌گیرد.
حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان به سازمان‌ها و شرکتهای تابعه و ۱۰ هزار میلیارد تومان باقیمانده به کارکنان شهرداری تهران (مناطق و واحدهای ستادی) تعلق می‌گیرد.
متوسط حقوق و مزایای مستمر و غیرمستمر هر یک از کارکنان خود در حدود ۳۷ میلیون تومان است که از متوسط شرکتهای دولتی نیز بیشتر است.
*بخش زیادی از خدمات شهرداری تهران، در قالب قراردادهای برون‌سپاری توسط شرکت‌های پیمانکاری صورت می‌گیرد و این بودجه زیاد بابت حقوق و دستمزد کارکنان شهرداری منطقی نیست.

۶.سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته

بیش از ۴۳ سازمان و شرکت وابسته به شهرداری تهران فعالیت دارند از جمله، سازمان مهندسی و عمران، سازمان زیباسازی، سازمان مدیریت پسماند، سازمان فرهنگی هنری، شرکت شهر سالم، سازمان ورزش، سازمان بوستان‌ها و فضای سبز، شرکت شهربان و حریم‌بان، سازمان عمرانی مناطق، سازمان نوسازی، سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی، شرکت همشهری، شرکت خاکریز آب، سازمان مشاور فنی و مهندسی، سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی، شرکت بهره‌برداری نمایشگاه‌های بین‌المللی شهر آفتاب، شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، شرکت پیام رسا، شرکت ارتباط مشترک شهر، شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر، شرکت خدمات اداری شهر، شرکت سرمایه‌گذاری شهر، موسسه فناوران شهر، شرکت یادمان سازه و.....
با توجه به حجم بالای قراردادهای برون سپاری خدمات در شهرداری، این تعداد شرکت و سازمان خیلی زیاد بوده و میزان کارآیی آنها مشخص نیست.
می‌توان با ادغام تعدادی از این شرکتها و سازمان‌ها با کاهش هزینه‌های جاری آنها، به سمت کوچک‌سازی و چابک‌سازی مدیریت شهری حرکت کرد.
شهریور ماه دومین سال فعالیت دکتر زاکانی به عنوان شهردار تهران بوده که انتظار می‌رود شورای شهر تهران، ارزیابی خود از عملکرد ایشان را به ۹ میلیون نفر مردم تهران گزارش دهد.
به‌لحاظ تبعات اقتصادی و اجتماعی بسیار زیاد عملکرد شهرداری تهران حتی در سطح ملی، با توجه به «ملاحظات» نظارتی شورای شهر تهران، لازم به‌نظر می‌رسد، نهادهای نظارتی کشور مستقلا این نهاد عمومی مهم را ارزیابی کرده و اطلاع‌رسانی عمومی کنند

بسیاری از فعالان بازار، شانس خرید ارز و واردات را از دست دادند

رکود در بازار موبایل

فعالان حوزه تلفن همراه معتقدند بازار موبایل بین چند شرکت خاص انحصاری شده است و این موضوع می‌تواند یکی از عوامل کم‌تحرکی و راکد بودن بازار موبایل باشد. به گفته آنها قانون سقف و سابقه نیز باعث تضعیف رقابت شده است و سبب می‌شود بازرگان کالایی غیر از موبایل هم وارد حوزه موبایل شود.
یکی از عواملی که بازار موبایل را در چند ماه اخیر به رکود و کاهش رقابت کشانده، قانون سقف و سابقه است که در سال جدید اجرایی شده. طبق این قانون، دولت به صورت دو ماه یک بار و به میزان یک‌ششم سقف واردات هر بازرگان در سال گذشته، تخصیص ارز انجام می‌دهد. به گفته دبیر انجمن واردکنندگان موبایل، این اقدام علاوه بر امکان مدیریت منابع ارزی، سبب می‌شود عملکرد شرکت‌ها در بازه‌های دو ماهه بهتر بررسی شود. اما عده‌ای از فعالان بازار اینگونه فکر نمی‌کنند؛ زیرا به اعتقاد آنها این قانون بازار را انحصاری و عرصه را برای شرکت‌های کوچک‌تر تنگ کرده است. بر اساس جزییات دستورالعمل جدید تهیه‌شده در دفتر تخصصی وزارت صمت، بانک مرکزی به صورت دو ماه یک بار و به میزان یک‌ششم سقف واردات هر فرد برای موبایل تخصیص ارز انجام می‌دهد؛ در صورتی که واردات به‌درستی انجام شده باشد امکان ثبت سفارش مجدد وجود دارد. در این خصوص پیمان وشکینی، یکی از فعالان حوزه فروش اینترنتی موبایل به پیوست درباره این قانون گفت: قانون سقف و سابقه برای واردکنندگانی که ناسالم کار می‌کردند محدودیت ایجاد کرده است. قبل از تدوین این قانون واردکنندگان بعد از ثبت سفارش، ۶ ماه فرصت داشتند تا کالایشان وارد شود، در این زمان بازرگان کسب‌وکار دیگری انجام می‌داد و سود خود را خارج از بازار موبایل دریافت می‌کرد. در نتیجه موبایل را در کشور با قیمت پایین‌تر می‌فروختند زیرا سودشان را در امور دیگر دریافت کرده بودند. به گفته وشکینی، در شرایط قبلی نظم بازار موبایل از بین می‌رفت. شرکت‌هایی که درست کار می‌کردند این موارد را به وجود نمی‌آوردند اما نمی‌توانستند با شرکت‌هایی که ناسالم کار می‌کردند رقابت کنند زیرا آن شرکت‌ها از خرید و فروش کالاهای دیگر با پول حواله موبایل، سود خود را دریافت می‌کردند در نتیجه اگر موبایل را ارزان هم می‌فروختند ضرری نمی‌کردند. آنها با این کار قیمت‌ها را در بازار می‌شکستند و سبب ضرر سایر واردکنندگان و دامپینگ می‌شدند.

شرکت‌های کوچک حذف می‌شوند

وشکینی توضیح داد: ایرادی که این قانون دارد این است که شرکت‌های کوچک که سقف و سابقه کمتری دارند از بازار حذف شدند. مثلاً این شرکت‌ها برای داشتن سقف و سابقه بازه زمانی طولانی را طی می‌کنند؛ حدود ۴۰ روز زمان می‌برد تا ارز تخصیص پیدا کند و بعد حدود ۴۰ روز زمان می‌برد تا بانک ارز بازرگان را بخرد، بعد از چند هفته ارز تحویل داده می‌شود. در این شرایط وقتی یک شرکت سقف سابقه‌اش پایین است، باید چند ماه بیکار باشد تا کالا به دستش برسد و دوباره بعد از چند ماه کالای جدید ثبت کند. با این اوصاف، هزینه‌های جاری شرکت‌های کوچک قابل جبران نیست. شاید با این قانون بانک مرکزی بتواند مدیریت بهتری روی منابع ارزی داشته باشد اما به دلیل تفاوت شرکت‌ها از نظر منابع مالی بسیاری از شرکت‌ها از بازار حذف می‌شوند و بازار در دست شرکت‌های محدودی می‌افتد. به گفته وشکینی اگر مبلغ سقف و سابقه برای شرکت‌ها تغییر کند، شاید بشود به این قانون نگاه منطقی‌تری داشت. وشکینی درباره چالش‌هایی که در این دوره در بازار موبایل دارند گفت: زمان تخصیص ارز به بازرگان تا دریافت ارز بسیار طولانی است. همچنین خیلی اوقات بانک‌ها توانایی تامین ارز بازرگان را ندارند و ما با کمبود ارز برای واردات مواجه هستیم. در این شرایط از مصرف‌کننده نیز انتظاری برای خرید موبایل نیست زیرا اگر در گذشته مصرف‌کننده یک سال در میان موبایلش را عوض می‌کرد، الان این زمان خیلی طولانی شده است و حتی اگر خراب شود هم ترجیح بر تعمیر است تا تعویض.

تقاضا کاهش پیدا کرده است

آرش مطبوع، مدیرعامل یکی از شرکت‌های فروش اینترنتی موبایل درباره کاهش تقاضای موبایل در بازار توضیح داد: تقاضا نسبت به سال گذشته حدود ۲۰ درصد کاهش پیدا کرده است. علل اصلی تغییر نکردن قیمت‌ها ۲ مورد است؛ اول اینکه قیمت ارزی که در اختیار بازرگانان قرار می‌گیرد گران‌تر از گذشته است؛ همچنین به دلیل کاهش تقاضا و رکود بازار، واردکنندگان سود را کاهش دادند. ارزی که قرار است در اختیار بازرگان برای واردات قرار بگیرد در هفته گذشته حدود پنج تا هفت درصد گران‌تر شده است و این باعث افزایش قیمت کالای نهایی برای مصرف‌کننده می‌شود. مطبوع تاکید کرد توزیع نامتوازن ارز در بین واردکنندگان سبب نوعی انحصار در بازار می‌شود این یعنی حدود ۸۰ درصد منابع ارزی کشور در اختیار ۲۰ درصد واردکنندگان تلفن همراه در کشور است؛ به همین دلیل بازار به سمت انحصار می‌رود که این انحصار هم توسط جریان‌های متولی قانون‌گذار به‌صورت هدایت‌شده پیش می‌رود. در حال حاضر بنا بر قانون یک‌ششم سقف و سابقه به جای اینکه شرایط واردات بهتر شود، انحصار بین ۲۰ درصد شرکت‌های واردکننده ایجاد شده و بازار در دست چند شرکت مشخص در چرخش است. تا پیش از این بازرگانان قادر به ثبت سفارش و در خواست ارز دقیقاً برابر با کل میزان سقف و سابقه خود بودند. این سهمیه نیز بر اساس رویه که میانگین دو سال واردات است تعیین می‌شود. به عنوان مثال، اگر برای یک شرکت ۱۰۰ میلیون دلار امکان واردات در نظر گرفته می‌شد، در اولین روز سال تمام این ۱۰۰ میلیون را ثبت سفارش می‌کرد. بر اساس قانونی که امسال تصویب شد، بازرگانان هر دو ماه یک بار می‌توانند به اندازه یک‌ششم واردات سال گذشته خود، ارز دریافت کنند. از ابتدای سال ۱۴۰۲، سقف تعیین‌شده هر بازرگان بر اساس سابقه واردات مشخص شده است؛ بر اساس جزییات دستورالعمل جدید تهیه‌شده در دفتر تخصصی وزارت صمت، از اول فروردین ۱۴۰۲، بانک مرکزی به صورت دو ماه یک بار و به میزان یک‌ششم سقف و سابقه واردات هر شرکت برای موبایل تخصیص ارز انجام داد؛ طبق این قانون، اگر بازرگان تعهدات خود را در قبال واردات انجام می‌داد و کالای مورد نظر را وارد می‌کرد و به فروش می‌رساند، امکان ثبت سفارش مجدد به وجود می‌آمد. مثلاً در گذشته اگر میزان ثبت و سابقه یک شرکت ۱۰۰ میلیون دلار بود، آن شرکت مجاز به ثبت سفارش کلیه آن ۱۰۰ میلیون دلار در یک مرحله بود. این موضوع باعث سوداگری، آشفتگی بازار موبایل و خارج شدن ارز از چرخه تامین مالی تلفن همراه می‌شد. بنابراین طبق قانون ثبت و سابقه واردات، فرایند خرید ارز مهلت ۳۰ روزه دارد و تا زمانی که بازرگان موفق به خرید ارز نشود، وارد بازه زمانی ۳۸ روزه تمدید ثبت سفارش و خرید ارز نمی‌شود. به گفته مطبوع، بیش از ۹۰ درصد فعالان بازار موبایل طبق شرایط ارز موفق به انجام این کار نشدند. مطبوع در رابطه با زمان تخصیص ارز در این قانون توضیح داد: انجام پروسه ۹۸ روزه واردات در قانون سقف سابقه در بازه ۶۰ روز نمی‌گنجد. در این شرایط، برگ برنده دست شرکت‌هایی است که بیشترین میزان واردات در سقف و سابقه را در سال گذشته داشتند زیرا به دلیل سفارش‌های انبوه و تامین ارز، شانس بیشتری در این بازه دوماهه داشتند.

بازار انحصاری موبایل

به گفته مطبوع، در این شرایط بسیاری از فعالان بازار شانس خرید ارز و واردات را از دست دادند و انحصار بین چند شرکتی که توانایی‌های مالی بسیار بیشتری با بانک‌ها داشتند ایجاد شد؛ همین موضوع باعث شده عرضه کالا بین چند شرکت باشد و سایر شرکت‌های کوچک متضرر یا حذف شوند. سردرگرمی‌ای که در نوسانات قیمت در بازار پیش می‌آمد باعث سردرگرمی مصرف‌کننده و انصراف از خرید می‌شد. مطبوع درباره قانون یک‌ششم سقف و سابقه گفت: قانون سقف و سابقه واردات به خودی خود بسیار کارساز و مثمرثمر خواهد بود به شرطی که زمان فرایند ثبت سفارش از یک ماه به دو روز و زمان تخصیص ارز برای بازرگان به کمتر از یک هفته و تمدید آن نیز به کمتر از یک ماه کاهش پیدا کند.

کاهش تقاضا از سمت مصرف‌کننده

در این خصوص مهدی عبقری دبیر انجمن واردکنندگان موبایل توضیح داد: نرخ ارز طی ۶ ماه گذشته یک نرخ ثابت در سامانه دوم داشت و ما تفاوت چشمگیری در افزایش قیمت ارز در کشور نداشتیم؛ از آنجا که ما با ارز غیررسمی کاری نداریم، تمرکزمان روی ارز رسمی است که بازرگان برای واردات کالا از آن استفاده می‌کند. عبقری درباره تاثیر تحریم‌ها بر تامین ارز گفت: در شرایط تحریم مشکلاتی در تامین ارز تالار دوم وجود دارد و فرایند دریافت ارز را زمان‌بر و طولانی کرده است اما در حال حاضر در بازار موبایل با کمبود کالا مواجه نیستیم و هیچ مشکلی برای تامین کالا نداریم زیرا رقابت بین واردکنندگان زیاد است و واردات موبایل تحت سیطره چند شرکت خاص نیست. او درباره برخی از مشکلات واردات اظهار داشت: مشکلی که در شرایط فعلی وجود دارد این است که با کمبود ارز از سمت دولت مواجه هستیم و همچنین افزایش زمان تخصیص ارز از ۳۸ به ۴۵ روز رسیده است که این روند واردات را سخت می‌کند. عبقری دلیل کم شدن تقاضا را کاهش توان خرید مردم به دلیل مسائل اقتصادی و نبود اولویت خرید موبایل دانست. او در همین باره گفت: مردم بیشتر دنبال تعویض یا ارتقای موبایل هستند نه خرید جدید. بیشترین زمان خرید موبایل، اوایل کرونا برای دانش‌آموزان بود. ما نمی‌توانیم انتظار بازار دوره کرونا را برای الان داشته باشیم. اگر دو سال گذشته شاهد بودیم که یک میلیون و ۲۰۰ هزار گوشی موبایل در ماه عرضه می‌شد، امروز این عدد به حدود ۷۰۰ هزار موبایل رسیده است.

دنیای فناوری

ضرر ۲۰۰ میلیارد دلاری اپل از ممنوعیت آیفون در چین

ارزش سهام اپل در معاملات روز پنجشنبه تحت تاثیر گزارش‌هایی مبنی بر گسترش ممنوعیت استفاده کارکنان دولت چین از آیفون، حدود چهار درصد سقوط کرد و مجموع کاهش ارزش بازار این شرکت در دو روز گذشته را به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار رساند.
به گزارش ایسنا، اپل که ارزشمندترین شرکت جهان است، روز چهارشنبه در بدترین افت یک روزه سهام، حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از ارزش بازار خود را از دست داد. ارزش سهام شرکت‌های تولیدکننده قراردادی اپل و شرکت‌هایی که در معرض آسیب در چین قرار دارند، نظیر براد کام، کوالکام و تگزاس اینسترامنت، بین ۱.۴ تا ۴.۷ درصد سقوط داشتند. افت ارزش سهام اپل روی سه شاخص اصلی بازار امریکا تاثیر گذاشت.
طبق گزارش رویترز، پکن در هفته‌های اخیر، به کارمندان چندین سازمان دولتی دستور داده است استفاده از آیفون اپل در محل کار را متوقف کنند. این اقدام، نگرانی‌ها نسبت به زیان مالی ناشی از تنش‌های رو به رشد میان واشنگتن و پکن را تشدید کرد. امریکا در سال‌های اخیر، دسترسی چین به فناوری‌های مهم نظیر تراشه‌های پیشرفته را محدود کرده است و پکن، به نوبه خود تلاش کرده است وابستگی به فناوری امریکایی را محدود کرده و واردات از شرکتهای امریکایی مانند بوئینگ را کاهش داده است. چندین تحلیلگر وال استریت اظهار کردند که محدودیتها برای آیفون، نشان می‌دهد که حتی شرکتی با روابط خوب با دولت چین و حضور پررنگ در دومین اقتصاد بزرگ جهان، از تنش‌های رو به رشد میان امریکا و چین، در امان نیست. اقدام پکن در شرایطی صورت می‌گیرد که اپل با کاهش فروش آیفون، دست و پنجه نرم می‌کند و چین، نقطه روشنی در درآمدهای سه ماهه این شرکت امریکایی بوده است. بر اساس گزارش رویترز، بعضی از تحلیلگران هشدار داده‌اند احتمال دارد فروش اپل به دلیل عرضه تلفن هوشمند جدید «میت ۶۰ پرو» هواوی آسیب ببیند. این گوشی مجهز به تراشه پیشرفته ساخته شرکت SMIC چین بوده و به منزله یک دستاورد برای این دو شرکت چینی است که هدف تحریم‌های امریکا قرار گرفته‌اند. این تحریم‌ها به فروش هواوی در بازار چین ضربه زده و به اپل اجازه داده است بخشی از سهم بازار این برند چینی را تصرف کند.

ادامه از صفحه اول

تناقض عدم تطابق هزینه‌ها با درآمدها

بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که تورم در ایران حداقل بین ۴۰ تا ۴۵ درصد باقی بماند. این روند در شرایطی که رشد اقتصادی پایداری در کشور وجود نداشته باشد، اقتصاد را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد. معنای این عدد و رقم‌ها آن است که هر ایرانی به نسبت سال قبل با کاهش ۴۰ درصدی درآمد ریالی خود مواجه می‌شود. پرسش اساسی این است که آیا دستمزدها در ایران با رشد ۴۰ درصدی تا ۴۵ درصدی مواجه شده‌اند؟ پاسخ منفی است، بنابراین هر سال خانواده‌های ایرانی در حال فقیرتر شدن هستند. از سوی دیگر افراد برخوردار هم در حال از دست دادن دارایی‌های خود هستند. تا زمانی که اقتصاد ایران رشد اقتصادی غیرنفتی ایجاد نکند و تلاشی برای رفع تحریم‌ها صورت نگیرد، روند رشد فقر افزایش می‌یابد. باید توجه داشت هر چند پیوستن ایران به بریکس و شانگهای و... خوشحال کننده است، اما این عضویت‌ها بدون رفع تحریم‌ها کمکی به اقتصاد ایران نمی‌کند. بدون رفع تحریم‌ها، شرایط اقتصادی ایران همین گونه خواهد بود. فقر گسترش می‌یابد، خرده سرمایه‌ها از میان می‌رود. پایه پولی کشور با رشد همراه می‌شود. تورم بیشتر شده و سیاست‌های دولت عقیم‌تر می‌شوند. همه این عوامل باعث می‌شود تا مشکلات خانواده‌های ایرانی بیشتر شود و شکاف عمیقی میان هزینه‌ها و درآمدهای خانواده‌ها شکل بگیرد. بنابراین دولت چاره‌ای ندارد جز اینکه یا اقدام به واقعی کردن دستمزدها کند یا اینکه روند پایان دادن به تحریم‌ها را تسریع بخشد.

حفاظت و صیانت از حریم لوله‌های اصلی انتقال گاز وظیفه ملی، دینی و اخلاقی ماست.
نوبت اول
شناسه آگهی: ۱۵۶۲۶۳۰
شرکت انتقال گاز ایران
منطقه چهار عملیات انتقال گاز
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای
۱- موضوع مناقصه: خرید ۸ قلم قطعه یدکی VIBRATION MONITORING SYSTEM "VIBROMETER" MODEL: VM600 -مربوط به تقاضای ۰۲۴۰۵۶۰
۲- مهلت دریافت اسناد مناقصه: از ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۸ لغایت ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ می باشد. مناقصه‌گران بایستی ظرف مهلت تعیین شده جهت دریافت اسناد و مدارک مربوطه صرفا به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
۳- تحویل پیشنهادها: پیشنهادها (اسناد مناقصه و کلیه مدارک)، بایستی از ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۸ لغایت ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، توسط مناقصه‌گران بارگذاری شوند.
۴- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت انتقال گاز ایران - منطقه چهار عملیات انتقال گاز به آدرس: مشهد، بلوار شاهنامه، شاهنامه ۳۵ (شهید شعبانی)، مجتمع شهید باقری
۵- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی و یا فیش نقدی واریزی به شماره حساب شبای IR۸۸۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۹۰۵۷۱۲۱۴۴۲۹ نزد بانک مرکزی ایران به نام شرکت انتقال گاز ایران - منطقه چهار عملیات انتقال گاز، به مبلغ ۹۱۲،۵۰۰،۰۰۰ ریال و یا بصورت یک یا ترکیبی از تضمین‌های مورد اشاره در آیین‌نامه تضمین در معاملات دولتی
۶- زمان و محل گشایش پاکات پیشنهاد مالی: پاکت های پیشنهاد قیمت در ساعت ۰۸:۳۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۹ در محل منطقه چهار عملیات انتقال گاز، به نشانی مشهد بولوار شاهنامه - شاهنامه ۳۵ (شهید شعبانی) - مجتمع شهید باقری، گشوده خواهند شد.
به منظور دسترسی به اطلاعات کلی مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۳۳۰۰۴۲۵۵-۳۳۰۰۴۲۵۰-۰۵۱ و شماره نمابر ۳۳۶۵۶۸۹۸-۰۵۱ (تایید نمابر ۳۳۰۰۴۱۱۸-۰۵۱) تماس حاصل نمایید. ضمنا متن کامل آگهی مناقصه در مهلت مقرر برای دریافت اسناد مناقصه، در سایت منطقه چهار عملیات انتقال گاز با آدرس district4.nigtc.ir برای عموم قابل دسترسی می‌باشد.
روابط عمومی منطقه چهار عملیات انتقال گاز

وزارت راه و شهرسازی
شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران (سهامی خاص)
آگهی مزایده شماره ۳۱۵/ن
شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به برگزاری مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir به شرح زیر اقدام نماید. مزایده گران موظفند برای شرکت در مزایده نسبت به ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مزایده از انتشار آگهی تا انتخاب برنده از طریق سایت مزبور انجام میگردد.
۱) **شماره مزایده :** ۳۱۵/ن
۲) **شرح موضوع مزایده :** اجاره محل بهره برداری از فضاهای تبلیغاتی ایستگاه راه آهن تهران و طول خط
۳) **مهلت خرید اسناد :** حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۶.
۴) **مهلت بارگذاری (در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت) و محل تحویل پیشنهاد :** حداکثر تا ساعت ۰۸:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ به نشانی میدان آرژانتین - ابتدای بزرگراه نلسون ماندلا - ساختمان شهدای معظم راه آهن - طبقه دوم شرقی - اداره کل تدارکات و پشتیبانی .
۵) **میزان سپرده شرکت در مزایده :** مبلغ (۱،۰۶۲،۰۰۰،۰۰۰) ریال
۶) ضمانتنامه های شرکت در فرآیند ارجاع کار میبایست سه/۳ ماه از تاریخ تحویل اسناد اعتبار داشته و برای مدت سه/۳ ماه نیز قابل تمدید باشد.
۷) **زمان تشکیل جلسه مزایده و قرائت پیشنهادها :** ساعت ۱۰:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ به نشانی فوق .
۸) ارائه پروانه معتبر تاسیس و فعالیت کانون آگهی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادره اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران و همچنین با توجه به نوع عملیاتی که در محیط سالنها و سکوهای ایستگاه انجام می پذیرد ، ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاران صادره وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی الزامی میباشد.
۹) فراخوان مزایده فوق از طریق پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http:/iets.mporg.ir اطلاع رسانی میگردد.
۱۰) هزینه دریافت اسناد مبلغ یک میلیون (۱،۰۰۰،۰۰۰) ریال به شماره شبا IR ۷۱۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۶۴۰۰۴۰۰۵۷۴۷ با شناسه واریز ۲۰۳۰۶۴۰۷۴۲۸۰۵۰۰۸۸۵۱۳۴۴۹۹۹۰۹۰۰۰ نزد خزانه بانک مرکزی بنام درآمد راه آهن قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی میباشد.
شایان ذکر است دریافت اسناد صرفاً میبایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) صورت پذیرد. در صورت بروز هرگونه مشکل و ابهام با شماره ۱۴۵۶ (پشتیبانی سامانه ستاد) تماس حاصل نمایند.
اداره کل تدارکات و پشتیبانی راه آهن ج.ا.ا.
م الف ۲۳۳۹ شناسه آگهی ۱۵۶۲۶۹۶

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران (سهامی خاص)
فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی شماره FBD-9705576
SUPERHAWSER ROPE
نوبت دوم
شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی خرید SUPERHAWSER ROPE به شماره FBD-9705576 را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد.
مناقصه گران تأیید شده در ارزیابی کیفی جهت حضور در سایر مراحل مناقصه می بایست نسبت به ارائه ضمانت نامه بانکي معتبر با مبلغ ۶،۰۲۵،۸۰۰،۰۰۰ ریال به حروف شش میلیارد و بیست و پنج میلیون و هشتصد هزار ریال یا فیش واریز نقدي به شماره شبا IR۰۲۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۴۹۵۵۲۱۳۱۰۶۹ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بابت وجوه ضمانت نامه ها بنام شرکت نفت فلات قاره ایران اقدام نمایند.
- تاریخ انتشار فراخوان در سامانه : ۱۴۰۲/۰۶/۱۱
- مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی : ۱۰ روز پس از ثبت فراخوان ارزیابی کیفی در سامانه ستاد
- مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی : ۲۰ روز پس از انجام مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد
کلیه موارد اطلاع رسانی مناقصه از جمله مواعید (تاریخ‌های سررسید مراحل مناقصه)، توسط سامانه ستاد انجام می شود و مناقصه گران موظفند نسبت به کنترل سامانه ستاد جهت اطلاع اقدام نمایند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: تهران- خیابان ولیعصر- نرسیده به تقاطع مدرس- خیابان شهید قریشی- خیابان خاکزاد- شماره ۱۲ تلفن: ۲۳۹۴۲۶۳۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :
مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ دفتر ثبت نام : ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۳۷۳۷
شناسه آگهی ۱۵۵۸۴۰۴
روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

رویداد

معاون اول رییس دولت در پی ایستایی بیش از ۲۵ هزار کانتینر در گمرکات دستور ویژه صادر کرد

ضرب‌الاجل برای ترخیص کالاهای دپویی

معاون اول رییس جمهور گفت: ایستایی کالاها در مبادی ورودی کشور هیچ گونه توجیهی ندارد و رسوب آنها در انبارهای گمرک را بیش از دوماه نباید تحمل کرد. در پی گزارشاتی درباره ایستایی بیش از ۲۵ هزار کانتینر حاوی کالاهای وارداتی مختلف در گمرکات شهید رجایی و شهید باهنر، محمد مخبر با همراهی وزیر جهاد کشاورزی، رییس کل گمرک ایران، استاندار هرمزگان، معاون وزیر صمت و برخی مدیران مربوطه در سفری چند ساعته عازم بندرعباس شد و با حضور در اسکله بندر شهید رجایی و بخش‌های مختلف گمرکات این بندرگاه، گزارش‌های واصله را از نزدیک مورد بررسی قرار داد. پس از این بازدید در جلسه‌ای با حضور مدیران استانی مشکلات و چالش‌های ارایه شده به صورت کارشناسی تجزیه و تحلیل شد و برخی پیشنهادات برای حل فوری آنها ارایه و مقرر گردید طی نشستی در هفته آتی نهایی شود. محمد مخبر در پایان این جلسه ضمن تشکر از زحمات مدیران میدانی، از وضعیت موجود و ایستایی این حجم از کالا در گمرکات ابراز نارضایتی کرد و خواستار تعیین تکلیف فوری اقلام موجود در انبارهای گمرک و اموال تملیکی شد وی اظهار داشت: ایستایی کالاها در مبادی ورودی کشور هیچ گونه توجیهی ندارد و رسوب آنها در انبارهای گمرک را بیش از دو ماه نباید تحمل کرد، لازم است ظرف سه الی چهار روز تمامی عوامل ایجاد وضعیت موجود، شناسایی و دسته‌بندی شده و برای رفع آنها تدبیر موثر اندیشیده شود. مخبر برخی مسائل را مشکلات فرایندی دانست که ناشی از پیچ و خم‌های اداری و تعلل دستگاه‌های اجرایی است و در این زمینه باید همه حوزه‌های مربوطه پای کار بیایند تا هم تسریع در کار صورت بگیرد و هم در صورت نیاز برخی آیین‌نامه‌ها و قوانین اصلاح شود.

وی با تاکید بر اینکه سقف پاسخگویی به استعلامات گمرک توسط دستگاه‌های اجرایی حداکثر باید هفت روز باشد، از رییس کل گمرک خواست تا ضمن برخورد مدیریتی با دستگاه‌هایی که بدون دلیل قاطع و فنی از این سقف زمانی عدول می‌کنند، گزارش آنها را به صورت هفتگی به دفتر معاون اول ارسال کند. وی همچنین با اشاره به اینکه گمرکات هرمزگان حدود ۳۰ درصد عملیات تجاری کشور را به خود اختصاص داده‌اند از رییس کل گمرک و استاندار هرمزگان خواست تا برنامه‌ریزی لازم را برای حضور دایم و مستمر نمایندگان دستگاه‌های اجرایی صدور مجوز نظیر سازمان استاندارد، غذا و دارو، حفظ نباتات، دامپزشکی و ... در محل گمرکات شهید رجایی و شهید باهنر انجام دهند. معاون اول رییس جمهور تعلل در ترخیص خطوط تولید، ماشین آلات و دستگاه‌های صنعتی و سرویس‌های حمل و نقل عمومی را که کشور شدیدا به آنها جهت رشد تولید و رفع مشکلات مردم نیازمند است، موجب ضرر و زیان عمومی دانست و ایجاد شرایط لازم برای تسریع در ترخیص یا حتی ترخیص موقت تا زمان طی تشریفات قانونی را خواستار شد. وی از رییس کل گمرک و استاندار هرمزگان خواست تا همه دستگاه‌های مربوطه را بسیج کرده و اینگونه کالاهای سرمایه‌ای و تولیدی را ظرف یک ماه ترخیص کنند. مخبر وضعیت انبارهای اموال تملیکی و سرعت بخشی به تعیین تکلیف اموال متروکه را نیازمند توجه ویژه دانست و در تماس تلفنی با رییس سازمان اموال تملیکی از وی خواست با هماهنگی مدیران مربوطه در استان هرچه زودتر مشکلات موجود را احصا کرده و برای رفع موانع موجود در این زمینه پیشنهادات و برنامه لازم را ارایه دهد. وی همچنین از مدیریت گمرکات هرمزگان خواست تا با اعلام یک اخطار ۱۵ روزه به تمامی صاحبان کالایی که بیش از دو ماه از تخلیه و ثبت اموال آنها گذشته، هرچه زودتر وضعیت کالاهای رسوبی را تعیین تکلیف کنند. معاون اول رییس جمهور همچنین در تماس تلفنی با وزیر بهداشت و رییس سازمان استاندارد به آنها در خصوص به درازا کشیدن صدور تاییدیه‌های قانونی برای ترخیص کالاهای رسیده به بندر تذکر داد و ایشان را به رسیدگی فوری این مشکل ملزم کرد. همچنین در این جلسه مقرر شد تا جهت پیشگیری از رسوب کالاها در انبارهای گمرک به دلیل تعرفه پایین انبارداری، پیشنهاد بازنگری تعرفه‌ها به صورت پلکانی هرچه سریع‌تر آماده و به ستاد تنظیم بازار ارایه شود. وزارت راه و شهرسازی هم مکلف شد برای یکپارچه‌سازی سامانه‌های الکترونیکی بین دستگاه‌های مختلف برای افزایش هماهنگی‌ها و تسریع در ترخیص کالاها اقدامات لازم را با همکاری دستگاه‌های مربوطه انجام دهد.

فرانسوی‌ها برمی‌گردند؟

۲۳ برند خودرویی در راه ایران

واردات خودروهای دست دوم با توجه به وضعیت حاکم بر بازار خودرو در دستور کار سیاست‌گذار قرار گرفت. این لیست شامل ۲۳ برند خودروی سواری و سه برند خودروی تجاری است. دو برند خودروساز فرانسوی نیز در لیست خودروهای سواری دست دوم که امکان ورود به کشور را پیدا می‌کنند، قرار داشتند. ورود محصولات دست دوم پژو-سیتروئن و رنو به بازار را می‌توان به نوعی عقب‌نشینی سیاست‌گذار خودرویی درباره بازگشت این دو برند خودروساز اروپایی به کشور قلمداد کرد.

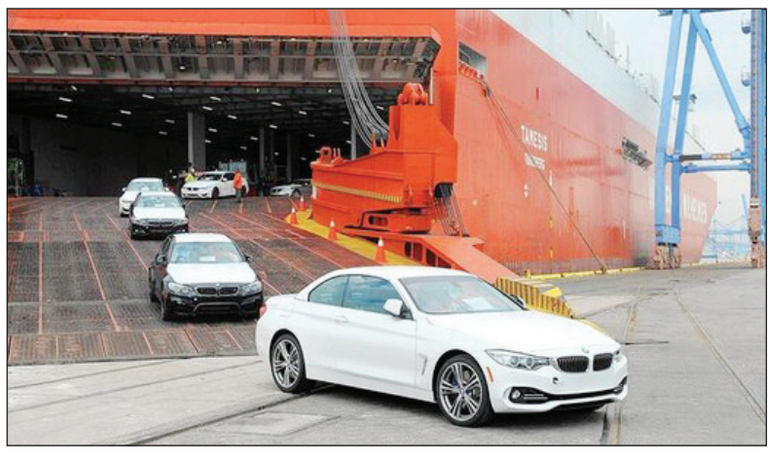

کدام برندها وارد ایران می‌شوند؟

سازمان ملی استاندارد ایران دستورالعمل واردات خودروهای دست دوم را با تصویب اولیه در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۴۰۲ منتشر کرد. ۲۳ برند خودرویی جهان این امکان را دارند تا محصولات دست دوم خود را به بازار ایران ارسال کنند. آن طور که شنیده می‌شود ۱۲ برند اروپایی، یک برند انگلیسی، هفت برند ژاپنی و سه برند کره‌ای توانسته‌اند مجوز ورود محصولات کارکرده خود به ایران را دریافت کنند. نکته قابل توجه حضور برندهای لوکس در لیست خودروهای دست دوم است که امکان ورود به بازار پیدا می‌کنند. «بنز، بی‌ام‌و، اشکودا، سئات، آئودی، فولکس واگن، فیات، مینی، اپل، ولوو، مازراتی، رنو و پژو» برندهای اروپایی و انگلیسی هستند که واردکنندگان می‌توانند محصولات تولید آنها را به بازار وارد کنند. ۷ برند ژاپنی نیز برندهای اروپایی را برای حضور در بازار ایران همراهی خواهند کرد. «تویوتا، نیسان، سوزوکی، هوندا، لکسوس، میتسوبیشی و مزدا» خودروسازان ژاپنی هستند که چندی بعد می‌توان محصولات دست دوم آنها را در بازار مشاهده کرد. سه خودروساز کره‌ای نیز مجوز واردات دست دوم را از سیاست‌گذار اخذ کردند. محصولات دست دوم «کیا، هیوندایی و سانگ یانگ» در منوی واردات خودروهای سواری کارکرده حضور دارند. نکته قابل توجه دیگر این است که برندهای چینی جایی در میان لیست خودروهای سواری دست دوم برای واردات ندارند. چنانچه واردات خودروهای دست دوم با توجه به برندهای نام برده شده نهایی شود، بعد از چند سال شاهد تنوع خوبی در بازار خودرو خواهیم بود. بازاری که طی پنج سال گذشته به دلیل بازگشت تحریم‌ها، خروج شرکای بین‌المللی خودروسازان و ممنوعیت واردات روزهای سختی را برای دو طرف عرضه و تقاضا در بازار رقم زد. مصرف‌کنندگان مجبور بودند از دامنه محدود موجود نسبت به انتخاب خودروی مورد نظر خود اقدام کنند. شرکت‌های خودروساز نیز برای ایجاد تنوع در سبد محصولاتی خود به دلیل خروج شرکای بین‌المللی با چالش‌های فراوانی روبرو بودند.

جزییات دستورالعمل واردات خودرو

طبق این دستورالعمل، وسایل نقلیه دست دوم وارداتی با یکی از شرایط زیر قابلیت ارزیابی و صدور تأیید شده پیدا خواهند کرد. الف) دارای گواهی صحه‌گذاری تأیید نوع صادره از سازمان طی پنج سال گذشته باشد. ب) از نمانام‌های معتبر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، انگلیس، ژاپن و کره جنوبی ذکر شده در کاربرگ «نمانام‌های معتبر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، انگلیس ژاپن یا کره جنوبی» به شماره مدرک ۴-۲۶۹/۱۵۲/د باشد. ج) دارای شماره تأیید نوع کلی خودرو (WVTA) مندرج بر روی پلاک شناسایی باشد. د) هر دستگاه دارای گواهی سازنده مبنی بر انطباق خودرو با ایمارک (COC) باشد. ه) هر دستگاه دارای گواهی GCC ارگان تأیید کننده خودرویی کشورهای حوزه خلیج فارس (GSO) باشد؛ و هر دستگاه دارای ارایه گواهینامه تأییدیه کشور چین CCC باشد. ز) هر دستگاه دارای گواهی تأییدیه کشورهای اتحادیه اوراسیا EAC باشد. علاوه بر این وسایل نقلیه دست دوم وارداتی که در کشور موجود باشد و در اختیار نهادها، سازمان‌ها، سفارتخانه‌ها، سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی دستگاه‌های دولتی قضایی و حاکمیتی قرار داشته و فاقد پلاک یا پلاک تردد عمومی هستند. ۱- واردکننده باید صحت مبدأ تولید و هر یک از موارد فوق را (حسب مورد) اظهار کند. ۲- وسیله نقلیه دست دوم وارداتی باید آماده استفاده عادی توسط کاربر باشد. ۳- متقاضی باید درخواست رسمی خود را برای دریافت تأییدیه به سازمان ارایه کند. ۴- سازمان می‌تواند رأساً یا از طریق شرکت(های) بازرسی برای بازرسی فیزیکی از وسایل نقلیه دست دوم وارداتی و بررسی عملکرد اجزا و قطعات مختلف آن طبق کاربرگ چک لیست بازرسی فیزیکی از وسیله نقلیه دست دوم وارداتی اقدام کند. ۵- در صورت تشخیص هیات نظارت به جای استفاده از کارشناس فنی استان و خدمات شرکت بازرسی کمیته بازرسی جهت انجام بازرسی فیزیکی از وسایل نقلیه دست دوم وارداتی و بررسی عملکرد سیستم‌ها و قطعات مختلف آن اقدام خواهد کرد. ۶- وسیله نقلیه دست دوم وارداتی نباید دارای یکی از عیوب ایمنی طبق کاربرگ «دسته‌بندی عیوب ایمنی، عملکردی و ظاهری» باشد. همچنین براساس این دستورالعمل، وسیله نقلیه دست دوم وارداتی دارای یکی از عیوب عملکردی طبق کاربرگ دسته‌بندی عیوب ایمنی، عملکردی و ظاهری بوده، به‌نحوی که رفع آن مستلزم تغییر و جایگزینی قطعه، سیستم یا مجموعه فنی مجزا باشد، باید قطعات اصلی تعویض شده و رفع عیب انجام شود. در صورتی که تعویض و اصلاح با قطعات غیر اصلی از قبیل اقدامات عرضه شده در خدمات پس از فروش انجام شود، باید قطعات تعویضی دارای استانداردها و الزامات تعیین شده باشد. مشخصات فنی و علائم ردیابی سیستم‌های اصلی وسیله نقلیه دست دوم وارداتی، درج شده بر روی بدنه خودرو یا پلاک‌های شناسایی نباید با اسناد فروش یا اسناد گمرکی مغایرت داشته باشد. چنانچه با توجه به نتایج بازرسی و اسناد وسیله نقلیه دست دوم وارداتی یا ویژگی‌های فنی درج شده در سامانه‌های رسمی خودروساز مشخص شود که قطعه سیستم یا مجموعه فنی مجزایی در خارج از شرکت سازنده وسیله نقلیه نصب شده یا به نحوی مشخصات آن تغییر یافته است باید از روی وسیله نقلیه باز شده یا به مشخصات اصلی سازنده برگردانده شود. البته برای واردات خودروهای کارکرده، باید مبلغی به عنوان عوارض گمرکی و مالیات پرداخت شود؛ این مبلغ بسته به نوع و ارزش خودرو متفاوت است. برای واردات خودروی کارکرده، باید بیمه بدنه خودرو نیز خریداری شود. همچنین برای واردات خودرو دست دوم، وارد کننده باید گواهینامه معتبر رانندگی داشته باشید.

فرانسوی‌ها برمی‌گردند؟

بعد از خروج دو برند فرانسوی به واسطه تحریم‌ها، مدیران ارشد صمت موضع تندی نسبت به پژو-سیتروئن و رنو اتخاذ کرده و اعلام کردند چنانچه روزی تحریم‌های صنعت خودرو لغو شود این دو خودروساز فرانسوی جایی در بازار ایران نخواهند داشت. بعد از روی کار آمدن دولت سیزدهم، اولین وزیر صمت نیز موضعی مشابه دولت دوازدهم درباره پژو-سیتروئن و رنو اتخاذ کرد. رضا فاطمی امین معتقد بود بعد از رفع تحریم‌ها دو خودروساز بزرگ کشور باید به دنبال شرکای جدید و جایگزین پژو-سیتروئن و رنو باشند. موضع دولت فعلی همچنین درباره واردات خودروی صفر کیلومتر این بود که محصولات ۲۰۲۳ پژو-سیتروئن و رنو جایی در بازار وارداتی‌ها ندارند. البته موضع وزیر صمت جدید درباره ورود دو برند خودروساز فرانسوی در بازار ایران مشخص نیست. اما این احتمال وجود دارد با توجه به اینکه سازمان ملی استاندارد مجوز واردات محصولات دست دوم این دو برند خودروساز اروپایی را صادر کرده است شاید در مواضع دیگر نیز تجدید نظری صورت گرفته باشد. این به آن معناست که شرکت‌های واردکننده نیز می‌توانند محصولات صفر کیلومتر آنها را به بازار تزریق کنند. چنانچه تحریم‌های صنعت خودرو نیز برداشته شود بار دیگر ایران خودرو و سایپا می‌توانند با خودروسازان فرانسوی همکاری کنند. تجربه حضور دو برند فرانسوی در بازار خودروی کشور نیز نشان می‌دهد که مشتریان از محصولات تولیدی آنها رضایت کامل داشته و همچنان متقاضیان برای خرید خودروهای صفر کیلومتر و دست دوم آنها در بازار صف می‌کشند. بنابراین چنانچه محصولات نو و دست دوم پژو-سیتروئن و رنو وارد بازار شوند، واردکنندگان با توجه به ذائقه مصرف‌کنندگان نگرانی بابت فروش خودروهای در اختیار خود نخواهند داشت.

شاخص مدیران خرید اقتصاد در مرداد به ۴۹،۹۷ رسید

هشدار تورم تولید کننده در فصل پاییز

آخرین گزارش از شاخص مدیران خرید (شامخ) از سقوط این شاخص به زیر رقم ۵۰ حکایت دارد. در این گزارش به‌واسطه تداوم مشکل تأمین مواد اولیه و رشد فزاینده قیمت آن، نسبت به رشد تورم تولید در ماه‌های آتی هشدار داده شده است. گزارش شامخ مرداد ۱۴۰۲ شامل دوره چهل و هفتم طرح شاخص مدیران خرید (PMI) کل اقتصاد و گزارش دوره پنجاه و نهم طرح شاخص مدیران خرید بخش صنعت بر مبنای اطلاعات حاصل از نظرسنجی از فعالان و بنگاه‌های اقتصادی توسط مرکز پژوهش‌های اتاق ایران منتشر شد. بر اساس آخرین نظرسنجی گردآوری شده، در مرداد ۱۴۰۲، شاخص ترکیبی مدیران خرید (تعدیل فصلی نشده) برای کل اقتصاد ایران برای چهارمین ماه پیاپی در روند کاهشی قرار داشته و به ۴۹،۹۷ رسیده که در مقایسه با تیرماه (۵۰،۶۳) اندکی کمتر است. این رقم، کمترین مقدار هفت ماه اخیر شامخ (به‌غیر از فروردین) محسوب می‌شود. طبق اطلاعات این گزارش، در مردادماه شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در مردادماه به کمترین مقدار هفت‌ماهه اخیر (به‌غیر از فروردین‌ماه) رسیده، شاخص موجودی مواد اولیه برای سومین ماه پیاپی کاهشی بوده و شاخص میزان فروش کالا و خدمات نیز برای دومین ماه پیاپی مقدار کمتر از ۵۰ را نشان می‌دهد. از نگاهی دیگر، در این ماه شاخص قیمت مواد اولیه برای چندمین ماه متوالی، مقدار بالاتر از ۷۰ را ثبت کرده و شاخص موجودی محصول نهایی در انبار نیز نسبت به تیرماه افزایش داشته است. در مجموع، بر اساس اطلاعات شامخ کل اقتصاد در مرداد ۱۴۰۲، می‌توان گفت که در شرایط فعلی، مشکل تأمین مواد اولیه و رشد فزاینده قیمت مواد اولیه طی ماه‌های گذشته، مساله مهم بخش تولید بوده و تداوم این شرایط می‌تواند در ماه‌های آینده روند افزایشی شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) را تشدید کند.

شاخص مدیران خرید ترکیبی کل اقتصاد

آخرین نظرسنجی گردآوری شده، نشان می‌دهد که شاخص ترکیبی مدیران خرید (تعدیل فصلی نشده) برای کل اقتصاد ایران در مردادماه ۴۹،۹۷ در مقایسه با تیرماه (۵۰،۶۳) اندکی کاهش یافته و برای چهارمین ماه پیاپی، روند کاهشی داشته و به کمترین مقدار هفت ماه اخیر (به‌غیر از فروردین) رسیده است. علیرغم افزایش شاخص میزان فعالیت کسب‌وکارها در مردادماه، کاهش شدید شاخص میزان سفارشات جدید در کاهش شاخص کل تأثیر گذار بوده است. بدیهی است پس از تعطیلات تابستانی برخی از شرکت‌ها در مردادماه، میزان خوش‌بینی نسبت به چشم‌انداز فعالیت‌ها برای شهریورماه بهتر شده است. شاخص میزان فعالیت‌های کسب‌وکارها در مردادماه با ثبت مقدار ۵۴،۶۰ در مقایسه با ماه قبل (۵۰،۹۷) افزایش داشته است. این در حالی است که شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان (۴۴،۸۴) کمترین مقدار هفت‌ماهه اخیر (به‌غیر از فروردین‌ماه) را به ثبت رسانده است. در نتیجه با توجه به پیشی گرفتن میزان فعالیت‌های کسب‌وکار از میزان سفارشات، عدم تعادل به وجود آمده در عرضه و تقاضا به‌صورت افزایش در موجودی انبار به‌ویژه در بخش صنعت گزارش شده است، به‌طوری که شاخص موجودی محصول در انبار یا کارهای معوق با عدد ۵۱،۰۱، دومین بیشترین مقدار خود را در ۱۰ ماه اخیر از آبان ۱۴۰۱ به ثبت رسانده است. در میان بخش‌های اقتصادی، تقاضای مشتریان در بخش‌های صنعت و خدمات کاهش داشته و در بخش تقاضای خارجی نیز شاخص میزان صادرات کالا یا خدمات با مقدار ۴۸،۸۹، برای دومین ماه پیاپی کاهشی بوده اگرچه شیب کاهش در مقایسه با ماه گذشته اندکی ملایم‌تر بوده است. بر همین اساس به دلیل کاهش در تقاضای داخلی و خارجی، شاخص میزان فروش با مقدار ۴۹،۱۳، برای دومین ماه پیاپی کاهش داشته است اما شدت کاهش در مقایسه با ماه گذشته کمتر است. در مردادماه شرکت‌ها همچنان در تأمین مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز خود با مشکل روبرو بوده‌اند به‌طوری که شاخص موجودی مواد اولیه و لوازم مورد نیاز (۴۷،۸۸) برای سومین ماه پیاپی کاهشی است، اگرچه شدت کاهش آن در مقایسه با تیرماه (۴۴،۵۶) کمتر بوده است. در همین حال، شاخص قیمت خرید مواد اولیه و لوازم مورد نیاز و تورم قیمت نهاده‌ها با شتاب کمتری افزایش داشته و به کمترین میزان ۱۱ ماه اخیر از مهرماه ۱۴۰۱ رسیده است، اما مشکلات مربوط به کمبود نقدینگی و عدم تخصیص ارز و تسهیلات از سوی بانک‌ها به همراه محدودیت‌های مربوط به واردات مواد اولیه و ترخیص کالا از گمرک، باعث شده تا علیرغم کاهش سرعت افزایش قیمت، شاخص موجودی مواد اولیه و لوازم مورد نیاز همچنان کاهشی باشد.

شاخص مدیران خرید در بخش صنعت

بر اساس داده‌های به دست آمده از بنگاه‌های بخش صنعت، شاخص مدیران خرید صنعت (تعدیل فصلی نشده) در مردادماه با ثبت عدد ۴۷،۷۲ برای چهارمین ماه پیاپی و با شدت بیشتری در مقایسه با ماه گذشته کاهش یافته است و کمترین میزان هفت‌ماهه اخیر را از دی‌ماه (به‌غیر از فروردین‌ماه) به ثبت رسانده است. در این ماه، مولفه‌های اصلی به‌جز میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی و سرعت انجام و تحویل سفارش، کمتر از ۵۰ گزارش شده‌اند. کاهش در شاخص صنعت و ایجاد شرایط رکودی عمدتاً به دلیل کاهش رشد میزان سفارشات است. افزایش قیمت خرید مواد اولیه طی ماه‌های گذشته و کمبود نقدینگی در بازار، کاهش شدید در تقاضای مشتریان و در پی آن رکود را به همراه داشته است به‌طوری که شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان ۴۳،۶۵ برای چهارمین ماه پیاپی کاهش داشته است و پایین‌ترین مقدار خود را طی ۱۲ ماه گذشته از مردادماه سال ۱۴۰۱ (به‌جز فروردین‌ماه) ثبت کرده است. در بخش تقاضای خارجی نیز، شاخص میزان صادرات (۴۶،۲۱) برای چهارمین ماه پیاپی کاهش داشته است و به‌غیر از فروردین‌ماه، کمترین مقدار ۷ ماهه خود را ثبت کرده است. بر اساس نظرات فعالان اقتصادی در برخی موارد بسته بودن مرز ایران و عراق در آستانه اربعین بر کاهش صادرات اثرگذار بوده است و از سوی دیگر نحوه رفع تعهدات ارزی باعث شده تا در مواردی که صادرات به کشورهای همسایه به‌صورت ریالی انجام می‌شود، صرفه اقتصادی نداشته باشد. شاخص مقدار تولید ۴۳،۸۷ برای چهارمین ماه پیاپی کاهش داشته است و در مردادماه کمترین مقدار خود را طی هفت‌ماهه اخیر (به‌جز فروردین) ثبت کرده است. علاوه بر کاهش شدید تقاضای مشتریان که بر افت تولید اثرگذار بوده است، قطعی مکرر برق، تعطیلات تابستانی کارخانه‌ها و کمبود مواد اولیه، کاهش تولید مردادماه را تشدید کرده‌اند.

ویژه

بهره‌برداری از دو طرح احداث نیروگاه مقیاس کوچک در استان فارس

طی مراسمی با حضور مهندس محمد حبیب آگهی معاون برنامه‌ریزی شرکت برق منطقه‌ای فارس، مهندس سیاوش چترسیماب مدیر دفتر خدمات مشترکین شرکت، دکتر محمد جواد عسگری نماینده شهرستان‌های داراب و زرین‌دشت در مجلس شورای اسلامی، بهمنی فرماندار زرین‌دشت و مسوولان محلی طرح دو نیروگاه دیزل ژنراتور رستاق در شهرستان داراب و مزایجان در شهرستان زرین دشت به بهره‌برداری رسید.

مهندس محمد حبیب آگهی معاون برنامه‌ریزی و تحقیقات برق منطقه‌ای فارس در این مراسم که همزمان با هفته دولت برگزار شد با برشمردن مزایای استفاده از نیروگاه‌های مقیاس کوچک در مناطق محروم افزود: از جمله مزایای این طرح رفع مشکل افت ولتاژ در این مناطق با توجه به مشکلات شبکه برق می‌باشد.

ایشان با اشاره به مشکل افت ولتاژ در این دو منطقه گفت: این طرح با اعتباری بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان اجرا شده است. وی اضافه کرد: با تلاش متخصصان شرکت برق منطقه‌ای فارس نصب، جانمایی و راه‌اندازی تجهیزات دو نیروگاه دیزلی رستاق و مزایجان در شهرستان‌های داراب و زرین دشت فارس به پایان رسید و برق مطمئن و پایدار در اختیار این شهروندان قرار گرفت.

ایشان با تشریح اقدامات انجام شده برای نصب دیزل ژنراتور در مناطق مذکور گفت: در یک کار جهادی با سرمایه‌گذاری شرکت فولاد پاسارگاد احداث این دو نیروگاه آغاز گردید و با توجه به مشکلات مردم در این مناطق طی ۴۵ روز کار خرید، نصب، تست و راه‌اندازی دستگاه‌ها و تجهیزات انجام شد که ثبت این رکورد در هیچ جای کشور سابقه نداشته است.

سیاوش چترسیماب مدیر دفتر خدمات مشترکین شرکت برق منطقه‌ای فارس و مجری طرح نیز با اشاره به شرایط اقلیمی منطقه و مشکلاتی که در سال‌های گذشته به وجود آمد، راه‌اندازی این دو نیروگاه دیزلی را فرصتی برای تامین برق پایدار و ترمیم مشکلات افت ولتاژ در مناطق رستاق داراب و مزایجان شهرستان زرین دشت دانست.

مدیر دفتر خدمات مشترکین شرکت برق منطقه‌ای فارس ادامه داد: در این نیروگاه‌ها، یک هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری انجام شده و با پیگیری‌های مستمر و همکاری‌های بین بخشی و تلاش‌های جهادی مهندسین و متخصصین شرکت برق منطقه‌ای فارس عملیات تعیین ساختگاه و انتقال تجهیزات آغاز و ظرف مدت بسیار کوتاهی تجهیزات نیروگاه در محل جانمایی، تخلیه و نصب گردید و امید می‌رود برق مطمئن و پایدار برای ساکنان این مناطق تامین گردد.

صالحی هماهنگ کننده نصب نیروگاه‌ها نیز آب و هوای گرم منطقه را از جمله شرایط سخت در انتقال این تجهیزات دانست و افزود: به رغم سختی کار و مسافت طولانی و گرمای شدید، همکاران برق منطقه‌ای فارس بصورت شبانه روزی برای نصب تجهیزات این دو نیروگاه تلاش کردند.

ایشان خاطرنشان کرد: برای تامین سوخت مورد نیاز هر دو نیروگاه و همچنین چگونگی فعالیت در روزهای اوج مصرف تابستانی همه تمهیدات اندیشیده شده که با برنامه‌ریزی مسوولان شرکت با موفقیت انجام شده است.

درادامه مراسم دکتر عسکری نماینده مردم داراب و زرین دشت در مجلس با تقدیر از خدمات برق منطقه‌ای فارس بر لزوم تامین زیر ساخت‌ها برای توسعه صنعتی منطقه با تامین برق پایدار تاکید کرد.

بهمنی فرماندار زرین دشت نیز از خدمات شرکت برق منطقه‌ای فارس در بهبود تامین برق و کاهش خاموشی و افت ولتاژ روستای مزایجان تقدیر کرد. افتتاح و بهره‌برداری از این دو طرح نیروگاهی در مراسم جداگانه‌ای با حضور مسوولان محلی در بخش رستاق شهرستان داراب و مزایجان شهرستان زرین دشت برگزار گردید.

آگهی مناقصه شماره ۱۴۰۲/۲۸

وزارت نیرو
شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان

نوبت دوم
شناسه آگهی: ۱۵۶۱۹۳۷

مناقصه‌گزار: شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان
نوع مناقصه: عمومی یک مرحله‌ای
موضوع مناقصه: خرید سیم محافظ حاوی فیبر نوری (OPGW) مورد نیاز پروژه ۲۳۰ کیلوولت دشتک
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۵/۰۴۸/۰۴۶/۰۰۰ ریال (ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار می‌بایست دارای ۳ ماه اعتبار از آخرین مهلت تحویل پاکات و همچنین قابلیت تمدید به مدت ۳ ماه دیگر باشد.)
تاریخ دریافت اسناد مناقصه: از ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۶/۸ لغایت ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۸
نحوه دریافت اسناد مناقصه: مراجعه به صفحه اعلان عمومی سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس setadiran.ir
تاریخ تحویل پاکات مناقصه: حداکثر تا ساعت ۸:۳۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۶/۲۹
تاریخ و محل بازگشایی پاکات مناقصه: راس ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۶/۲۹ -امور تدارکات و قراردادهای شرکت برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان
نحوه تحویل پاکات مناقصه: پاکات مناقصه که توسط مناقصه‌گر تهیه می‌شود می‌بایست به دو شکل تحویل شود:
۱-بارگذاری پاکات (پاکت الف، پاکت ب و پاکت ج) به صورت الکترونیکی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مطابق با زمانبندی.
۲-تحویل فیزیکی فقط پاکت (الف) مناقصه مطابق با زمانبندی به آدرس زاهدان، حدفاصل دانشگاه ۳۷ و ۳۹، دبیرخانه شرکت برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان، تلفن: ۰۵۴۳۱۱۳۷۰۵۶
تحویل پاکات به هر دو روش الزامیست.
مدت تحویل کالا: ۳ (سه) ماه شمسی
شروط لازم جهت شرکت در مناقصه:
-پروانه بهره‌برداری (مناقصه‌گر می‌بایست تولیدکننده کالای موضوع مناقصه باشد) و تایپ تست معتبر به شرح مندرج در اسناد مناقصه
عدم ارایه مدارک مذکور در پاکت (ب) الکترونیکی منجر به رد پیشنهاد مناقصه‌گر خواهد شد.
م الف ۷۶۵

روابط عمومی
شرکت برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای علی قناد برابر وکالتنامه شماره ۱۱۳۷۹۲-۱۴۰۲/۰۵/۰۳ دفترخانه ۶۱ مشهد از طرف آقای حمزه بقراطی به استناد دو برگ استشهادیه گواهی امضاء شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند پلاک ۲۷۶۲۸ فرعی از ۱۸۴ اصلی بخش ۱۰ مشهد به علت جابجایی مفقود گردیده است. با بررسی سیستم جامع املاک معلوم شد ششدانگ عرصه و اعیان سند مالکیت یک باب آپارتمان با شماره دفتر الکترونیک ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۴۰۰۷۱۳۵ به نام موکل وی ثبت و سند مالکیت تک برگ بشماره ۱۶۳۳۳۶ ب ۹۵ صادر و تسلیم شده است. سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد.
لذا به استناد مفاد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد. بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م الف ۲۷۱۰

هادی ریحانی - رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم منیره حسین آبادی به استناد دو برگ استشهادیه گواهی امضاء شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند پلاک ۷۷ فرعی از ۴۷ اصلی بخش ۱۰ مشهد به علت اسباب کشی مفقود شده و لذا با بررسی سیستم جامع املاک و پرونده الکترونیک معلوم گردید مالکیت خانم منیره حسین آبادی فرزند محمد به عنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۷۲۵ تاریخ ۱۳۸۷/۰۴/۲۸ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۱۰۷۸۱ ذیل صفحه ۲۳۴ و دفتر ۱۶۰۵ ثبت و سند مالکیت صادر و تحویل شده است سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد.
لذا به استناد مفاد ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م الف ۲۷۰۹

بشیر پاشایی - رییس ثبت اسناد و املاک منطقه دو مشهد

تعادل

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR | شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ | ۲۳ صفر ۱۴۴۵ | سال دهم | شماره ۲۵۸۱ | Sat. Sep 9. 2023

صاحب امتیاز: موسسه رسانه نگاران خوب اندیش
مدیر مسوول: حجت طهماسبی
سردبیر: حجت طهماسبی
نشانی: خیابان ستارخان - خیابان کوثر دوم - بن بست مینو
تلفن: ۶۶۴۲۰۷۶۹ - نمابر: ۶۶۴۲۰۴۱۷
چاپ: همشهری ۲ - توزیع: نشر گستر امروز - تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
سازمان شهرستان‌ها: ۶۶۱۲۶۰۸۸
اذان ظهر: ۱۲:۰۲ | اذان مغرب: ۱۸:۳۹ | اذان صبح فردا: ۰۴:۱۷
info@taadolnewspaper.ir
مرامنامه اخلاقی روزنامه تعادل در وبسایت رسمی روزنامه در دسترس است

خبر روز

کرونا هنوز تهدیدی برای بهداشت عمومی است

سازمان جهانی بهداشت (WHO) تاکید کرد: کووید ۱۹ همچنان تهدیدی برای بهداشتی عمومی در سطح جهانی است. این سازمان اخیرا زیرسویه امیکرون موسوم به EG.5 (اریس) را به عنوان «سویه مورد توجه» در نظر گرفته و سایر سویه‌های تحت نظارت دقیق را نیز در این فهرست قرار داده است. این اقدام، یادآوری آشکاری از این واقعیت است که کرونا، یک تهدید ماندگار برای سلامت عمومی است. تدروس آدهانوم قبریسوس، دبیر کل سازمان جهانی بهداشت در همین رابطه از افزایش مبتلایان به زیرسویه EG.5 در برخی کشورها خبر داده است. دبیر کل سازمان جهانی بهداشت هشدار داد: افزایش موارد ابتلا به کووید ۱۹ قبل از فصل زمستان در نیمکره شمالی، افزایش فوتی‌ها در برخی مناطق آسیا و خاورمیانه و همچنین افزایش بستری‌ها در اروپا طی هفته‌های اخیر گزارش شده است.

مردم کجای محاسبات دولت برای کاهش نرخ تورم ایستاده‌اند؟

از خط فقر تا سبد معیشت؛ وقتی تورم کمرشکن می‌شود

فرار از واقعیت یا پنهان کردن آن

گزارش

گلی ماندگار | در مرداد امسال، تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور ۳۹،۸ درصد بوده است؛ همچنین در مرداد، شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به عدد ۱۹۷،۷ رسیده است که نسبت به ماه قبل ۲.۴ درصد افزایش دارد و نسبت به ماه مشابه سال قبل نیز ۳۹.۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. همچنین تورم در ۱۲ ماهه منتهی به مرداد امسال نسبت به دوره مشابه سال قبل ۴۶.۷ درصد افزایش داشته است.

این در حالی است که مرکز آمار بر خلاف همیشه تمام تلاش خود را به کار گرفت تا روند تورمی کشور را نزولی نشان دهد اما واقعیتی که در جریان بود چیز دیگری را به ما نشان می‌داد. در واقع گرانی اقلام خوراکی حتی در دومین ماه تابستان هم از ماه اول بیشتر بود. در مرداد ماه ۱۴۰۲، تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۲،۴ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۲.۶ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۲.۴ درصد بوده است. نرخ تورم سالانه کشور در مرداد ماه ۱۴۰۲، برابر ۴۶،۷ درصد است که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۴۶.۴ درصد برای دهک نهم تا ۴۸.۲ درصد برای دهک اول است.

اما مساله اینجاست که این اعداد و ارقامی که به صورت رسمی اعلام می‌شوند دیگر رنگ بوی واقعیت جاری در جامعه را ندارند. چرا که از یک سو با مسوولان سعی می‌کنند وضعیت را به گونه‌ای نشان بدهند که روند تورمی بازار رو به کاهش داشته باشد اما از سوی دیگر اگر بخواهیم با یک حساب سرانگشتی و بدون واعداد و ارقام اعشاری و اصطلاحات اقتصادی واقعیت حاکم بر سبد معیشت خانوار را بررسی کنیم می‌بینیم که افزایش هزینه‌ها خیلی بیشتر از ۴۸ درصد بوده و گاهی اقلام خوراکی تا ۷۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند و این یعنی هر روز بیشتر از روز قبل مردم برای تامین معیشت خود با مشکل مواجه بوده‌اند.

از ادعای دولتمردان تا توانایی خرید مردم

طی ماه‌های گذشته هر چه خبر درباره مشکلات معیشتی بود به یک‌باره تبدیل به اخباری از کاهش قیمت‌ها شدند. حتی در این بین مسوولان برای اینکه گناه تورم را به گردن یکدیگر بیندازند از هیچ کوششی فروگذار نکردند. در این بین مردم بودند که زیر بار سنگین معیشتی هر روز بیشتر از روز قبل کمر خم کردند و سفره‌هایشان کوچک و کوچک‌تر شد.

بنفشه مراد خانی کارشناس اقتصادی در این باره به «تعادل» می‌گوید: ما هر روز اخباری از کاهش قیمت مسکن، مواد غذایی و... را می‌شنویم اما وقتی با واقعیت جاری در جامعه مواجه می‌شویم این اخبار عینیت پیدا نمی‌کنند. مساله اینجاست که با آمارسازی نمی‌توان تورم را کنترل یا مهار کرد. مساله مهم نظارت است که متاسفانه به خوبی صورت نمی‌گیرد. قیمت‌های دستوری نمی‌توانند مشکلات را حل کنند. در واقع این نظارت بر بازار است که قیمت‌ها را کنترل می‌کند. شما وقتی از یک محله تهران به محله دیگر می‌روید حتی قیمت پیش پاافتاده‌ترین مایحتاج زندگی هم با هم فرق دارد. مساله اینجاست که چرا این همه تفاوت قیمت باید برای یک کالا در جای جای شهر وجود داشته باشد.

او می‌افزاید: از سوی دیگر دولت نمی‌تواند با شعار تورم را کنترل کند. متاسفانه این روزها وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم به گونه‌ای نیست که این شعارها و وعده‌ها حریف وضعیت بغرنج کنونی شوند. یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد که تورم به صورت ماهیانه در حال افزایش است.

سبد معیشت ۲۳ میلیونی و ادعای دولتمردان

کافی است نگاهی به لیست مایحتاج روزانه مردم بیندازیم. قیمت‌ها را با هم جمع کرده و در نهایت با اجاره‌بها مسکن یک کاسه کنیم آن وقت می‌بینیم که یک خانواده ۴ نفره در تهران باید حداقل دریافتی‌اش بیش از ۲۳ میلیون تومان باشد تا بتواند از پس هزینه‌های یک ماه زندگی در این کلانشهر بر بیاید. مجتبی حسن وند، کارشناس بازار در این باره به «تعادل» می‌گوید: نمی‌توانیم با اعداد و ارقام بازی کنیم و توقع داشته باشیم در این بین تورم کاهش پیدا کند. واقعیت با آنچه مسوولان فکر می‌کنند به صورت دستوری می‌توانند آن را کنترل کنند بسیار متفاوت است. در حال حاضر مساله فقط نرخ تورم در تهران نیست در اکثر شهرهای دیگر مانند اصفهان، مشهد، شیراز، رشت و... نیز بسیاری از مردم برای اینکه بتوانند از پس هزینه‌های زندگی بر بیایند به حاشیه شهرها نقل مکان کرده‌اند. وضعیت بازار مسکن بسیار نگران کننده است. افزایش حاشیه‌نشینی از یک طرف می‌تواند خطر آفرین باشد و از سوی دیگر نظم زندگی در شهرهای بزرگ را بر هم می‌زند. او می‌افزاید: ما وقتی از تورم صحبت می‌کنیم در واقع داریم از سبد معیشتی می‌گوییم که هر روز کوچک‌تر می‌شود و مردمی که هر روز فقیرتر می‌شوند و این وضعیت نمی‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد. آمارسازی و ارایه آمارهای دلگرم کننده تنها راه حل رفع مشکلات معیشتی نیست. این کارشناس بازار می‌گوید: متاسفانه حرف و عمل دولتمردان با هم سازگاری ندارد. وعده‌هایی که به مردم می‌دهند با اقدامات که صورت می‌گیرد همخوان نیست و همین مساله باعث شده تا هم مردم سرگردان شوند و هم کنترل تورم از توان دولت خارج شود. وقتی وزیر اقتصاد می‌گوید «دولت موتورهای تورمی را خاموش کرد» باید برای این ادعای خود سند و مدرک مستدل داشته باشد. کدام موتور تورمی خاموش شده است؟ در حالی که همه قیمت‌ها روزانه و هفتگی و ماهانه در حال افزایش هستند. مساله اینجاست که قشر عظیمی از مردم توان خرید خود را از دست داده‌اند و در این بین مسوولان از وفور اقلام معیشتی دم می‌زنند. وقتی وفور باشد و قدرت خرید نباشد چه فرقی به حال مردم می‌کند؟

شما مگر وعده کنترل تورم نداده بودید؟!

فرامرز توفیقی (فعال کارگری) در این رابطه به ایلنا می‌گوید: ماه‌هاست تبعات گرانی کالاهای اساسی زندگی، منجر به کاهش قدرت خرید و رکود در بازار شده؛ اگر تورم روی رقم‌های بالا تا حدودی تثبیت شده، نتیجه ناتوانی مردم است، همین امروز گوشت ۵۰۰ هزار تومانی فروش نمی‌رود و در نتیجه آن دام زنده به خارج از کشور می‌رود تا فاسد نشود. کاهش شیبِ نمودارِ افزایش تورم، ناشی از کاهش قدرت خرید و روی آوردن مصرف‌کننده به مواد جایگزین بی کیفیت است؛ وقتی عرضه و تقاضا به هم می‌خورد و تقاضایی نیست، تولیدکننده مجبور است قیمت‌ها را تا حدودی تعدیل کند، این به معنای کاهش تورم نیست.

او ادامه می‌دهد: در هفته‌های گذشته، حذف دلار دولتی واردات گوشت از سوی دولتمردان تکذیب شد اما می‌بینیم گوشت منجمد کیلویی ۴۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد پس نتیجه می‌گیریم دلار دولتی گوشت برداشته شده. تورم بطئی و خزنده در تمام سطوح جریان دارد و به پیش می‌تازد.

سبد معیشت حداقلی ۱۹ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان

در این شرایط سبد معیشت به چه نرخی رسیده است؛ توفیقی با استناد به فرمول‌های علمی و قابل استناد براساس جدول خوراکی‌های مورد نیاز خانوار متوسط ۳.۳ نفره می‌گوید: سبد معیشت حداقلی در کمترین حالت و با در نظر گرفتن حداقلی‌ترین معیارها، به ۱۹ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان رسیده است؛ این نرخ با اعمال یک ضریب به سادگی به دست آمده اما اگر هزینه مسکن را به دقت در نظر بگیریم و وزن مسکن را در محاسبه دخیل کنیم، سبد معیشت در تهران بیش از ۲۳ میلیون تومان و در کلانشهرهای صنعتی مثل مشهد، اصفهان و تبریز، بین ۲۰ تا ۲۲ میلیون تومان است.

ادعاهای غیرواقعی مسوولان

در این شرایط، ادعای پوشش ۶۹ درصدی سبد معیشت توسط دستمزد که معاون روابط کار وزیر کار مطرح کرده، تطابقی با واقعیت زندگی کارگران ندارد. کافی است این مقام مسوول گشتی در شهر بزند تا متوجه شود که دستمزد کارگران حداقل در تهران هرگز نمی‌تواند ۶۹ درصد سبد معیشت آنها را پوشش بدهد. حالا دیگر در تهران شما نمی‌توانید یک خانه ۵۰ متری یک خوابه را با کمتر ۱ میلیون تومان اجاره و پرداخت پول پیش بیش از ۴۰۰ میلیون تومان بگیرید در این وضعیت چطور ممکن است یک کارگر بتواند با درآمد خود ۶۹ درصد هزینه‌هایش را پوشش بدهد.

مساله مهم دیگر این است که حالا تورم به شهرهای کوچک‌تر هم رسیده دیگر زندگی برای افرادی که تا همین چند سال پیش در شهرهای زادگاه خود فارغ از مشکلات اقتصادی و معیشتی روزگار می‌گذراندند هم سخت و طاقت‌فرسا شده است. بسیاری از مردم مجبورند برای تامین حداقل‌های زندگی به حاشیه شهرها پناه ببرند و بسیاری دیگر در شیفت‌های متعدد کار کنند و در این بین مسوولان سعی دارند گناه این همه گرانی را به گردن هم بیندازند و از اعداد و ارقامی رونمایی کنند که هیچ سنخیت با زندگی واقعی این روزهای مردم ندارد. وقتی قرار است یک پنیر را با قیمت ۵۹ هزار تومان یک سطل ماست را با قیمت ۹۹ هزار تومان یک تن ماهی را با قیمت ۹۵ هزار تومان و هر دانه تخم‌مرغ را با قیمت ۳ هزار و ۵۰۰ تومان تهیه کنند دیگر کسی نمی‌تواند در مقابل آنها دم از کاهش تورم بزند. این هزینه‌های کمرشکن در زندگی واقعی مردم جریان دارند.

روی خط خبر

۸۰ درصد تماس گیرندگان با خط ملی اعتیاد، زنان هستند

رییس گروه پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی کشور گفت: حدود ۸۰ درصد تماس گیرندگان با خط ملی اعتیاد به شماره ۰۹۶۲۸، بانوانی هستند که در بین آنها افرادی وجود دارند که مصرف‌کننده مواد هستند. ماریت قازاریان افزود: این زنان در تماس با خط ملی اعتیاد، راهنمایی‌های لازم را دریافت می‌کنند و از ابتدای امسال تاکنون، به‌طور میانگین ماهانه حدود ۲۵ هزار نفر با این سامانه تماس گرفتند. او یادآوری کرد: شماره ۰۹۶۲۸، خطی برای راهنمایی در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاد است و اگر کسی نیاز به درمان یا سئوالاتی درباره انواع درمان داشته باشند یا حتی اگر بخواهد به مراکز درمانی مراجعه کند، نشانی کلینیک یا مراکز درمان اعتیاد که مجوز معتبر داشته باشد را به آنها

می‌دهیم. او درباره افرادی که با خط ملی اعتیاد تماس می‌گیرند، اضافه کرد: ممکن است کسی در خانواده فرد معتاد داشته باشد و بپرسد که چطور می‌توانم او را برای درمان راضی کنم و خط ملی اعتیاد از این دست راهنمایی‌ها ارایه می‌دهد.

رییس گروه پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی کشور تاکید کرد: سامانه خط ملی اعتیاد این امکان را دارد که علاوه بر راهنمایی‌های مربوط به پیشگیری و درمان، در صورت لزوم ارجاع بیمار به مراکز معتبر را انجام می‌دهد و در این زمینه بانک اطلاعات مراکز درمان سراسر کشور را داریم که در اختیار متقاضیان گذاشته می‌شود. قازاریان اظهار کرد: افرادی که با خط ملی اعتیاد تماس می‌گیرند، فقط افراد معتاد نیستند بلکه ممکن است افرادی دیگر، سئوالی راجع به مواد مخدر داشته باشند یا کودکی دارند که مدرسه می‌رود و در زمینه امور پیشگیرانه نیازمند راهنمایی باشند که عمدتا مادران و همسران به دلیل نگرانی و دغدغه‌هایی که دارند، بیشترین تماس گیرندگان با سامانه یاد شده، هستند.

ادامه از صفحه اول

نهادهای کارگری قدرت چانه‌زنی ندارند

دولت قبل از هرچیز باید نهادهای کارگری را به رسمیت بشناسد با آنها همکاری کرده، مشورت‌های آنها در حوزه روابط کار را شنیده و لحاظ کند و نهایتا به سمت تعامل حرکت کند. موضوع سوم که از ضعف‌های جدی تعیین دستمزدها در ایران بوده و مطالبه‌گری کارگران را تحت‌الشعاع قرار داده است، ضعف نهادهای کارگری در ایران است. نهادهای کارگری در ایران قدرت لازم برای پیگیری امور کارگران را نداشته و قلعه‌های پوشالی هستند. این نهادها نمی‌توانند به عنوان پشتوانه مطمئن و درست برای کارگران عمل کنند. در واقع ستون‌های سازمان‌های کارگری در ایران کاغذی است و جز شکل و صورت ظاهری، بنیان و اساس درستی ندارند و کارگران نمی‌توانند روی آنها تکیه کنند. وقتی این ستون‌های کاغذی حمایت جامعه کارگری را پشت خود ندارند، قطعا نباید انتظار داشت که این نهادها مشکلات جامعه کارگری را نمایندگی کرده، حل کند و به عنوان نماینده آنها وارد عمل شوند.

■ اما چرا کارگران از این تشکل‌های کارگری دفاع نمی‌کنند؟

تشکل‌های کارگری در جهان، بر اساس ارزیابی‌های همه کارشناسان ذیل تشکل‌های زرد در دنیا به شمار می‌روند. دلیل این امر هم علاوه بر ناتوانی این تشکل‌ها، ناشی از وابستگی آنها به دولت، حاکمیت و جریانات قدرت است. در ایران هم این ضعف به صورت جدی وجود دارد. قطعا سازمان‌های کارگری از یک تشکیلات منسجم، علمی و قدرتمند صنفی برخوردار نبوده و فاقد امکانات لزام هستند. از سوی دیگر، واقعا در اختیار نهادهای وابسته به قدرت هستند که بخش اعظم آنها را نهادهای امنیتی کنترل می‌کنند. این موضوع شاید در ذات تکالیف نهادهای امنیتی باشد که با توجه به دغدغه‌هایی که دارند، میزان حضور و نفوذ بیشتری در تشکل‌های کارگری دارند. این روند باعث ناکارآمدی نهادهای کارگری شده است. به گونه‌ای که این نهادهای کارگری عملا اختیارات چندانی برای تصمیم‌گیری ندارند. طی همین چند ماهی که بحث انتقادات جامعه کارگری نسبت به تورم در جامعه مطرح بوده، صدایی از تشکل‌های کارگری شنیده نمی‌شود. آن گونه که انگار در کما هستند. این سکوت دلایلی دارد که در بالا تشریح شد. این سکون، رکود و سکوت یکی از دلایل اصلی است که در حیطه تعیین دستمزدها هم بروز و ظهور پیدا می‌کنند.

به نظرم ایران نیازمند تشکل‌های صنفی قانونی مستقل و کارآمد، همچنین افراد مستقل و کارآمدی است که فارغ از رویکردهای حاکمیتی، منافع کارگران را (از جمله دستمزدهای واقعی) دنبال کنند. معتقدم موضوع عدم بازنگری در دستمزدها به ۳ عامل یاد شده مرتبط هستند. نخستین مورد، آن است که شاخص‌ها دقیقی نیستند و مرجع درستی برای تعیین اعداد و ارقام وجود ندارد. مورد دوم آن است که دولت اعتقادی به همکاری با نهادها و تشکل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی ندارد و خودش را فعال مایشاء موضوعات در روابط کار و بازار کار می‌داند و توجهی به مشورت با گروه‌های کارگری ندارد. سومین مورد هم آن است که خود این تشکل‌ها ناکارآمد و زرد هستند که هم به دلیل نفوذ نهادهای حاکمیتی و هم به دلیل ضعف شخصی و فردی افراد نمی‌توانند تاثیرگذاری لازم را داشته باشند. تا زمانی که این معضل در بدنه بازار کار کشور وجود دارد، همچنان مشکلات تعیین دستمزدها در کشور وجود خواهند داشت.

■ تحت فشار افکار عمومی قرار است در جلسه شورای عالی کار موضوع تغییر دستمزدها مورد بررسی قرار بگیرد؛ آیا می‌توان به خروجی این نشست امید داشت و آیا دستمزدها افزایش می‌یابد؟

با توجه به تجربه‌ای که نسبت به عملکرد دولت سیزدهم وجود دارد و با عنایت با برخوردهایی که این دولت با مطالبات کارگران و حوزه روابط کار داشته، شخصا امیدی به نتایج این نشست ندارم. از همین امروز می‌توان پیش‌بینی کرد، مسوولان دولتی در این نشست با دلایلی غیرواقعی، عنوان می‌کنند «تورم کاهشی بوده یا قانون اجازه تغییر دستمزدها، ۲ بار در یک سال را نمی‌دهد یا اینکه شرایط کشور ایجاب نمی‌کند دستمزدها افزایش یابد و... از زیر بار تحقق یک چنین مطالبه‌ای شانه خالی می‌کند. مشابه اظهاراتی که طی روزها و ماه‌های اخیر بارها از زبان بسیاری از نمایندگان وزارت کار و سایر بخش‌های دولتی شنیده شده است. دولت سیزدهم بدون تردید شرایط را به گونه‌ای جلوه می‌دهد که کارگران ناچار باشند حقوق و معیشت خود را فدای مصلحت‌های دولت کنند. بنابراین معتقدم دولت به این خواسته کارگران تن در نمی‌دهد.

رویداد

تسهیل ثبت‌نام کودکان افغانستانی در مدارس

دبیر مرجع ملی حقوق کودک از تسهیل روند ثبت‌نام کودکان اتباع افغانستانی در مدارس به دنبال راه‌اندازی سامانه یکپارچه اتباع و مهاجرین خارجی در وزارت کشور خبر داد. سیدعلی کاظمی گفت: فرصت ثبت‌نام کودکان اتباع در مدارس تا امروز (۱۵ شهریورماه) تمدید شده است. او افزود: مرجع ملی حقوق کودک و وزارت آموزش و پرورش با همکاری یک نهاد مردمی حامی اتباع افغانستانی، در سال ۱۳۹۵ پیشنهاد اصلاح آیین‌نامه آموزش اتباع خارجی را در دو محور اصلی ارایه کرد که به تصویب رسید و به موجب آن، ثبت‌نام کودکان افغانستانی منوط به داشتن مجوز اقامت نیست و هزینه تحصیل دانش‌آموزان اتباع در برنامه‌های اصلی و فوق برنامه آموزشی مشابه اتباع ایرانی است.

۷۰۰ هزار دانش‌آموز افغانستانی در مدارس ایران

دبیر مرجع ملی حقوق کودک ادامه داد: از آن زمان تاکنون وزارت آموزش و پرورش اتباع خارجی و افغانستانی زیادی را تحت پوشش قرار داده است به‌طوریکه مطابق آمارهای موجود حدود ۷۰۰ هزار دانش‌آموز افغانستانی در مدارس ایران درس می‌خوانند. کاظمی با اشاره به اقدامات وزارت کشور جهت ساماندهی اتباع افغانستانی در سال جاری تصریح کرد: اتباع افغانستانی کارت‌های مختلفی تحت عنوان کارت‌های آمایش داشتند که دارای رنگ‌ها و کدهای مختلفی بوده‌اند. تنوع این کارت‌ها، لزوم تمدید آنها به همراه شناور و سیال بودن جمعیت مهاجر، موجب ایجاد مشکلاتی برای ثبت‌نام کودکان اتباع در مدارس و عرضه خدمات به اتباع خارجی می‌شود. اما در سال جاری وزارت کشور اقدام به راه‌اندازی سامانه یکپارچه اتباع و مهاجرین خارجی و صدور «شناسه یکتا» برای اتباع خارجی کرده است که پایگاه داده مرجع در این زمینه و از خدمات برجسته و ارزشمند دولت و وزارت کشور به منظور ساماندهی اتباع خارجی است. او یادآور شد: مقرر شده تا کارت‌های شناسایی هوشمندی برای اتباع خارجی صادر و خدمات متعددی به موجب آنها به اتباع ارایه شود. یکی از این خدمات شناسه واحد است که جایگزین حدود پنج کد متفاوت شناسایی می‌شود. افزون بر این، خدماتی همچون داشتن سیم کارت، مجوز کار، مجوز افتتاح حساب بانکی از این طریق برای اتباع میسر خواهد شد که هم احترام به حقوق انسانی‌شان است و هم مسیر سوءاستفاده برخی سودجویان را سد خواهد کرد و هم موجب تشخیص این جمعیت و برنامه‌ریزی مناسب برای ارایه خدمات به آنان خواهد شد. در این سامانه نیز اتباع تعداد فرزندان خود را اعلام کرده و براساس آن مجوز ثبت‌نام فرزندانشان در مدارس را دریافت می‌کنند.

مدارک معتبر برای ثبت‌نام اتباع خارجی در مدارس ایران

دبیر مرجع ملی حقوق کودک با اشاره به ماده یک آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی اظهار کرد: به موجب ماده یک این آیین‌نامه مدارک معتبر برای ثبت‌نام اتباع خارجی در مدارس وزارت آموزش و پرورش جهت پناهندگان و آوارگان صرفاً شامل یکی از این موارد یعنی «کارت هویت ویژه اتباع خارجی»، «دفترچه پناهندگی»، «برگ تردد خروجی مدت‌دار»، «گذرنامه که دارای پروانه اقامت یا روادید معتبر با اعتبار شش ماه باشد»، «کارت ویژه حمایت تحصیلی» برای اتباع خارجی است.

اتباع فاقد مجوز برای ثبت‌نام چگونه اقدام کنند؟

او ادامه داد: بنابراین آن دسته از اتباع فاقد مجوزی که در کشور حضور دارند، می‌توانند یا با گرفتن مجوز خاص از طریق سامانه مذکور یا اخذ کارت ویژه حمایت تحصیلی نسبت به ثبت‌نام فرزندانشان اقدام کنند. البته در جلسه مشترک مرجع ملی حقوق کودک و وزارت امور خارجه پیشنهاد مرجع این بود که سهم نهادهای مردمی حامی اتباع در این زمینه به رسمیت شناخته شود چرا که اگر اتباع، تحت پوشش سمن‌ها و نهادهای مردمی فعال در این حوزه قرار گیرند تعیین تکلیف برایشان زودتر انجام می‌شود. از سوی دیگر نیز باتوجه به اینکه دسترسی سمن‌های مردم نهاد به اتباع بیشتر است، از تشریفات کاسته خواهد شد. افزون بر این، نهادهای مردمی می‌توانند مأمن خوبی برای واسطه‌گری بین دولت و اتباع به ویژه اتباع غیرمجاز باشند. همچنین باتوجه به اینکه بسیاری از اتباع نسبت به نحوه ثبت‌نام در این سامانه‌ها آشنایی لازم را ندارند، نهادهای مردمی می‌توانند به آنان در این زمینه مساعدت کنند.

علل محرومیت تحصیلی کودکان اتباع

کاظمی با بیان اینکه مشکل اساسی، محدودیت ظرفیت ثبت‌نام اتباع در برخی مدارس است، افزود: در جلسه مشترکی که میان سمن‌های مردم نهاد و وزارت آموزش و پرورش و وزارت کشور برگزار شد، عوامل محرومیت کودکان اتباع از تحصیل مطرح شد. عواملی که برخی هویتی است، برخی اقتصادی، برخی فرهنگی و اجتماعی. از جمله اینکه حجم زیادی از محرومیت تحصیلی کودکان اتباع ناشی از فقر است. برخی ناشی از مسائل فرهنگی و به ویژه عدم اعتقاد به تحصیل کودکان به ویژه دختران است. بخشی مهم دیگری نیز ناشی از مشکلات ثبت‌نامی، عدم امکان استفاده از اینترنت، تکمیل ظرفیتها، مشکلات ناشی از محدودیت رشته‌های تحصیلی به ویژه در هنرستان‌ها و فنی و حرفه‌ای و همچنین هدایت تحصیلی به رشته‌هایی غیرمنطبق با استعداد دانش‌آموز است. در مقابل راهکارهایی مانند مشارکت نهادهای مردمی برای تدریس به کودکان اتباع، به رسمیت شناختن مدارک این نهادها، اضافه شدن شیفت آموزشی به مدارس، ورود معلمان آموزش و پرورش به نهادهای مردمی جهت آموزش به کودکان اتباع برای رفع این مساله مطرح شد.